



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آشنایی با توابع و متغیرهای اقتصادی

مؤثر بر مبانی اشتغال

(ایجاد ثبات و توسعه پایدار)

راهنمای محققان، مدیران، مسئولان

و کارکنان دستگاه‌های اجرایی

با نگرشی تحلیلی بر:

اداره امور اموال دولتی

ساختار موقوفات کشور

ساختار میراث فرهنگی و گردشگری

واحدهای صنعتی و کمپوزیتهای نظارت

مؤلف: عبدالله عصام رودسری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با توابع و متغیرهای اقتصادی موثر بر مبانی اشتغال

نویسنده:

عبدالله عصام رودسری

ناشر چاپی:

شلفین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ آشنایی با توابع و متغیرهای اقتصادی موثر بر مبانی اشتغال
۶ مشخصات کتاب
۶ اشاره
۱۳ مقدمه:
۱۳ اشاره
۱۵ مبانی اقتصاد اسلامی و جایگاه رفیع اشتغال :
۱۵ اهمیت و ضرورت بحث اقتصادی اشتغال:
۱۷ اهداف نگارنده از تألیف این کتاب:
۱۸ بررسی وضعیت موجود اقتصاد کشور در رابطه با اشتغال:
۲۳ شناخت علل نارسایی:
۲۷ معرفی بخش های مربوط به ارائه راهکارها و الگوهای اجرایی و عملیاتی:
۳۹ ضرورت و اهمیت بخشنامه ناظم:
۹۰ گفتار پایانی:
۹۴ درباره مرکز

آشنایی با توابع و متغیرهای اقتصادی موثر بر مبانی اشتغال

مشخصات کتاب

سرشناسه : عصام رودسری، عبدالله، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با توابع و متغیرهای اقتصادی موثر بر مبانی اشتغال (ایجاد، ثبات و توسعه پایدار)... / مولف عبدالله عصام رودسری.

مشخصات نشر : ساری: شلفین، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۱۵۱ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۰-۳۳۷-۰.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : اسلام و اقتصاد

موضوع : اسلام و کار

موضوع : شاغل

موضوع : اقتصاد — ایران

موضوع : اشتغال — ایران.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۵آ۶ع/BP۲۳۰/۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۲۱۳۱۰

ص : ۱

اشاره

ص : ۲

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

ثواب ناقابل این اثر معنوی را به ساحت پاک و مقدس و مطهر ولی نعمت خود حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب روحی له الفدا
تقدیم می نمایم .

ص: ۳

قال الله تبارک و تعالی: « و هو معکم اینما کنتم »

سخنی با مخاطبین:

امید مؤلف بر آن است که پیام این نگارش که ثمره تحقیق و تلاش و تجربه بیست ساله این خادم است به مخاطبین خود هر چند در نسل های آینده باشند برسد .

(آمین رب العالمین)

ص :

بسم الله الرحمن الرحيم

« اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم »

ص : ۸

مقدمه:

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

درفرهنگ گهربار ایران اسلامی ، همواره اشتغال وانجام فعالیت های اقتصادی ، با شرافت های اخلاقی ودینی و متأثر از آموزه های شریعت پاک حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم وعجل فرجهم ، با خون انسان های شریف و مؤمن این مرز و بوم عجین بوده و از سوی شارع مقدس بعنوان عملی عبادی در کنار سایر عبادات برانجام آن تاکید شده است، و لذا کار و تلاش صرف نظراز جایگاه رفیع اشتغال و آثار آن بر روند رشد اقتصاد کلان و تجلی و ظهور آن در عزت و تعالی جوامع اسلامی و... ، بعنوان عامل اصلی برای رفع نیاز خانواده ، که نهاد اصلی هر جامعه وتشکلات اجتماعی آن را تشکیل

می دهد، برای هر فرد مسلمان وظیفه ای مقدس و به منزله جهاد فی سبیل الله و امری ستوده شده از سوی حضرات معصومین علیهم السلام ، بوده است ، مجموعه بی بدیل شریعت پاک و منزله آخرین فرستاده خداوند حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم وعجل فرجهم ، مشحون از بهترین منشورها و دستورالعمل-های اقتصادی و بعنوان وسیله ای کارآمد برای برپایی عدالت اجتماعی ومدیریت صحیح جوامع بشری و هدایت کننده دربستری از اعمال صالح برای رشد فضائل اخلاقی و نیل به صفات برگزیده انسانی ومکارم اخلاق بوده و می باشد و لذا شارع مقدس در تمامی زمینه های اقتصادی و فعالیت های فردی واجتماعی و برای تمامی مبادی ذیربط اعم ازعامل و ناظر، دستورالعمل های متناسب ارائه داده و شرح وظایف و حدود اختیارات آنان را مشخص ومعلوم نموده است ودرسایه این رهنمودها، تمامی افراد جامعه اسلامی می توانند برپایه رفع نیازهای مادی درمسیر رشد و تعالی اخلاقی وشناخت ومعرفت خالق هستی وستایش وعبادت خداوند جهان آفرین و در مسیر رضای او گام بردارند ، ازخصایص وشاخصه های منحصر به فرد این مجموعه آن است که این قوانین ومقررات اقتصادی با هر محیط وظرف خاص هر جامعه سازگار شده و با دارا بودن پشتوانه های ارزشمند الهی ، ایمان ، ایثار و گذشت و... ، به الگوهای رفتاری نبی مکرم اسلام، حضرت محمدمصطفی صلی الله علیه وآله وسلم واهلبیت عصمت وطهارت علیهم السلام مزین و به معیارهای پسندیده ای همچون، دوری ازخدعه ، مکر، دروغ ، تزویر ، تجمل گرایی افراطی ، مصرف گرایی لجام گسیخته و... ، رعایت خوبی ، تقوی ، پاکي ، سادگی ، صلح رحم ، انفاق ، ایثارثروت اضافی ، ترویج محبت ، ترحم ، دوستی وحمايت از نیازمندان ومحرومین و...، آراسته و به ابزارهای اقتصادی مخصوص به خود ، منحصر به فرد گردیده است، از ویژگی های دیگر این دستورالعمل، میل وآزادی اراده هر مسلمان مومن است که با رعایت آنها همانند سایر اعمال عبادی می تواند به خداوند خالق هستی تقرب جسته وجایگاه خود را در نزد او محترم نماید ، بدیهی است با این منظر و در چنین دیدگاه ، جایگاهی برای انحصار طلبی وتراکم ثروت برضد مسلمانان و مصالح آنان ، از قبیل احتکار ، گرانفروشی و... ، وجود نخواهد داشت والنهایه عبادت خداوند در کنار کار مشروع ودرسایه مدیریتی کارآمد وتوانا و منسجم و دربستر مناسب رشد و تعالی انسان ها انجام می گردد ، و به عبارتی ساده تراشتغال در اقتصاد اسلامی بر ارکان محبت ، انسانیت بشر دوستی و همنوع پروری و... ، استوار بوده واستثمار و تضيع حقوق دیگران و... ، در حدود آن هیچ

ص : ۹

جایگاه و منزلتی نداشته ، ندارد و نخواهد داشت ، نگارنده با اجرای این تألیف اراده نموده است ، وضعیت اقتصادی و جایگاه رفیع اشتغال در کشور را مورد کنکاش قرارداده و اهمیت و ضرورت آن و سنگین بودن بار وظایف کارگزاران نظام را به لحاظ خطرات تهدید کننده از سوی دشمنان عنود دین و ملت متذکر گردد و ضمن شناسائی دقیق علل اصلی نارسایی های حاکم بر اشتغال کشور، راهکارهای بنیادی و کاربردی آن را با ذکر دلایل معرفی و با ارائه الگوهای نمونه، روش ها و شیوه های اجرای صحیح را تبیین و نحوه مقابله با مشکلات احتمالی را نیز در ساده ترین شکل ممکن بیان نماید ، رعایت اختصار، سادگی عبارات و سهولت در روش تبیین، از بزرگی معانی و اهمیت بسزا این گفتار نخواهد کاست و شرط لازم و کافی برای اجرای صحیح و موفقیت کامل ، مطالعه دقیق ، شناخت صحیح و تعامل مجدانه و تعهد کارگزاران نظام خواهد بود انشاء الله ، از خداوند متعال توفیق روز افزون طلب نموده و براو توکل می نمائیم.

ومن الله التوفيق وعليه التكلان

عبدا... عصام رودسری

شهریور ۱۳۹۰

مبانی اقتصاد اسلامی و جایگاه رفیع اشتغال :

مطالعات و بررسی های انجام شده نشان می دهد که پس از ظهور و پیدایش دین مبین اسلام ، اساس خزانه داری کل ممالک اسلامی در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، پایه گذاری گردید و بودجه این مرکز ، از طریق وصول درآمدهای مربوط به زکوه ، خمس ، انفال ، خراج ، جزیه ، فیه ، غنائم و ... ، جمع آوری و حاصل آن برای رفع نیازمندیهای مسلمانان ، تامین خسارات و جبران کمبودهای جامعه اسلامی و حفظ و حراست از افراد ناتوان و نیازمند و... ، به مصرف می رسیده است ، اما با نهایت تاسف با تغییرظالمانه در رهبری جامعه مسلمانان و عدول مسلمان نمایان از اجرای اوامر الهی ، خلافت های غاصبانه ظهور یافته و با ایجاد بدعت های ناروا و اشاعه جور و استبداد ، جمع آوری و نظارت و صرف درآمدهای اسلامی از حدود شرعی و تعیین شده توسط نبی مکرم اسلام و وصی گرانقدر او خارج و با گذشت زمان ، آثار این تغییرات دهشتناک همراه با ورود صدمات جبران ناپذیر برپیکره نظام اقتصاد اسلامی و مدیریت امور مسلمانان در تمامی جوامع اسلامی ظاهر گردید ، حرص حریصان و تکبر متکبران و حسد حاسدان ، اسباب جاه طلبی و سودجویی و انحصار طلبی منافقان و ریاست طلبی آنان را فراهم و النهایه موجبات گسیختن شیرازه امور در نظام مدیریتی و مبانی دریافت ، نظارت ، توزیع و حتی مصرف کل ممالک امت اسلامی را فراهم آورد ، تباهی ، اسراف و تبذیر حاکمان فاسد و غاصب ، علیرغم گسترش شکلی و ظاهری قلمروهای جغرافیایی ممالک اسلامی و دریافت وجوهات بی حد و حصر ، به دلیل تخریب ماهیتی مبانی و ساختارهای الهی آن ، سیر قهقراپی یافته و همانگونه که در خطبه حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهرا سلام الله علیها بدان اشاره و تصریح شده است ، انحراف از مدیریت رهبران منصوب الهی ، زمینه از هم پاشیدگی شیرازه امور و تفریق در وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی و همچنین اضمحلال واز بین رفتن انسجام و عملکرد صحیح پایه ریزی شده توسط نبی مکرم اسلام را فراهم نمود و متعاقب این وضعیت اسفبار ، نهال نوپا و جوان اسلام ، نیازمند فداکاری های جانکاه و جانفشانی های عاشقانه و شهادت های جانسوز امامان معصوم و مبارزات بی امان این مظلومان و پیروان صدیق و اصحاب خالص و خاص آنان گردید ، راه پرنشیب و فرازی که با حاکمیت مطلق استبداد در تبعیده های جابرانه ، شهادت های همراه با شکنجه در زندان های مخوف ، ترورهای ددمنشانه ، تهیج عوام متعصب برقتل و غارت و مصادره اموال و تجاوز به عرض و آبرو آن بزرگواران و پیروان مظلوم آنان متجلی گردید و در این فتنه دامنگیر ، جزقیلی از وفاداران و رعایت کنندگان حقوق الهی ، بقیه از مسیر اصلی هدایت خارج شدند و... ، و از میان این امواج متلاطم و طوفان های سهمگین ، شیعیان و پیروان خالص ، تعالیم و آموزه های شریعت پاک الهی را از امامان معصوم اخذ و با زحمت و ممرات های غیر قابل وصف به میراث قرار دادند ، براساس این تعالیم ، احکام شرعی استخراج و ابواب قواعد و نحوه فعالیت های اقتصادی در قالب اشتغال مشروع تعریف و مقدمات و موخرات و شروط و ضوابط حاکم و ناظر بر حدود آن برای رفع نیازها و احتیاجات مادی و معنوی و... ، مسلمانان اعلام گردید ، بنابراین با توجه به آنچه گذشت لازم است مسلمانان در نظام مدیریت اقتصاد اسلامی ، خصوصاً در زمان غیبت امام معصوم حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف ، به تمامی این ایثارها و جهادها ارج نهاده و بعنوان قدردانی از این زحمات و جانفشانی ها ، با برقراری نظم و استواری در انجام فعالیت های اقتصادی ، بطور کاملاً منسجم و هماهنگ و با تعامل سازنده ، موجبات رشد و تعالی اقتصادی امت اسلامی را فراهم نمایند. انشاء الله تعالی

اهمیت و ضرورت بحث اقتصادی اشتغال:

اعتقاد نگارنده بر آن است که با توجه به شرایط کاملاً بحرانی و حاد و خطرناک جهانی که به لحاظ اقتصادی و سیاسی و اعتقادی و از طروق مختلف و با بکارگیری ابزارهای رنگارنگ شیطانی از سوی دشمنان کینه توز و حيله گر بر علیه اسلام و مسلمین جهان عموماً و علیه نظام مقدس اسلامی و ملت مسلمان ایران خصوصاً ، ساری و جاری می باشد و با توجه به معضلات حاد و اضطراری اقتصادی که گریبانگیر مردم و مسئولین دلسوز و نظام مدیریتی کشور می باشد و با عنایت به اینکه اساساً دشمنان قرآن و اسلام و مسلمین بطور دائم و مستمر تمامی تلاش و مساعی خود را در راه مقابله با توسعه روز افزون و جهانگیر دین مبین اسلام بکار گرفته اند ، رفع معضلات حاد معیشتی مسلمانان و برطرف نمودن احتیاجات مادی و معنوی آنان، صرف نظر از اینکه امری کاملاً عبادی و خداپسندانه محسوب می گردد ، من حیث المجموع موجبات سرفرازی و سرفرازی ملت های مسلمان را در جهان فراهم خواهد نمود. و لذا بر تمامی خادمان و کارگزاران و مدیران نظام به لحاظ امر شرعی، واجب است که به وظایف خطیر خود در این برهه هولناک از زمان غیبت امام

زمان عج الله تعالی فرج الشریف ، که مسلمانان جهان در خطر تهاجمات ددمنشانه دشمنان شریعت پاک آخرین فرستاده خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفته اند ، به عظمت و وظایف خود توجه کامل را معطوف نمایند و در راستای مصالح جامعه به اقامه قسط و عدل پرداخته و فعالیت های سالم اقتصادی را بر پایه های اخلاقی آن استوار و از رذائل آن همچون تقلب ، نیرنگ ، استثمار ، رشوه خواری ، اختلاس ، احتکار ، انحصار طلبی و ... ، دور نگاه داشته و ثروت های عمومی را به شرحی که مذکور خواهد گردید ، در تحت نظارت عالی خود قرار داده و سرپرستی اموالی که میراث گذشتگان و سرمایه آیندگان است را مجدداً حفاظت و نگهداری و آنچه که در ایام غیبت امام معصوم، حراست آن بر عهده آنان است را با تعامل همه جانبه محفوظ و ثمره آن را در راه خوشبختی و رفاه جامعه اسلامی حال و آینده ، مدیریت و رهبری نموده و مسیرهای حرکت و مشی کلیه فعالیت های اقتصادی را برای ایجاد زمینه های کار و اشتغال مناسب بستر سازی و آنگاه با قلبی آکنده از اشتیاق و وجودی خسته از انجام وظیفه ، در انتظار ظهور آخرین منجی جهان بشریت حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف لحظه شماری نمایند ، تا انشاء... هر چه زودتر یادگار زهرای اطهر سلام الله علیه ، و آخرین نماینده خالق هستی ، جهان پر از ظلم و جور را از قسط و عدل خود مشحون و لبریز سازد. (آمین رب العالمین) .

اهداف نگارنده از تألیف این کتاب:

نگرشی ژرف و عمیق بر مکانیسم و نحوه عملکرد سیستمی اقتصاد اسلامی، بیانگر وجود ماهیتی بالقوه توانمند و با قابلیت انعطاف فوق العاده و نیز قدرت اثربخشی پرشتاب و برخوردار از پشتوانه های مطمئن ذاتی در تبدیل به

توانائی های بالفعل و همچنین سرعت غیرقابل وصف تاثیر این انرژی و پتانسیل، در برطرف نمودن نیازمندی های دهشتناک و محرومیت های رنج آور جامعه اسلامی، در کمترین زمان ممکن می باشد و لذا نگارنده بر آن است تا پس از تبیین اهمیت و ضرورت این موضوع، از طریق بررسی وضعیت موجود اقتصاد کشور و کشف علل نارسایی ها و سپس تطبیق بعضی از این شرایط با شرایط کشورهایی که در وضعیت فعالیت های اقتصادی مشابه با کشور ایران می باشند، اولویت های بلند مدت بنیادی در ایجاد اشتغال و توسعه پایدار آن را، در قالب راهکارهای بنیادی مشخص و معرفی نموده و سپس با بیان هدف اصلی، راهکارهای کوتاه مدت کاربردی را در قالب شیوه های عملیاتی و اجرایی، به منظور ایجاد اشتغال و توسعه پایدار آن معرفی نماید، لازم به ذکر است که از خصایص و ویژگی های این نگارش، شفاف بودن، عملیاتی بودن، اجرای سریع، قابلیت استفاده و بهره گیری ابزارهای فعال موجود و قهراً غیر ضروری بودن صرف هرگونه هزینه (که معمولاً از موانع اجرایی و عملیاتی محسوب می گردد)، و نیز سهولت بکارگیری و اثربخشی سریع و نیل به اهداف پیش بینی شده در حداقل زمان و...، خواهد بود، نگارنده براین باور است که به حول و فضل الهی و عنایات حضرات معصومین علیهم السلام، اجرایی نمودن راهکارهای کاربردی و بنیادی این نگارش، بدون هیچ شک و شبهه در کوتاه ترین زمان، قادر خواهد بود بهترین و موثرترین نقش، برای حل معضل های حاد پیش روی مسئولین و کارگزاران نظام و رفع دغدغه های مداوم آنان، در رابطه با موضوع اشتغال متقاضیان و توسعه پایدار آن را ایفا نماید. (انشاء الله تعالی)

بررسی وضعیت موجود اقتصاد کشور در رابطه با اشتغال:

بررسی وضعیت موجود اقتصاد کشور نشان می‌دهد که در سالیان ماضی تلاش وافر و جهت افزایش درآمدهای دولت چه از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم و یا از طریق بکارگیری ابزارهای مختلف موثر بر پارامترهای اقتصادی از قبیل: کاهش هزینه‌های غیرضروری دستگاههای اجرایی، کاهش نقش تصدی‌گری دولت در فعالیتهای اقتصادی، اعمال سیاست‌های خصوصی‌سازی، سعی در افزایش دریافت‌های ارزی و ریالی، بکارگیری ابزارهای پولی و مالی، اتخاذ سیاست‌های انبساطی و انقباضی، کنترل شدید نقدینگی و کاهش سرعت گردش پول و ضریب تکاثری، مهار تورم و مبارزه همزمان با رکود اقتصادی، سعی در جلوگیری از واردات غیرقانونی کالاها با هدف جلوگیری از بروز بحران-های اقتصادی و...، تقویت صادرات کالاها با هدف غیرنفتی با هدف خروج از اتکا به اقتصاد تک محصولی (صادرات نفت)، افزایش و کاهش تعرفه‌های گمرکی و افزایش و یا تغییرات در ضرایب مالیاتی... صورت گرفته است، حرکت و سیر برنامه‌های اقتصادی دولت مردان در کنار حرکات پر رمز و راز اقتصادی کشورهای پیشرفته، نشان از کاروتلاش مستمر به منظور تثبیت موقعیت‌های مناسب و سعی در حفظ توازن و تعادل اقتصاد کشور در وضعیت بحرانی حاکم جهانی دارد، برگزاری نشستهای مختلف، تشکیل کارگروههای اقتصادی، اصلاح دستورالعمل‌ها و...، انجام مطالعات مستمر و سعی در حل مشکلات و معضلات پیش رو، همواره در دستور کار اندیشمندان و محققین قرار گرفته و تکاپو در راستای رفع محرومیت، فقر، تامین آموزش، بهداشت و درمان و...، از نگرانی‌ها و دغدغه‌های مسئولین می‌باشد، یکی از مهمترین این نگرانی‌ها و دغدغه‌های مهم، توجه و پرداختن به موضوع مهم و حیاتی اشتغال و مسائل مربوط به آن اعم از موضوع ایجاد، حفظ و توسعه پایدار آن می‌باشد، که اعطاء انواع مختلف و امها اعم از زودبازده و خود اشتغالی و تولیدی و...، اصلاح موارد بیمه‌ای، پرداخت سوبسیدهای تشویقی، جایزه به کارآفرینان و صادرکنندگان نمونه و...، از آن جمله می‌باشد، اما من حیث المجموع، امعان نظر بر مفاد گزارشات واصله و نتایج اعلامی و...، حاکی از آن است که عملکرد مبادی ذیربط و مطالعات انجام شده، نتوانسته است انتظارات مسئولین را در این رابطه برآورده سازد و از طرفی نه تنها معضل مورد بحث همچنان در پیش روی کارگزاران قرار دارد بلکه نگرانی‌هایی نیز در رابطه با حفظ اساس اشتغال خصوصاً در بعضی از جنبه‌های آن روز افزون گردیده است که در این راستا، مشکلات در نحوه اعطاء و بازپرداخت تسهیلات بانکی برای ایجاد اشتغال، عدم وجود امکانات کافی برای تولید و عرضه کالاها غیرقابل رقابت از سوی رقبای جهانی و...، و بحران‌های حاصل از آن، بودجه ریزی‌های مجدد دولت در بخشهای اعتبارات جاری و عمرانی، وجود موانع در تامین مناسب منابع ارزی و ریالی، افزایش قیمت‌های جهانی در ارائه کالا و خدمات، تولید انبوه کالاها و کاهش هزینه‌های تمام شده از سوی تعدادی از کشورهای و...، از دیگر معضلات حاد مرتبط با این مبحث است، که با بررسی موضوعی دقیق در اساس تمامی این معضلات، نگارنده به منظور ریشه‌یابی

و جمع بندی و ارائه طریق ، تمامی این نارسائی ها و معضلات را حول دو محور اصلی گردآوری و دسته بندی نموده است:

الف (- محور اول) معضلات اثر گذار بر هزینه های دولت :

ب- (محور دوم) معضلات اثر گذار بر درآمدهای دولت :

الف- معرفی مسائل و نارسایی هایی که بر موضوع هزینه های ذاتی و تبعی دولت اثر گذاری می نماید :

بررسی های بعمل آمده نشان می دهد که در راستای رفع این معضل اقداماتی صورت گرفته است که از آن میان می توان به اعمال روشهایی در رابطه با کاهش نقش تصدی گری دولت در اقتصاد و اعمال سیاست های خصوصی سازی اقتصادی و... ، به شرحی که قبلاً نیز مذکور گردید اشاره نمود ، اما اعمال اینگونه سیاستها صرف نظر از عوارض قهری و جانبی آن، به دلیل گسترگی موضوع ، نتوانسته است معضل این محور را آنچنان که شایسته آن است مرتفع نماید ، زیرا دولت در هر صورت ناگزیر از بهره گیری از ابزار و وسایل می باشد و لاجرم می بایست بخش عظیمی از هزینه های خود را در این بستر هدایت نماید و مطالعات بعمل آمده در سالیان اخیر موید این حقیقت و واقعیت است که از کل اعتبارات تخصیصی بودجه های جاری و عمرانی ، چیزی در حدود نیمی از آن صرف خرید ، توسعه و تجهیز و نگهداری اموال دولتی می گردد.

در ابتداء امر به نظر می رسد این رقم بسیار زیاد و یا مبالغه آمیز باشد اما به اعتقاد نگارنده ، این ارقام سالیانه علیرغم این ذهنیت ، در مقابل مجموعه های عظیم انباشته شده از قبل کشور ، رقمی بسیار بسیار ناچیز است زیرا بحث نگهداری اموال دولتی به معنی واقع کلمه و هزینه های مربوط به آن که به تصور غلط در نگاهداری حساب میزها و صندلی ها و... ، ادارات دولتی خلاصه می شود با مصداق واقعی و تعریف کلمه فاصله بسیار زیادی دارد.

لذا در تعریف نگارنده اموال دولتی ، به مجموعه عظیم موجود و انباشته شده از قبل و در طی چند هزار سال اطلاق می شود که نسل کنونی و آینده وارث آن محسوب می شوند ، اما متأسفانه چون این ارتباط حیاتی در آن فرهنگ سازی نگردیده است معنی تعریف شده از آن استنباط نمی گردد ، بطور مثال اگر به میراث های فرهنگی و تاریخی که بطور مرتب و مستمر اخبار غارت و چپاول و خروج غیرقانونی آنها از مرزهای کشور گزارش می گردد ، با این دیدگاه که این میراث ها با توان بالقوه و عظیم نهفته در خود ، می توانند از طریق مدیریت صحیح در مجموعه های فرهنگی ، دیدنی و تاریخی همانند سایر کشورها (هند ، ترکیه ، اسپانیا ، اتریش ، فرانسه ، ایتالیا و...) تجلی و به جاذبه های عظیم تاریخی گردشگری و یا موزه های دیدنی تبدیل شده و برای اقتصاد کشور ، بیشتر از چاه-های نفت موجود ارزآوری نمایند و همچنین از محل درآمدهای ارزی و ریالی حاصله ، موجبات اشتغال جامعه را بطور مستقیم و یا غیرمستقیم و از طریق ایجاد و تقویت بخش های سرمایه ای و... ، فراهم نمایند ، قطعاً حساسیت و توجه به حفظ و حراست آنها بعنوان اموال دولتی در همه آحاد جامعه بیشتر می گردید و این امر یعنی بی تفاوتی در واقع در عین حال که یک مصیبت ملی و اقتصادی است ، یک معضل حاد فرهنگی و اجتماعی نیز محسوب می گردد ، بدیهی است با توجه به ادامه این وضعیت ، روند ایراد خسارت و صدمات جبران ناپذیر بر پیکره مجموعه اموالی و النهایه اقتصاد کشور وارد آمده و لذا این کاستی ها و نارسایی ها به لحاظ اثر گذاری مستقیم و غیر مستقیم ، من حیث المجموع خطرات عظیم را در مسیر سرمایه گذاری های دولت و خصوصاً بخش اشتغال بوجود آورده و به اجبار دولت خدمتگزار را مجبور به انجام بودجه ریزی های مجدد و... ، می نماید ، عدم تفکر سیستمی و فقدان

مدلی جامع و پویا ، عدم قانونمند بودن

ص: ۱۵

مبادی ذریبط در مجموعه نظام اموالی از دلایل قطعی وجود نقاط ضعف در سیستم اموالی کشور وموید عدم تخصیص مطلوب وبهینه عوامل درگیر در وضعیت موجود می باشد.

ب- (محور دوم) معضلات اثرگذار بر درآمدهای دولت:

ب- معرفی مسائل و نارسایی هایی که بر موضوع درآمدهای ذاتی و تبعی دولت اثرگذاری می نماید:

بررسی در وضعیت بخش های مهم درآمدهای دولت نشان می دهد که معضلات حادی که ریشه در مدیریت های اشتباه، فرهنگ های غلط جامعه، عدم آگاهی لازم مبادی ذریبط و...، دارد، مانع از حصول درآمدهای واقعی دولت وعدم هدایت موثر آن در اهداف تعیین شده، خصوصاً در بخش اشتغال وسایر مباحث مربوط به آن (مستقیم و غیرمستقیم)

می باشد و همچنین این بررسی ها دلالت بر آن دارد که نارسایی های موجود در ساختارهای درآمدی دولت، در بخش-های ریالی و ارزی به دلیل عدم انطباق شاکله این موارد بر موازین اسلامی به وجود آمده است، به عبارتی دیگر به شرح آنچه مذکور خواهد گردید، تمامی متغیرهای موثر در این محور، به ظاهر در مدار خود ساری و جاری می باشند اما دقت در عملکرد و شیوه های اجرایی و فرایند این متغیرها و...، اثبات می نماید که با نهایت تاسف هیچ یک از این عوامل بر مدار صحیح و اصلی خود حرکت نکرده وبطور کاملاً- غیر موثر، صرفاً دارای حرکاتی نمادین وبی محتوی هستند، تا حدی که می توان ادعا نمود، منابع درآمدی دولت در بخش های ارزی (غیر از صادرات نفت و خدمات)، صرفاً در صادرات کالاهای غیر نفتی که ماهیتاً بخش ناچیزی از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد خلاصه و متمرکز شده است.

بررسی دریافت ها و پرداخت های این بخش به شرط آنکه عوامل اجرایی دولت یعنی کارگزاران مرتبط در این بخش وتوابع آن را نیز جزء هزینه های مربوطه، اعم از مستقیم ویا غیر مستقیم فرض نمائیم (که قطعاً این فرض پنهان جزء هزینه های آن محسوب می گردد)، حاصل دارای خروجی وبازده منفی خواهد بود، زیرا هزینه تمامی این پرداختها از ناحیه بودجه های دولتی پرداخت می شود، بدون آنکه

هزینه های آن در دریافت های حاصله در بخش خصوصی محسوب گردد که خلاصه فرمولی آن به شرح ذیل است:

$$F = \text{سود حاصله بازرگانان از محل صادرات کالاهای غیر نفتی.}$$

$$B = \text{درآمد حاصل از فروش کالاهای عرضه شده در بازار هدف یا مقصد.}$$

$$A = \text{سرجم هزینه کالا وخدمات صادراتی توسط بازرگانان.}$$

الف - هزینه نهایی خرید یا تولید کالا وخدمات.

ب- هزینه حمل تا محل بارگیری.

ج- سرجمع هزینه های بیمه ای .

ص: ۱۶

د- هزینه های حمل کالا تا مقصد .

ه- هزینه های متفرقه .

$$A = (\text{الف} + \text{ب} + \text{ج} + \text{د} + \text{ه}) \quad (\text{فرمول ۱})$$

$$F = B - A \quad (\text{فرمول دو})$$

D - سوبسید غیر مستقیم یا هزینه های پنهان دولت برای صادرات یا پرداخت ضمنی مستقیم غیر مستقیم دولت که در محاسبات سود حاصله بازرگانان مستتر بوده ولی محاسبه نمی گردد.

و- هزینه های دائمی مستقیم در حال پرداخت دولت و یا مجموعه هزینه های مربوطه به ارائه خدمات مستقیم دولتی اعم از هزینه های پرداخت حقوق و دستمزد و سایر هزینه های اداری و سازمانی به کارکنان دولت و کارگزاران در ارتباط با تسهیل امور مربوط به بازرگانی خارجی .

ز- پرداخت هزینه های نقدی و پرداختهای تشویقی به صادرکنندگان و ... ،

ج- هزینه های مطالعاتی ، ارشادی ، تبلیغاتی ، انجام سمینارها و برگزاری جلسات و ... ،

$$D = (\text{ج} + \text{ز} + \text{و}) \quad (\text{فرمول ۳})$$

K = هزینه واقعی و قطعی انجام شده برای صادرات کشور.

E = سود حاصل با توجه به هزینه های واقعی بعمل آمده برای کالاهای صادراتی.

$$K = A + D \quad (\text{فرمول ۴})$$

$$[E] = [D + A - B] \quad (\text{فرمول ۵})$$

شناخت علل نارسایی:

کنکاش و جستجوی دقیق بعمل آمده از سوی نگارنده در اساس و ریشه موضوعات مربوط به اشتغال و وضعیت حاکم بر پارامترهای موثر بر آن ، نشان می دهد که در وضعیت ما نحن فیه ، موضوع اشتغال اساساً وابسته به عواملی که در حال حاضر برپویایی آنها تلاش و کوشش می شود استوار نبوده و به همین دلیل نه تنها این روند بر موضوع اشتغال و ایجاد و حفظ و توسعه آن اثری نداشته ، بلکه به دلیل رشد جدا از بستر صحیح و مدار مربوطه و فرض غلط آن بعنوان متغیر ، عوارض نامطلوب مخصوص به خود را نیز ایجاد نموده است ، بعبارتی دیگر موضوع اشتغال اساساً به عکس آنچه تصور می شود اساساً متغیر اقتصادی محسوب نمی گردد تا ایجاد و حفظ و توسعه پایدار آن تابع عواملی چون اعطاء وام و تسهیلات بانکی اعم از زودبازده ، خود اشتغالی ، تولیدی و ... ، و یا واگذاری

ایزارکار، امکانات و...، باشد و لذا به دلیل همین تصور اشتباه و تصویر نادرست از روند حاکم و علی‌رغم تلاش بی وقفه بعمل آمده در این رابطه، نه تنها اشتغال توسعه مطلوب را نداشته بلکه براساس و مبانی اشتغال ایجاد شده و موجود از قبل خود نیز، اثر نامطلوب وارد نموده است، تا حدی که گروهی از صاحبان مشاغل و حرف، به دلیل عدم نیل به اهداف از پیش تعیین شده خود، دچار بحران های مالی و خسارات غیرقابل جبران گردیده اند، که عدم توانایی در پوشش هزینه های جاری و یا عدم استطاعت در بازپرداخت اقساط تسهیلات بانکی دریافتی و...، از آن جمله می باشد.

نگارنده براین باور است که علت اصلی نارسایی در ایجاد و حفظ و توسعه پایدار اشتغال، چه از لحاظ ذاتی و یا تبعی، به دلیل عدم شناخت صحیح متغیرهای موثر بر موضوع اشتغال بوده است، با این توجه که اشتغال در رابطه با رفع فقر و عوارض ناشی از آن متغیر، ولی در رابطه با ایجاد و حفظ و توسعه آن یک تابع اقتصادی محسوب می‌گردد، نه متغیر و به همین دلیل تمامی برنامه ریزی‌های بعمل آمده در این رابطه و حتی تشکیل کارگروه‌های تخصصی و...، نتوانسته و نخواهند توانست رضایتمندی مورد انتظار را برآورده سازند. با توجه به آنچه اعلام گردید، تنها با شناخت متغیر موثر بر تابع اشتغال می‌توان مبناء و اساس صحت تغییرات در ایجاد، حفظ و توسعه پایدار آن را ضمانت نمود و براساس بررسی‌های بعمل آمده از سوی نگارنده محرز گردیده که اشتغال، ایجاد، حفظ و توسعه پایدار آن تنها تابع گسترش همین شاخصه یعنی زمینه اشتغال است و لذا تنها با شناخت این متغیر به لحاظ ماهوی و ورود به مباحث شکلی آن، قابلیت هدایت مولفه‌ها بطور صحیح و استقرار عوامل در مدارهای اصلی امکان پذیر خواهد بود، بنابراین با توجه به اینکه اساساً اشتغال به لحاظ ذاتی در این مکانیسم، تابع اقتصادی و گسترش زمینه اشتغال متغیر محسوب می‌گردد، قهراً بر این اساس هرگاه منحنی زمینه اشتغال سیر نزولی داشته باشد، اساس و بنیان حفظ و ایجاد اشتغال و تبعاً توسعه پایدار آن نیز با بحران فزاینده روبرو و النهایه محکوم به نابودی خواهند گردید، حال با توجه به شناسائی این شاخصه، لزوم و نحوه تعیین اهداف راهبردی و اجرایی به منظور عملیاتی نمودن این متغیر در برنامه ریزی‌های بلند مدت و کوتاه مدت مشخص و معلوم می‌گردد و در خصوص این موضوع، نگارنده با سرعت از مقوله شرح و بسط و بیان موضوع آن به صورت توصیفی خارج و با عنوان نمودن جنبه‌های عملی آن، ضمن بررسی دقیق این نارسایی‌ها، پیشنهادات خود را جهت اتخاذ تمهیدات لازم به منظور حرکت سیستمی و در بستری صحیح و نحوه قرار گرفتن مبانی آن در مدار اصلی، با توجه به ابزارهای موجود و در اختیار دولت و در قالب راهکارهای عملیاتی معرفی می‌نماید.

- تشریح ماهیت دو محور اثر گذار:

بررسی‌های بعمل آمده در تطبیق وضعیت شاخصه شناسائی شده با دو محور اثر گذار بر هزینه‌ها و درآمدهای دولت نشان می‌دهد که انجام هرگونه اصلاحات در این دو محور بطور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال، ایجاد، حفظ و توسعه پایدار آن اثرات حیاتی دارد و به شرحی که مذکور خواهد گردید این دو محور به شدت به یکدیگر وابسته و ملزوم و یکدیگرند و لذا وقتی از حفاظت و حراست مجموعه اموالی کشور سخن به میان می‌آید، در واقع سخن از ایجاد اشتغال پایدار و جذب نیروهای انسانی در سطحی گسترده برای نگهداری، تجهیز، آماده‌سازی و...، آن خواهد بود که ماهیت این خدمات متقابل با توجه به اهمیت و لزوم تقویت و توانمندی دولت در محور اول، مقدمه ایجاد درآمدهای غیرقابل انتظار در محور دوم است و به عکس آنچه تصور می‌گردد، اینگونه خرج کرد علیرغم ظاهر هزینه‌ای خود، ماهیت هزینه‌ای ندارد زیرا عملاً یک نوع سرمایه‌گذاری سود آور را در ضمن ایجاد اشتغال پایدار و توسعه آن ضمانت می‌نماید، به عبارت دیگر و براساس این دیدگاه تمامی هزینه‌هایی که برای حفظ و حراست و آماده‌سازی جهت ایجاد درآمد برای دولت صورت می‌پذیرد، صرف نظر از اینکه با ایجاد صرفه جویی در هزینه‌های دولت از بودجه ریزی مجدد برای پیشبرد امور مستغنی می‌گردد، موجبات بروز و ظهور درآمدی حیرت‌انگیز را بر مولفه‌های موثر درآمدی دولت فراهم خواهد نمود و بدیهی

ص: ۱۸

است در بکارگیری این مکانیسم، مازاد درآمدهای حاصله در بخش های سرمایه ای دیگر برای ایجاد اشتغال و توسعه و...، بکارگیری خواهد گردید، به عبارت دیگر با توجه به اینکه در وضعیت موجود بسیاری از به ظاهر سرمایه گذاری های دولت خصوصاً در بخش ارزی و ریالی صادرات غیرنفتی، ماهیت هزینه ای داشته و عملاً تأثیر خاصی روی تولید ناخالص ملی ندارد، بالعکس بسیاری از هزینه هایی که بکارگیری آن ماهیت سرمایه ای داشته و اثرات آن بر تولید ناخالص ملی غیرقابل تصور است، اساساً نادیده گرفته شده است. بنابراین با توجه به آنچه مذکور گردید اثبات می گردد که مقوله اشتغال اعم از ایجاد حفظ و توسعه پایدار آن، اصالتاً در نهاد این دو محور مستتر و قهراً با شناخت علل نارسایی در محور اول و دوم و ارائه راهکارهای اجرایی آن در واقع بالاترین گزینه ها در نیل به اهداف به منظور حل مسائل و مشکلات پیش رو حاصل خواهد گردید.

- شناخت علل نارسایی در محور اول:

همانگونه که قبلاً بیان گردید یکی از علل مهم وجود نارسایی در هزینه های دولت، عدم توجه و عدم شناخت کافی از بزرگی و عظمت و گرانقدر بودن مجموعه اموال تحت اختیار دولت و نقش غیرقابل تصور آن به عنوان لازمه و پیش زمینه ایجاد درآمدهای سرشار برای دولت در محور دوم و اثرات غیر قابل انکار آن در تقویت بخشهای سرمایه ای و...، بوده و این ضعف در واقع یکی از علل اصلی ذاتی نابسامانی موجود در ساختار محور دوم است که به دلیل عدم اتخاذ تمهیدات لازم در حفظ و حراست آنها بوجود آمده و علیرغم جایگاه رفیع آن به عنوان اهرمی بسیار موثر در امر ساماندهی اقتصاد کشور مورد توجه قرار نگرفته و لذا حفرات پنهان در مسیر سرمایه گذاری های دولت در همین بخش، بطور کاملاً موثر از بهره وری آنها کاسته و مسئولین را مجبور به بودجه ریزی مجدد در همان بخش می نماید. کاستی ها و نارسایی های موجود، لزوم دستیابی و بهره گیری از مدلی جامع و پویا را از طریق قانونمند نمودن مبادی ذیربط اموالی اثبات می نماید، بررسی های بعمل آمده از سوی نگارنده نشان می دهد که اصول و مبانی اجرایی و مدیریتی در نگهداری مجموعه اموالی کشور منسجم نبوده و با سازوکارهای وضعیت روز جهان هماهنگ نشده و اساساً شیوه نگهداری این مجموعه عظیم، صرف نظراز وجود ایرادات اساسی در اجرای آن حتی به شیوه های سنتی موجود علیرغم وجود مراجع بسیار زیاد نظارتی و...، کما فی السابق بطور کاملاً اسف بار و بدون انسجام مبادی ذیربط، دارای وضعیت همچنان خسارت بار است و همچنین شیوه های اجرایی در این مجموعه به دلیل مطلوب نبودن عملکرد سیستمهای اموالی که ریشه در ناهماهنگی واحدهای ذیربط اموالی در خارج و داخل دستگاههای اجرایی دارد، کارایی لازم را نداشته و قادر به حفظ مجموعه نمی باشند و لذا برخورداری از یک سیستم صحیح و پویا در نظام اداری و مالی دستگاههای اجرایی جهت حفظ و حراست از این مجموعه عظیم، امری حیاتی و اجتناب ناپذیر است با توجه به آنچه گذشت عدم توجه به اجرای راهکارهای ارائه شده (بنیادی و کاربردی) و ادامه وضعیت کنونی و موجود، مجموعه عظیم اموالی را به دلیل وجود ایرادات اساسی در ساختارهای حفظ و نگهداری و امور نظارتی آن، اعم از بخش دولتی و ملی، دچار خسارت غیرقابل جبران نموده و خواهد نمود و قهراً با ادامه این روند، دولت قادر به تقویت و یا سازماندهی مدیریت های مربوطه به آن نبوده و نمی تواند از صرف هزینه های مجدد اجتناب نموده و یا از محل صرفه جویی و هدایت آنها در مسیر سرمایه گذاری موثر بر پارامترهای اشتغال، بهره برداری لازم و کافی را حاصل نماید، زیرا اضافه رفاهی که می توانست از محل صرفه جویی ها و تخصیص های بهینه عوامل در بخشهای سرمایه ای و مولد، صرف ایجاد اشتغال و حفظ و توسعه آن حاصل شود بدست نیامده است.

- شناخت علل نارسایی ها در محور دوم :

بررسی در وضعیت بخش های مهم درآمدی دولت نشان می دهد که معضلاتی حاد ، مانع از حصول درآمدهای واقعی دولت و عدم هدایت موثر آن در اهداف تعیین شده خصوصاً در بخش اشتغال می باشند ، متغیر های موثری که بظاهر درمدار صحیح اصلی حرکت می نمایند ، اما امعان نظر بروضعیت وماهیت عملکرد آنان نشان می دهد که حرکت آنان بطور کاملاً غیر موثر بر درآمدهای دولت اثر گذاری نموده و من حیث المجموع ، بخش ناچیزی را از در آمد دولت و تولید ناخالص ملی تشکیل می دهند ، درحالی که انطباق این مولفه ها با وضعیت های اقتصادی در کشورهایی که در شاکله مشابه اقتصادی کشور ایران قرار دارند ، از نابسامانی و هرج و مرج کامل حاکم بر این پارامترها بطور کاملاً- تعجب آور و درعین حال تاسف آور حکایت دارد. همانگونه که ذکر گردید خسارت وارده بر منابع درآمدی دولت موجب گردیده تا اعمال سیاست ها برای رفع نیازهای اولیه و ایجاد امور رفاهی کشور و برنامه ریزی های بنیادی مسئولین با شکست مواجه و یا حداقل با چالش های تاثیر گذار روبرو گردد و حال آنکه توان بالقوه محروم از توجه ، در بخش هایی از منابع درآمدی دولت که به نمونه هایی از آنها اشاره خواهد شد از چنان پتانسیل و انرژی زاید الوصفی برخوردار است که به باور نگارنده، دولت را از هرگونه افزایش جهت کسب درآمد بیشتر از طریق افزایش ضرایب مالیاتی ، مستقیم و یا غیر مستقیم و یا اخذ عوارض و...، (که هر کدام صرف نظر از آثار تورمی و... ، دارای بازتاب های سوء اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ، مخصوص به خود هستند) ، کاملاً بی نیاز خواهد نمود ولذا نگارنده به بذل توجه و دقت کافی بر آزاد سازی توانائی های بالقوه موجود در تمامی مولفه های تشکیل دهنده ساختارهای درآمدی دولت تاکید داشته ، که در این کتاب، مطالعه و بررسی در دو مقوله موجود در بخش انفال انتخاب گردیده که به نظر راقم سطور ، مهمتر و موثرتر به نظر می رسد ، بدیهی است عزم ملی در یک حرکت سریع وقاطع وبازبینی تمامی این پارامترها و تبدیل توان های بالقوه آنها در کمترین زمان ممکن به فعلیت های سازنده و تخصیص آنها به بهترین ابزارهای مورد نیاز طرح ها و برنامه های در دست اجرای دولت از جمله اشتغال و توسعه امور رفاهی و... ، در وضعیت اضطراری حاکم بر اقتصاد کشور ، بطور قطع و یقین می تواند موجبات شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد کشور در عرضه داخلی و بین المللی را فراهم و بعنوان نقطه عطفی تاریخی ، در حرکت رو به پیش و تعالی اقتصادی کشور عمل نماید (انشاء الله تعالی) ، همانطور که در قبل اشاره گردید، مجموعه انفال در اختیار دولت اسلامی از جمله منابع درآمدی نظام اقتصادی است که تولیت آن در زمان غیبت امام معصوم با دولت اسلامی است و بایستی بطور کاملاً- صحیح و اصولی برای رفع نیازهای اضطراری مسلمین و ساز و کارهای امور معیشتی آنان از جمله ایجاد اشتغال و... ، مصرف گردد.

معرفی بخش های مربوط به ارائه راهکارها و الگوهای اجرایی و عملیاتی:

با توجه به آنچه عنوان شد ، بررسی وضعیت موجود کشور و شناخت علل نارسایی ها خصوصاً حول دو محور اثر گذار بر هزینه ها و درآمدهای دولت در مباحث قبل بررسی گردید ، در محور اول مسائل و نارسایی هایی مورد توجه قرار گرفت که بر موضوع هزینه های ذاتی و تبعی دولت اثر گذاری می نماید و همچنین مشخص گردید که چگونه بسیاری از سرمایه گذاری های دولت با هدف ایجاد درآمد ، عملاً ماهیت هزینه ای داشته و حال آنکه بسیاری از انواع

سرمایه گذاری ها وجود دارند که به عکس ظاهر هزینه ای خود ، دارای ماهیت اشتغالزایی و درآمدی می باشند که بعنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره گردید و همچنین در بررسی بخش های مهمی از درآمد دولت به معضلات حادی اشاره شد که ریشه در

مدیریت های اشتباه و فرهنگ های غلط جامعه و عدم آگاهی مبادی ذیربط دارد و همچنین با دقت در عملکرد و شیوه های اجرایی و بررسی روند ها و فرایندهای این متغیرها ، اثبات گردید که چگونه این عوامل برمدار غیر صحیح و غیر اصلی خود حرکت کرده و بطور کاملاً غیر موثر ، صرفاً دارای حرکاتی بی محتوی و نمادین هستند ، تا حدی

که اتکا بر آنچه که نباید باشد و آنچه که هست، موجبات بروز چالش های خطرناک را در اعمال سیاست های رفاهی دولت فراهم نموده که به برخی از آنها بعنوان نمونه اشاره شد و نیز اثبات گردید که چگونه در مکانیسم تعریف شده توسط نگارنده، اشتغال به لحاظ ذاتی تابع اقتصادی و زمینه اشتغال، متغیر اقتصادی محسوب می گردد و لذا به منظور دسترسی به روندی روبه رشد و نیل به نقاط بهینه در وضعیت های تعریف شده، مشخص گردید که چگونه گسترش موضوع اشتغال در جامعه و حفظ و پایداری مبانی آن تنها با تلاش در راستای گسترش زمینه های اشتغال فراهم خواهد گردید و همچنین به این مهم اشاره شد که چگونه تمامی این عوامل در فقر مفاهیم کاربردی خود قرار داشته و علیرغم اهمیت فوق العاده و ماهیت اثر گذار خود، به کارگیری اصولی نشده و مورد بهره برداری صحیح قرار ندارند، که در این راستا بر نحوه حرکت منطقی و قرار گرفتن این عوامل در بستر واقعی و مدار اصلی خود با توجه به ابزارهای موجود و در اختیار دولت و در قالب راهکارهای اجرایی چه به صورت (راهبردی و بنیادی) و چه به صورت (کاربردی و عملیاتی) تاکید، که در ادامه با توضیح دقیقتر و بیشتر به نحوه ارائه راهکارهای اجرایی و معرفی تعدادی از نمونه های اجرایی مربوطه، به عنوان الگوهای اجرایی در دو محور هزینه ها و درآمدهای دولت پرداخته خواهد شد.

- چگونگی رفع معضلات در (محور اول)، هزینه های دولت:

الف - راهکارها ب- معرفی الگوهای اجرایی

الف - راهکارها:

بنابر آنچه تاکنون مذکور گردید در شناخت علل نارسایی در محور اول، یکی از عوامل مهم وجود نارسایی ها در بخش هزینه های دولت، عدم توجه و عدم شناخت کافی از عظمت و گرانبودن بودن موضوع و وضعیت (مجموعه عظیم اموالی) تحت اختیار دولت به معنی واقعی کلمه می باشد و همانگونه که بیان گردید این عدم توجه و شناخت در واقع خود یکی از علل ضعف ذاتی وجود نابسامانی در ساختار محور دوم، به لحاظ ارتباط متقابل محسوب می گردد که خوشبختانه این مورد حیاتی یعنی مقوله حفظ و نگهداری اموال دولتی به دلیل اهمیت فوق العاده ای که در راستای ساماندهی اقتصاد کشور داشته است، قبلاً توسط نگارنده مورد تحقیق و بررسی جامع قرار گرفته و در قالب کتابی با عنوان (مبانی بنیادی و کاربردی حفظ و نگهداری اموال دولتی)، که در واقع تنها اثر کاربردی در این زمینه می باشد چاپ و منتشر گردیده که در این مجموعه وضعیت موجود و پیشنهادی اموال کشور، بطور جامع و کامل ضمن بیان اصول و نقایص، نقش مبادی داخلی دستگاه های اجرایی، نقش مبادی ذیربط خارج دستگاه های اجرایی، طرح های کاربردی دوره ای، طرح های کاربردی دوره ای حسابرسی و نظارتی و طرح های کاربردی و کنترلی مسئولین و...، مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و براساس طرح تدوین شده نگارنده، سیستم پیشنهادی ارائه شده بطور خودکار وظایف ثبت و کنترل و نظارت را انجام داده و مجموعه اموال دولتی و ورود و خروج آنها را کنترل و بر بهینه سازی وضعیت آنان دخالت می نماید و...، که به جهت اختصار چکیده این مباحث، به همراه الگوی طراحی شده اجرایی آن به شرح مطالب و نمودار آتی که متضمن شناخت نحوه نظارت و اصلاح ساختارها بطور ضربتی و...، می باشد معرفی و امعان نظر بر اجراء و تدقیق بیشتر آن به دانش پژوهان و محققین توصیه می گردد، با عنایت به موارد معنونه مجدداً به لحاظ اهمیت موضوع، بر لزوم انجام اصلاحات ساختاری و برخورداری از یک سیستم صحیح و پویا و جامع در نظام اداری و مالی دستگاه های اجرایی به منظور حفظ و حراست از این مجموعه عظیم که بکارگیری آن امری حیاتی و اساسی و لازم برای اشتغالزایی کشور می

ص: ۲۱

باشد، تاکید و در این راستا طرح و برنامه و نحوه ایجاد شبکه های قانونمند از طریق بکارگیری بخشنامه جامع اموالی، موسوم به بخشنامه ناظم ارائه و طرح ضربتی حسابرسی مجموعه های اموالی دستگاه های اجرایی در قالب شیوه های عملیاتی معرفی و هرچند به اعتقاد نگارنده خلاصه مطالب ارائه شده، کارگزاران را از بررسی و کنکاش بیشتر در این مقوله کاملاً بی نیاز نموده است اما به دلیل گستردگی مطالب بررسی و تحقیق بیشتر از طریق مطالعه کتاب مذکور به دانش پژوهان توصیه می گردد، با توجه به آنچه مذکور گردید خلاصه موارد اعلام شده به شرح ذیل است:

ب- معرفی الگوهای اجرایی و عملیاتی محور اول:

۱-ب- ابلاغ بخشنامه جامع اموالی موسوم به (بخشنامه ناظم).

۲-ب- انجام حسابرسی ضربتی به منظور ساماندهی و اصلاح ساختار مجموعه های اموالی در دستگاه های اجرایی.

۱-ب- بخشنامه جامع اموالی موسوم به (بخشنامه ناظم):

ابلاغ و اجراء این بخشنامه به همراه دلایل توجیهی بند به بند آن که برگرفته از مباحث مستدل و محکم کتاب آشنایی با مبانی بنیادی و کاربردی حفظ و نگهداری اموال تالیف نگارنده می باشد به مسئولین ذیربط با هدف ایجاد شبکه های منسجم اموالی و با توجه به همسو بودن آنها با قوانین جاری کشور توصیه و تاکید می گردد، بدیهی است اجرای این بخشنامه به حول و فضل الهی و عنایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به علت دارا بودن ویژگی های خاص از جمله سادگی به کارگیری دستورالعمل های منتهی به ایجاد شبکه منسجم عملیاتی، سیستمی بودن مراحل، توانایی به رفع خودکار عیوب اجرایی مراحل قبل، بستر سازی امور حسابرسی و کنترلی و نظارتی، تفکیک اطلاعاتی و طبقه بندی اموالی، ابلاغ ضمنی مهمترین شرح وظایف و حدود اختیارات به مبادی ذیربط و...، به سادگی و راحتی قادر خواهد بود در کوتاهترین زمان ممکن و با عنایت به اینکه با قوانین جاری نیز همسو می باشد، با سرعت تمام موجبات قانونمندی مبادی ذیربط را فراهم و به هرج و مرج موجود در دستگاه های اجرایی کشور به بهترین شکل خود پایان دهد و قطعاً اجرای آن و با ایجاد نقطه عطفی در تاریخ تحولات اداری، بهترین صرفه و صلاح را برای نظام اقتصادی کشور در بخش هزینه ها و در رابطه با موضوع اشتغالزایی به شرحی که در قبل مذکور گردید و با توجه انجام اصلاحات اصلی در بخش های زیر بنایی و زیرساخت های مربوطه و در رابطه با ایجاد زمینه اشتغال و توسعه پایدار آن فراهم خواهد ساخت. (انشاءالله تعالی)

قال امیرالمومنین علی (ع): (اوصیکم عبادالله بتقوالله ونظم امرکم ...)

حضرت علی (ع) می فرماید: (وصیت می کنم شما بندگان خدا را به تقوی الهی ونظم در امورتان ...)

(تقدیم به ساحت پر عظمت حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)

(بخشنامه ناظم)

*بخشنامه دائمی اموال به دستگاه های اجرایی کشور *

بدینوسیله بخشنامه دائمی به شرح ذیل در یازده بند به دستگاه های اجرایی کشور ابلاغ و تاکید می گردد که رعایت موارد اعلام شده کاملاً الزامی است .

۱- هرگونه تحویل و تحویل ، جابجائی ، خرید و فروش ، انتقال به هر صورت (امانی و...) بدون اطلاع امین اموال اکیداً ممنوع است .

- دلایل توجیهی و توضیح بند یک :

ابلاغ این بند در واقع به منظور تبیین و تعیین جایگاه شایسته امین اموال است که با اجرای آن به اقدامات خودسرانه کارکنان و یا خود کامگی بعضی از واحدها پایان داده و همچنین از بروز بعضی از وقایع که معمولاً به هرج و مرج اموالی و یا سوء استفاده مالی منتهی می گردد جلوگیری خواهد نمود ، بطور مثال چنانچه گزارش جابجایی های کلی و یا جزئی به امین اموال نرسد و واحدها و کارکنان بدون هماهنگی واحد جمع‌داری اموال نسبت به جابجایی ها اقدام نمایند، انجام اصلاحات در فرمهای اموالی به کلاف سردرگم تبدیل گردیده و این امر امین اموال را مجبور می نماید تا در پایان دوره مالی به دنبال تعیین سرنوشت بعضی از اینگونه اموال ، اوقات خود را تلف نماید ، تا کشف نماید که این گمشدگان در کدام قسمت پنهان شده یا چه کسی مسئول نگهداری آنهاست می باشد.

۲- مدیرتها و مسئولین ادارات تابعه استان ها موظفند کلیه مکاتبات از بدو تاسیس به بعد (واحد خود) در خصوص اموال را به همراه کلیه سوابق در پرونده ای خاص به همین نام متمرکز نموده و عامل ذیحساب و یا فردی دیگر را بعنوان عامل امین اموال تعیین و پرونده مذکور و سایر امور مالی شهرستان و یا مرکز تابعه را به وی احاله نمایند.

- دلایل توجیهی و توضیح بند دوم :

دلایل ابلاغ این بند، متمرکز نمودن امور اموالی و تعیین فردی مشخص در این رابطه می باشد ، بدیهی است در این صورت انجام امور به سهولت بیشتری جریان یافته و افراد مذکور به مرور زمان ، توانایی خود را با توجه به کسب تجارب بیشتر در راستای بهبود امور اموالی افزایش خواهند داد و درچنین حالتی سررشته مجموعه اموالی ادارات تابعه در دست اولیاء امور در مرکز خواهد بود.

۳- کلیه مسئولین ادارات و دوایر و واحدهای ستادی مستقر در مرکز و مسئولین ادارات تابعه در غیر مرکز موظفند به محض استقرار اموال دریافتی از هر طریق (اعم از انبار ، خریداری ، اهدایی ، انتقالی و...) و همچنین وقوع هر نوع تغییرات (اعم از جابجایی ، نقصان

، تخریب ، سرقت و...) ، مراتب اعلام وصول

ص : ۲۳

و یا دیگر گزارشات متناسب با تغییرات واحد خود را حداکثر ظرف مدت ۴۸ ساعت به امین اموال گزارش نمایند تا در فرم های مربوطه ثبت و یا اقدام لازم درخصوص آنها بعمل آید .

- دلایل توجیهی و توضیح بند سوم :

(دلیل ابلاغ این بند جلوگیری از انباشته شدن امور اموالی و یا وقوع سوء استفاده های مختلف و همچنین جلب توجه مسئولین و اهمیت دادن آنان به کلیه تغییرات مثبت و یا منفی اموالی در مجموعه تحت امر می باشد) .

۴- مسئولیت نظارت عام بر مجموعه اموال به عهده روسای ادارات و مسئولین واحدهای تابعه و نظارت خاص بر عهده تحویل گیرندگان وفق فرمهای اموالی می باشد.

- دلایل توجیهی و توضیح بند چهارم :

دلیل ابلاغ این بند مشخص نمودن نظارت مستقیم عمومی و اختصاصی کارکنان مرتبط به اموال می باشد و لذا با توجه به اینکه این نظارت عام در واحدهای ستادی در مرکز به عهده مدیریت مجموعه می باشد که خود ابلاغ کننده این بخشنامه است ، قهراً بیان آن در این محل بی معناست ، بنابراین ابلاغ این بند خود بخود به معنی ایجاد تعهد برای روسای ادارات و افراد تحت امر در مقابل حفظ و نگهداری و ... اموال مورد استفاده خواهد بود .

۵- هر گونه نقل و انتقالات پرسنلی (اعم از ماموریت خارج از سازمان ، بازنشستگی ، باخرید ، اخراج ، انتقال ...) می بایست بعد از انجام مفاصا حسابهای اموالی از سوی امین اموال صورت پذیرد .

- دلایل توجیهی و توضیح بند پنجم :

دلیل ابلاغ این بند درخصوص کارکنانی که به هر دلیل به مدت طولانی یا بطور کلی از سازمان جدا می گردند ، اینست که همیشه دسترسی به اینگونه افراد جهت بررسی مشکلات ناشی از نگهداری و یا فقدان و ... اموال به سادگی امکان پذیر نیست ، لذا می بایست هر مشکل احتمالی در این خصوص قبل از جابجایی پرسنلی صورت پذیرد .

۶- کلیه واحدهای تابعه موظفند در صورت موجود بودن اموال اسقاطی سیاهه آن را به واحد جمعدهاری گزارش نمایند تا نسبت به خروج قانونی آنها اقدام گردد .

- دلایل توجیهی و توضیح بند ششم :

(علت ابلاغ این بند جلوگیری از اسراف و تبذیر توسط واحدها و هدایت اینگونه اموال به منظور رهایی مسئولین از زحمت نگهداری و جابجایی و ... ، دیگر مشکلات اینگونه اموال خواهد بود) .

۷- انبار دار و کاربردار موظفند ، کلیه امور مربوط به ورود و خروج اموال را همزمان با امین اموال هماهنگ نموده تا در ثبت دفاتر

مربوطه وقفه ای حاصل نگردد.

- دلایل توجیهی و توضیح بند هفتم :

علت ابلاغ این بند به شرحی که در قبل بطور مفصل بیان گشته است موجب می گردد که ورود و خروج اموال بطور مرتب ثبت و دردفاتر مربوطه منعکس شود و بدیهی است در دستگاه های اجرایی که ادارات تابعه آن ، انبار دارو کارپرداز و عامل امین اموال جداگانه ای دارند این امر به آنها هم تسری می یابد ولذا هماهنگی بعدی از طریق عامل امین اموال و شخص امین اموال صورت می پذیرد.

ص: ۲۴

۸- انباردار موظف است بعد از اخذ دستور مدیریت، برای کلیه اموال وارده و صادره به شرح تفکیکی ذیل و نمونه کلیشه ای پیوست قبض انبار و حواله انبار متناسب صادر و نسخه مربوط به خود را پس از انجام تحویل و تحول و اخذ امضاء از تحویل دهنده و یا تحویل گیرنده مال، در سوابق خود به منظور تسهیل در انجام امور حسابرسی طی دوره و انبار گردانی پایان سال به تفکیک دو گروه اموالی (غیر مصرفی) و (مصرفی در حکم مصرفی) که تابع دستورالعملهای ابلاغی اموال دولتی می باشد در دو بخش خریداری و غیر خریداری طبقه بندی و حفظ نماید که اشکال چهارگانه قبض ها و حواله های انبار با توجه به ماهیت ذاتی و مراجع درگیر و تعداد نسخ مربوط به شرح ذیل می باشد:

الف - بخش اول فرم های کلیشه ای قبض های انبار که با توجه به ماهیت ذاتی و گردش عملیاتی به چهار فرم تقسیم می شوند: *

۱- (قبض انبار شماره ۱): مخصوص اموال خریداری غیر مصرفی، در پنج نسخه برای واحدهای (کارپردازی، انبارداری، امین اموال، حسابرسی، دیوان محاسبات).

۲- (قبض انبار شماره ۲): مخصوص اموال خریداری (مصرفی و در حکم مصرفی)، در پنج نسخه برای واحدهای (کارپردازی، انبارداری، امین اموال، حسابداری، دیوان محاسبات).

۳- (قبض انبار شماره ۳): مخصوص اموال غیر خریداری (غیر مصرفی)، در چهار نسخه برای (آورنده مال، انبار دار، امین اموال، ذیحساب).

۴- (قبض انبار شماره ۴): مخصوص اموال غیر خریداری (مصرفی و در حکم مصرفی)، در چهار نسخه برای (آورنده مال، انباردار، امین اموال، ذیحساب).

ب- بخش دوم حواله های انبار که با توجه به ماهیت ذاتی و گردش عملیاتی به چهار فرم تقسیم می شوند:

۱- (حواله انبار شماره ۱) مخصوص خروج اموال غیر مصرفی از (انبار به خارج از سازمان)، در چهار نسخه برای (برنده مال، انبار دار، امین اموال، ذیحسابی).

۲- (حواله انبار شماره ۲): مخصوص خروج اموال (مصرفی و در حکم مصرفی) از (انبار به خارج سازمان) در چهار نسخه برای (برنده مال، انباردار، امین اموال، ذیحسابی).

۳- (حواله انبار شماره ۳): مخصوص خروج اموال غیر مصرفی از (انبار به داخل سازمان)، در سه نسخه برای (برنده مال، انبار دار، امین اموال)

۴- (حواله انبار شماره ۴): مخصوص خروج (اموال مصرفی و در حکم مصرفی)، از (انبار به داخل سازمان)، در سه نسخه (برنده مال، انبار دار، امین اموال).

تذکر ۱: در بخش الف (بند ۳ و ۴) ارسال اعلام وصول، به مبادی فرستنده مال و در بخش ب (بند ۱ و ۲) دریافت اعلام وصول، از

مبادی دریافت کننده مال از سوی امین های اموال هر دستگاه اجرایی کاملاً الزامی است .

ص : ۲۵

تذکر ۲: با توجه به اینکه اموال وارده به انبار به محض ورود در واقع موجودی روز اموال دستگامهای اجرایی محسوب می گردند ، می بایست بعد از ورود اموال به انبار ، تزریق اطلاعاتی به مبادی ذیربط از طریق بکارگیری شیوه های عنوان شده در بندهای چهارگانه بخش اول (قبض های انبار) صورت پذیرد ، بدیهی است اجرای هرگونه دستورالعمل مغایر به دلیل فقدان منع قانونی در اجرا آن ، با صراحت مردود اعلام می گردد.

- دلایل توجیهی و توضیحات بند ۸: رعایت کامل این بند از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا انبار رکن اصلی عملیات اموال بوده و در واقع از طریق انبار، تزریق کلیه اطلاعات به مبادی ذیربط و از راه بهره گیری از اطلاعات قبض ها و حواله های انبار انجام می گردد ، بنابراین بهره گیری از فرم های طراحی شده به سادگی می تواند موجبات انسجام امور اموالی را فراهم آورد و امین اموال نیز از همین طریق با بهره گیری از اطلاعات واصله در قالب فرم های اعلامی ، نسبت به تنظیم فرم های خود اقدام می نماید و لذا بر اساس نقشی که انبار بعنوان رکن اصلی در تزریق اطلاعاتی به مبادی ذیربط ایفاء می نماید، موجودی انبار ، موجودی روز اموال دستگامهای اجرایی محسوب گردیده و ثبت و ارسال اطلاعات مربوطه از طرق معنونه مورد تاکید خاص می باشد ، براساس الگوی ارائه شده هرگونه دستورالعمل مغایر مردود اعلام می گردد از جمله دستورالعمل ماده ۴۲ آئین نامه مصوب سال ۷۲ و امثالهم که مقرر می دارند (کلیه کالاهای وارد شده به انبار وزارتخانه ها و موسسات دولتی و دستگامهای اجرایی تا زمانی که در انبار دستگامهای ذیربط نگهداری می شود نیاز به الصاق برچسب و نگهداری حساب اموالی ندارد) ، زیرا اعمال اینگونه روشها علاوه بر اینکه هیچگونه توجیه علمی و سیستمی ندارد به دلیل ایجاد مانع در طبقه بندی اطلاعاتی مبادی ذیربط نمی تواند تمهیدات لازم را نیز برای انجام امور حسابرسی در طی دوره ویا انبار گردانی پایان سال فراهم آورد.

۹- مسئولین سازمان ها و امناء اموال دستگامهای اجرایی موظفند در پایان هر دوره مالی عملیات انبار گردانی را به شرح دستورالعمل ذیل طی دو مرحله انجام داده و گواهی صحت عملیات را در پرونده های اموالی ضبط و درج نمایند :

الف - مرحله اول : شمارش انبار: در این مرحله ابتداء عملیات شمارش انبار از طریق صورت برداری اموال موجود در انبار (اعم از خریداری ، امانی ، انتقالی ، ...) و تطبیق آنها با اسناد و سوابق ابتدای دوره انبار انجام و اطلاعات مربوطه به آنها براساس دستورالعمل بند ۸ تفکیک و کل موجودی پایان دوره انبار بعد از کنترل نهایی به عنوان موجودی ابتدای دوره سال بعد ، به دفاتر جدید منتقل می گردد.

ب- مرحله دوم ، کنترل با سرفصل بودجه ای : در این مرحله با توجه به تفکیک اطلاعاتی انجام شده براساس دستورالعمل بند ۸ ، سوابق اسناد هزینه اموال خریداری شده در طی سال مالی در واحد حسابداری با سوابق موجود اسناد هزینه در واحد انبار و امین اموال و کارپردازی مقایسه و پس از احراز هماهنگی کامل با سرفصل بودجه ای و تخصیص دریافتی و کنترل ورود و خروج سایر اموال غیرخریداری و اعلام وصولی های دریافتی و ارسال شده ، تائید نیمه نهایی انبار گردانی برای دستگام اجرایی صادر می گردد.

ص: ۲۶

- دلایل توجیهی و توضیحات بند ۹: غالب مسئولین دستگاههای اجرایی کشور بین عملیات شمارش انبار و انبارگردانی تفاوتی را قائل نیستند و حال آنکه شمارش انبار یعنی موجودی برداری انبار در پایان سال مالی و انبار گردانی یعنی کنترل عملکرد مجموعه اموال در طی دوره مالی و یا به عبارت دیگر انبار گردانی در هر دستگاه اجرایی یعنی در واقع جمعبندی دو فرایند کنترلی بنا به اصل تحقق یعنی (اول) کنترل دقیق موجودی در پایان دوره مالی و اصل حقیقت یعنی (دوم) کنترل ورود و خروج اموال در طی دوره مالی اعم از خریداری و غیر خریداری ضمن رعایت موارد مطروحه

بند ۸ و ۹ می باشند .

۱۰- در خصوص اموال خریداری شده ، وجوه اسنادی که قبض های انبار آن به امضاء و تأیید انبار دار و امین اموال نرسیده باشند از سوی واحد حسابداری قابل پرداخت نخواهد بود و لذا تنظیم کنندگان سند بایستی در این خصوص دقت لازم را کاملاً لحاظ نمایند در غیر این صورت مسئول خواهند بود .

- دلایل توجیهی و توضیح بند ۱۰: دلایل ابلاغ این بند و اهمیت آن به شرح مبسوطی که بیان شد بعنوان یک ضامن اجرایی موجب می گردد که امین اموال تمامی اطلاعات لازم را در خصوص خرید به طور خودکار در مبادی ذیربط خود بطور مستمر و تدریجی طبقه بندی و از جریان و حرکت مجموعه اموال در دستگاه اجرایی آگاهی داشته باشد و همزمان با انجام تغییرات ، اطلاعات مربوطه را در دفاتر خود منعکس و گزارش گردشکار لازم را به مراجع ذیربط و در کوتاه ترین زمان ممکن و به صحیح ترین حالت ارائه نماید ، بدیهی است در این چرخه سیستماتیک ، هر مرجع ذیربط صحت عملیات را در مرحله قبل بطور خودکار کنترل و عدم انجام وظیفه هر قسمت موجب خواهد گردید که امور جاری بطور موقت تا زمان رفع نقیصه به تعویق افتاده و مجموعه پس از انجام اصلاحات لازم در کوتاه ترین زمان ممکن به حرکت خود ادامه دهد.

۱۱- کلیه کارکنان و نیروهای دستگاه های اجرایی موظفند در حفظ و نگهداری اموال کوشا بوده و از تضییع آن به هر نحو جلوگیری لازم را بعمل آورند.

- دلایل توجیهی و توضیح بند ۱۱: با ابلاغ این بند و امثال آن تعهدات لازم از کلیه پرسنل شاغل بطور ضمنی دریافت گردیده و لذا اجرای دقیق مفاد آن از سوی کارکنان و مسئولین دوایر الزامی و تخلف از موازین اعلام شده به راحتی قابل پیگیری و بازخواست خواهد بود.

ضرورت و اهمیت بخشنامه ناظم:

با عنایت به آنچه تاکنون مذکور گردید به حول و فضل الهی و با عنایات خاصه حضرات معصومین یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام ، با قاطعیت تمام اعلام می گردد اجرای این بخشنامه می تواند تمامی مبادی ذیربط اموالی را در شبکه محافظتی خود قراردادده و بطور ضمنی ، مهمترین شرح وظایف و حدود اختیارات مبادی مذکور را تعیین و اجرا و از طریق ایجاد قوانین مرتبط ، موجبات شفافیت عملیات اجرایی را فراهم و مجموعه اموالی را از خطر انواع و اقسام سوء استفاده های مالی رهایی بخشد و همچنین قادر خواهد بود تا با بسترسازی صحیح فعالیتهای اجرایی و تفکیک اطلاعاتی لازم ،

ص: ۲۷

مسئولین امور نظارتی در داخل و خارج دستگاه اجرایی را به بهترین شکل ممکن یاری نماید. در پایان از حضرت حق جل جلاله مسئلت می‌نمایم تا ما را از کسانی قرارداد دهد که با نیت های خالص و پاک به خدمت او مشغول و در طریق واضح و آشکار او قدم بر می‌دارند. (آمین رب العالمین).

۲- ب: اصول و مبانی حسابرسی ضربتی اموال در دستگاههای اجرایی:

به منظور حسابرسی ضربتی اموال در هر دستگاه اجرایی لازم است که مشخص شود که آیا دستگاه اجرایی مورد نظر، عملیات انبارگردانی سالیانه خود را انجام می‌دهد یا خیر، بدیهی است هر دستگاه اجرایی که عملیات انبارگردانی سالیانه را انجام نمی‌دهد، قهراً محیط اموالی را برای انجام سوء استفاده های مالی فراهم نموده است.

تذکر مهم: همانگونه که ذکر گردید غالب مسئولین دستگاههای اجرایی کشور بین عملیات شمارش انبار و انبارگردانی تفاوتی را قائل نیستند و حال آنکه شمارش انبار یعنی موجودی برداری، صرف نظر از اینکه مقدمه ای لازم برای انبارگردانی می‌باشد، ماهیتاً انبارگردانی محسوب نمی‌گردد، زیرا انبارگردانی در واقع حاصل جمعبندی دو فرایند کنترلی، یعنی اصل تحقق موجودی (شمارش انبار) و اصل واقعیت، یعنی تغییرات انجام شده اموالی (کنترل ورود و خروج اموال)، در طی دوره مالی اعم از خریداری و غیر خریداری و...، به شرحی که مذکور می‌گردد خواهد بود.

با عنایت به موارد مطروحه فوق هرگاه هر دستگاه اجرایی عملیات انبارگردانی سالیانه انجام می‌دهد می‌بایست اصول و شرایط صحیح انبارگردانی به شرح ذیل را لحاظ نماید در غیر اینصورت انبارگردانی بطور صوری انجام شده و به لحاظ ماهیتی، عاری از شرایط صحت بوده و قهراً محیط اموالی برای انجام انواع سوء استفاده های مالی فراهم گردیده است.

- اصول و شرایط صحیح انجام عملیات انبارگردانی:

مراحل اجرایی بررسی اسناد و حسابرسی، جهت انجام انبارگردانی می‌بایست به شیوه صحیح و به شرح ذیل صورت پذیرد:

A= بررسی اسناد موجود در حسابداری B= بررسی اسناد مربوط به انبار

C= بررسی اسناد مربوط به امین اموال D= حسابرسی اموالی و تطبیق اسناد و تعیین صورت مغایرت

E= کنترل اسناد هزینه با سرجمع اعتبارات دریافتی (تخصیصی)

۱- توضیح مرحله A (واحد حسابداری):

در راستای اجرای صحیح عملیات انبارگردانی، لازم است کلیه اسناد حسابداری دارای سوابق صحیح باشند.

نکته مهم: مفهوم وجود سابقه صحیح در واحد حسابداری:

وجود سابقه صحیح در حسابداری یعنی وجود اسناد مربوط به شرح دستور خرید، قبض انبار تأیید شده انباردار و امین اموال و...، بدیهی است وجود قبض انبار تأیید شده توسط امین اموال و انبار دار موید این مطلب است که آمار و اطلاعات اموال

ص : ۲۸

خریداری شده در سوابق امین اموال درج و پس از ورود به انبار به تائید انبار دار رسیده و اطلاعات آن به مجموعه اموال دستگاہ اجرایی وارد گردیده است .

نتیجه :

اگر واحد حسابداری داری سوابق به شرح فوق نباشد در چنین حالتی ممکن است حسابدار و کارپرداز تبانی کرده و با صدور قبض انبار جعلی (صوری و غیر واقعی) ، بدون اینکه جنس وارد انبار شده و به مجموعه اموال دستگاہ اجرایی اضافه شده باشد، وجوه مربوطه را از طریق تنخواه گردان کارپردازی به خارج دستگاہ اجرایی منتقل و با عدم نگهداری

سوابق، امکان هرگونه حسابرسی را از بین برده باشند. بنابراین در چنین حالتی حداقل به دلیل مسامحه برخورد شدید با

واحد حسابداری لازم است واثبات جرم در رابطه با سوء استفاده اموالی در چنین حالتی ، تنها از طریق کنترل اسناد موجود در دیوان محاسبات واجناس انبار ممکن خواهد بود.

۲- توضیح مراحل B، C، D (اسناد مربوط به انبار، اسناد مربوط به امین اموال ، حسابرسی اموالی) :

درهرسیستم اموالی فرض برورود اجناس به انبار و ثبت آمار واطلاعات آنها در دفاتر امین اموال است ، بنابراین چنین حالتی لازم است تعداد قبض های انبار واحد حسابداری و انبار و امین اموال هماهنگی کامل داشته باشند و به شرط رعایت مرحله (E) یعنی کنترل اسناد هزینه ها با سرجمع اعتبارات و تخصیص دریافتی وعدم وجود مغایرت ، صورتجلسه انجام انبارگردانی به شکل صحیح تنظیم و تائید خواهد شد.

که فرمول انجام عملیات آن تا مرحله E به شرح ذیل است :

سوابق امین اموال = موجودی پایان سال = (حواله های انبار - موجودی ابتدای سال + قبض های انبار صادره طی دوره).

۳- توضیح مرحله E یا کنترل اسناد هزینه با سرجمع اعتبارات و تخصیص دریافتی :

با توجه به آنچه ذکر گردید ، همانگونه که مفاهیم انبارگردانی با شمارش اموال انبار در پایان سال تفاوت دارد ، همچنین انبارگردانی با تعیین وضعیت مغایرتی اموال نیز تفاوت دارد یعنی تطبیق سوابق صحیح واحد حسابداری با قبض های انبار تائید شده انبار دار و سوابق امین اموال و تطبیق وضعیت آنها با یکدیگر یعنی (تهیه صورت مغایرت اموالی) ، باز هم مفهوم انبارگردانی را تداعی نخواهد کرد بلکه شرط صحت کامل عملیات انبارگردانی زمانی تحقق خواهد یافت که سوابق صحیح واحد حسابداری پس از تطبیق با سوابق موجود در واحد انبار و امین اموال ، با سرجمع اعتبارات پرداخت شده جهت خرید اموال (هزینه های پرداخت شده حسابداری) ، هماهنگی داشته باشد بدیهی است در صورت صحت در چهار مرحله اعلامی وعدم هماهنگی مراحل مذکور با سرجمع اعتبارات تخصیصی در مرحله نهایی (E) ، وقوع سوء استفاده مالی محرز خواهد بود، بنابراین وضعیت اموال هر دستگاہ اجرایی در پایان هر ماه دوره مالی بایستی (در پایان سال) ، به استناد قبض انبارهای واحد حسابداری که به شرح فرمول اعلامی

در مرحله D، با قبض انبارهای انباردار و امین اموال کنترل و با سرجمع اعتبارات تخصیصی تطبیق داده شده، مقایسه، و در صورت صحت عملیات وعدم وجود مغایرت اموالی وریالی، تأییدیه صادر و صورتجلسه انجام مراحل انبارگردانی تنظیم گردد.

ص : ۲۹

خلاصه نمودار

اصلاح ساختار مجموعه های اموالی دستگاه های اجرایی از طریق حسابرسی ضربتی وانجام انبارگردانی

(شرایط لازم پنجگانه برای انجام انبارگردانی)

مرحله A:

کنترل واحد حسابداری : وجود سابقه صحیح

(شرح هزینه ودستور خرید + قبض انبار تائید شده انبار دار وامین اموال) .

مرحله B:

کنترل واحد انبار: ثبت ورود اموال خریداری شده به انبار در طی دوره مالی

(کنترل صدور قبض انبار وحواله های صادره واحد انبار) .

مرحله C:

واحد جمع‌داری :

(کنترل هماهنگی قبض انبارها وحواله های انبار با اطلاعات امین اموال)

مرحله D:

کنترل مجموعه اموالی واحد انبار در پایان دوره مالی به شرط صحت مرحله E .

سوابق امین اموال

شمارش انبار = موجودی پایان دوره = (حواله های صادره انبار - موجودی قبل اموال انبار + قبض های انبار)

مرحله E:

مرحله کنترل اسناد هزینه با سرجمع تخصیص دریافت شده خریدار اموالی .

پس در هر دستگاه اجرایی می بایست در پایان دوره مالی و یادوره حسابرسی به استناد قبض های انبار واحد حسابداری که با سرجمع اعتبارات تخصیص داده شده برای خرید اموال کنترل گردیده به شرح انجام مرحله D انبارگردانی شود.

- چگونگی رفع معضلات در (محور دوم)، درآمدهای دولت :

الف - راهکارها ب- معرفی الگوهای اجرایی

با توجه به آنچه بیان شد ، در راستای ایجاد اشتغال پایدار و موثر در کشور ، دلایل لزوم اصلاح ساختار ها در دومحور اثرگذار اقتصادی کشور و در بخش هزینه ها و درآمدها به عنوان عوامل اصلی که اصالتاً دارای ماهیت اشتغال زایی و ایجاد درآمد هستند معرفی و در بخش اول مسائل و نارسایی های موثر بر هزینه های ذاتی و تبعی دولت بررسی و راهکارها و الگوهای اجرایی معرفی گردید، نکته قابل تامل و مهم آن است که این دوبخش علیرغم قابلیت بررسی مجزا و توان تجزیه و تحلیل پذیری موضوعات اعلامی ، اساساً لازم و ملزوم یکدیگر بوده و اصالتاً نیز کلمه واحد محسوب می گردند ، بطور مثال در صورت ایجاد مراکز نمونه عظیم و گسترده جهت بهره گیری از میراث فرهنگی چند هزار ساله با ساخت و افتتاح موزه های تاریخی بین المللی در نقاط تاریخی یا مراکز استان ها و ... ، علیرغم ظاهر هزینه ای خود دارای ماهیت درآمدی بوده و چنانچه برای حفظ و حراست این موجودی ها (مجموعه های باستانی عظیم میراث فرهنگی اعم از منقول و غیرمنقول) ، از همان روش های حفظ و نگهداری مجموعه اموالی بهره گیری گردد، مجموعه های نمونه فوق من حیث المجموع در راستای اشتغال زایی و ارزآوری، دارای بستری مستمرو پایدار به دلیل اتصال به اقیانوس اقتصاد جهانی و توان بالقوه ، به مثابه چاه های نفت ارزآوری خواهد داشت با این تفاوت که ارزآوری مرجع اول مستمر و دومی موقت می باشد ، بنابراین به شرح آنچه که در سطر های آینده مذکور خواهد گردید ، اتخاذ تصمیمات اساسی به منظور قرارداد دادن موارد مطروحه در بستر صحیح و قرار گرفتن مبانی آن در مدار اصلی ، با توجه به ابزارهای موجود در اختیار دولت ، یک امتیاز استثنایی تلقی که در قالب راهکارها و معرفی الگوهای اجرایی در این بخش به توضیح و تفصیل آن پرداخته می شود.

۱- الف : راهکارهای اجرایی :

بررسی های بعمل آمده در ساختار شکلی و ماهیتی بخش های مهم درآمدی دولت نشان می دهد که معضلات حادی مانع از حصول درآمدهای واقعی دولت و عدم هدایت موثر آن در اهداف تعیین شده ، خصوصاً در بخش اشتغال می باشد ، متغیرهایی که اصالتاً می توانند با حرکت در مسیرهای واقعی خود و بطور کاملاً غیر قابل تصور بردرآمدهای ارزی و ریالی دولت اثرگذاری نموده و موجبات برقراری ثبات اقتصادی و رفاه جامعه از طریق ساماندهی ساختار اشتغال را فراهم سازند ، انطباق وضعیت بعضی از این متغیرها در کشور (بطور مثال درآمدهای حاصل از میراث فرهنگی و ...) ، با وضعیت همین متغیرها در کشورهای مشابه (مانند چین ، ترکیه ، اسپانیا ، فرانسه و ...) ، موید حاکمیت هرج و مرج و نابسامانی کامل و بطور کاملاً تعجب آور و درعین حال اسف بار از مدیریت های رها شده در مجموعه های درآمدی تحت اختیار دولت می باشد. و همانگونه که قبلاً اشاره شد بخشهایی از منابع درآمدی دولت از چنان توانایی بالقوه زاید الوصفی برخوردار است که به باور نگارنده می تواند به راحتی دولت را از افزایش هرگونه وابستگی و اتکاء به درآمد از طریق وصول مالیات و یا اخذ عوارض و ... ، در کوتاه مدت و اتکا به درآمد نفت در بلند مدت بی نیاز نموده و بدون وجود هرگونه چالش و یا مانع به اهداف رفاهی خود در محرومیت قهری حاصل از این نقصان در جامعه نایل گردد ، در این بخش بررسی از

وضعیت چند عامل موثر در آمدی از مجموعه انفال در اختیار دولت به عنوان نمونه، نشان می دهد که چگونه این منابع عظیم درآمدی دولت با عدم بکارگیری مدیریت های قوی و سازنده، دچار بحران گردیده و عملاً محصولات عظیم آن از چرخه درآمدهای دولت کنار گذاشته شده و همانگونه که در بخش اهداف نگارنده تصریح گردید از خصایص و ویژگی های این نگارش، شفاف بودن، عملیاتی بودن، اجرای سریع و قابلیت استفاده و بهره گیری از ابزارهای فعال موجود تحت اختیار دولت با توجه به توانایی سریع در اثربخشی و نیل به اهداف تعیین شده خواهد بود و همچنین بیان خواهد شد که چگونه موجودی های بخش های سرمایه ای و موضوع حفظ و حراست مجموعه های عظیم اموالی لازم و ملزوم و بطور کاملاً لایتجزی به یکدیگر وابسته بوده بر ساختار اشتغال کشور اثر غیرقابل تصور دارند، منابعی که در وضعیت کنونی اقتصاد جهانی بسیار بهتر و روانتر و سریعتر از درآمد حاصل از محل فروش نفت و فرآورده های آن و نیز سایر منابع می توانند برای کشور ارز آوری نمایند و همچنین عنوان خواهد شد که چگونه این معضلات حاد، ریشه در مدیریت های ناتوان وضعیف حاکم بر این منابع داشته و چگونه حاصل این بحران در مدیریت ها، به مدد فرهنگ های غلط حاکم بر جامعه و عدم آگاهی مبادی ذریبط تشدید یافته و مانع از حصول درآمدهای واقعی دولت و عدم هدایت این منابع در بسترهای واقعی و سایر مباحث قهری مربوط به آن که اشتغال می تواند از مهمترین مخاطبین آن باشد، گردیده است به عبارت دیگر وجود مبحث اشتغال اعم از مقوله ایجاد، حفظ و یا توسعه پایدار آن، اصالتاً در نهاد این دو محور مستتر بوده و تبعاً با اتخاذ و توجه به راهکارهای اجرایی آن، عوامل این دو محور اثر گذار می توانند بالاترین بهره وری در نیل به اهداف از پیش تعیین شده اشتغال و مقاصد رفاهی جامعه و حل و فصل مسائل و مشکلات مربوط به آن را برای اقتصاد کشور حاصل نمایند.

- معرفی راهکارها :

۲- الف - راهکارهای مربوط به توسعه محور دوم (درآمدهای دولت) :

۲-۱- الف - انتخاب نمونه اول از مجموعه انفال : (موقوفات کشور) .

۲-۲- الف - انتخاب نمونه دوم از مجموعه انفال (میراث فرهنگی) .

۲-۳- الف - انتخاب نمونه سوم ارائه راهکار راهبردی ایجاد تحول در دستگاه های اجرایی : تشکیل کارگروه تخصصی و اصلاح زیر ساخت های زمینه اشتغال (یا تغییر و تطبیق بسترهای مدیریتی دستگاه های اجرایی با هدف ایجاد و توسعه اشتغال از طریق تشکیل کارگاه های تخصصی)

۲-۱- الف - موقوفات کشور :

در راستای اصلاح و بهینه سازی ساختارهای درآمدی بخشهای ریالی و ارزی کشور و تقویت مبانی محور دوم از مبحث درآمدها، از مقوله انفال که در زمان غیبت امام زمان عج... تعالی فرج الشریف، تولید آنها با دولت اسلامی است، مبحث موقوفات کشور بعنوان نمونه اول انتخاب شده است، بررسی های بعمل آمده در خصوص وضعیت اسفناک موقوفات کشور نشان می دهد که منافع و منابع موقوفات کشور عملاً ازید و استیلاء سازمان اوقاف خارج و از کل موقوفات کشور که در واقع متعلق به امام زمان حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می باشد، جز پوسته و ظاهری بی ارزش و بی محتوی باقی نمانده است و متصرفین موقوفات که

تماماً اجاره نشین های یکساله دیروز بوده اند با تمسک از قوانین ضد اسلامی زمان رژیم گذشته وبا

توسل به ترفندهای شیطانی حق کسب و پیشه و... که ابداً ریشه در اسلام ندارد، موضوع اجاره نشینی خود را به مالکیت از نوع سرقفلی تبدیل کرده و بر موقوفات کشور بطور غاصبانه مسلط شده و با ارتداد از اصول و مبانی شرع مقدس اسلام و برخلاف نیت واقفان و بی اعتنا به تمامی اصول و موازین اسلامی و اخلاقی و اصول و مبانی کسب و کار اسلامی و احکام شرع نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، موقوفات را غصب و منافع آن را کاملاً مورد یغما و چپاول قرار داده اند و این وضعیت با نهایت تاسف در تمامی (قریب به اتفاق)، موقوفات کشور صادق است، درآمدهایی که در کوتاهترین زمان ممکن می توانند تمامی معضلات و محرومیت های اجتماعی و اقتصادی نیازمندان و دغدغه های مسئولین کشور را مرتفع نمایند، با استناد به انواع ترفندهای غیر اسلامی باقی مانده از موارث نحس و نجس و نکبت بار رژیم قبل مورد چپاول و غیر مسئولانه دو گروه مسلمان نمایان معاند و مسلمانان جاهل و نادان از امت اسلامی قرار گرفته و اساس ظلم و تعدی و حیف و میل در املاک اوقافی را فراهم آورده است، غاصبانی اجاره نشین که با طرح موضوعاتی شیطانی از قبیل حق کسب و پیشه یا سابقه اجاره نشینی غاصبانه و...، که هیچ ریشه ای در حقوق و مبانی فقهی اسلامی ندارد، موضوع اجاره نشینی موقت غاصبانه خود را به سوی مالکیت ضمنی ملک موقوفی سوق داده و تصرفات غاصبانه خود را تحت عناوین غاصبانه سرقفلی و حق کسب و پیشه، به افراد ثالث واگذار و برای خود و آنان ایجاد حقوق ظالمانه نموده و یا به میراث قرار داده اند، این غاصبان و متصرفان ظالم و ستمگر اعم از قبل و بعد که فعل استمرار تصرف غاصبانه آنان مستند به اوراق کهنه و مندرس اجاره نامه های یکساله خود یا پدرانشان می باشد، به استناد دلایلی که هیچ گونه ریشه ای در احکام شریعت اسلامی ندارد خود را مالکان املاک موقوفی به مردم معرفی و ضمن چپاول منافع ملک موقوفی، درآمدهای شیطانی و حرام حاصل را مصرف و نسل به نسل، به فرزندان خود و یا به افراد ثالث واگذار می نمایند، اکثر قریب به اتفاق این موقوفه خوران زالوصفت به جای تخلیه ملک و تحویل آن پس از انقضاء زمان اجاره به متولیان وقف یعنی سازمان اوقاف، و تحویل آن به مستأجران جدید با تنظیم اجاره نامه هایی که متضمن بهترین و بالاترین صرفه و صلاح برای ملک موقوفه و بالاترین درآمد برای آن، جهت مصرف به موارد اعلامی واقفان و یا حداقل پرداخت اجاره بهای واقعی کارشناسی و عادلانه روز موقوفات، مبالغ بسیار ناچیزی که در حکم صدقه است را به حساب اوقاف و یا ملک وقفی واریز می نمایند. با نهایت تاسف این عمل جنایت بار و چپاولگرانه موقوفه خوران (مسلمان نمایان خائن و یا مسلمانان نادان و جاهل)، بالاترین ضربه و خسارت را به اساس و ارکان اقتصاد اسلامی و درآمدهای دولت وارد نموده و به قداست و حاکمیت فتاوی صریح تمامی مراجع تقلید و قوانین صادره که براساس آن می باید مستأجرین با مراجعه به مراکز اوقاف اجاره روز املاک متصرفی خود را براساس نظرات کارشناسی پرداخت نمایند و اگر قادر به پرداخت به نرخ عادلانه روز نیستند بایستی بدون هیچ قید و شرط ملک را به اوقاف واگذار نمایند و چنانچه ملک را نادانسته از دیگری خریداری نموده اند حکم خرید و فروش خلاف شرع آنان منطبق بر احکام خرید مال غیر تلقی خواهد گردید و جهل به قانون رافع مسئولیت آنان نبوده و مال به صاحب آن یعنی اداره اوقاف بازگردانده خواهد شد و... کاملاً بی اعتنا می باشند، بررسی بعمل آمده نشان می دهد تضييع حقوق حقه و شرعی و قانونی موقوفات کشور در درجه ای از بیدادگری قرار دارد که با قاطعیت تمام می توان ادعا نمود که در حال حاضر هیچ موقوفه ای در کشور وجود ندارد و با توجه به اینکه درآمد ناچیز حاصل از این بخش از انفال بیشتر صرف حقوق و هزینه های اداری این مرجع می گردد، لازم است با انجام دقیقتر و برگزاری همایش های سازنده و تبیین راهکارهای اجرایی و بطور کاملاً قاطعانه به شرحی که به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد از اینگونه چپاولگران قطع ید نمود و با ارائه روش های عملیاتی قاطعانه موقوفات کشور را احیا و عواید واقعی را با اهتمام تمامی مسئولین

دربستر صحیح آن ساری و جاری نمود، بدون هیچ شک و شبهه منافع سازنده حاصل می‌تواند در مسیر ایجاد اشتغال پایدار، رفع فقر و نابسامانی و بی‌عدالتی در جامعه مصرف گردد و بالطبع والیقین انجام این امر موجبات نزول برکات آسمانی و کسب رضای خداوند متعال و خشنودی وجود مقدس حضرت حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فدا و شادی ارواح واقفان خیر، خواهد گردید.

نتایج بررسی مقدماتی:

بررسی مطالعاتی و نمونه‌ای انجام شده (در مازندران و در شهر ساری خیابان جمهوری، پاساژ نرگسیه خیابان انقلاب و...)، موبد وضعیت فوق‌العاده اسفناک و مصیبت بار موقوفات کشور است که دانسته یا ندانسته مورد چپاول (آگاهانه منافقان مسلمان نمای دنیا پرست یا مسلمانان ناآگاه و بی‌خرد)، قرار گرفته است، این گروه که مستاجران ملت‌مس دیروز و غاصبان گردنکش امروز و خاسران فردا هستند تحت عنوان ادعای مالکیت سرقفلی و حق کسبه و پیشه، خود را مالک اموال اوقافی می‌دانند و برای املاکی که اجاره سالانه آنها بالغ بر میلیاردها ریال می‌باشد، سالیانه حدود سی هزار ریال اجاره بها پرداخت می‌نمایند و حال آنکه براساس فتوی‌ امام و سایر مراجع تقلید و خصوصاً لایحه مورخ ۴/۲/۵۸ شورای انقلاب، مستاجرین موقوفات می‌باید با مراجعه به اوقاف، اجاره خود را به نرخ عادلانه روز پرداخت نموده و یا ملک متصرفی را واگذار نمایند، نتیجه آنکه به استناد این احکام شرعی و فتاوی‌ صادره، کسانی که از این اوامر الهی عدول می‌نمایند، عمل آنان حرام و فعل آنان منطبق بر احکام غضب و تصرف عدوانی بوده و اعمال خلاف شرع آنان، مسلمانان محروم را از حقوق استحقاقی خود محروم می‌نماید و لذا رسالت و مأموریت سازمان اوقاف در راستای جلوگیری از ادامه هجمه به موقوفات و با توجه به آنچه عنوان شد بایستی معطوف احیاء و کشف موقوفات و بروز رساندن اجاره‌های املاک استیجاری و استیفاء حقوق واجرت المثل سال‌های قبل باشد. و همچنین بر کلیه کارگزاران نظام در کلیه دستگاه‌های اجرایی تعامل با سازمان اوقاف لازم است، تا به هر نحو که می‌توانند در راستای احیاء حقوق مسلمانان اقدام نمایند و همچنین به لحاظ اوامر شرع مقدس، در امر به معروف و نهی از منکر، بر آنان واجب است تا تمامی هم و غم و همت خود را با همکاری کارکنان تحت امر، به منظور اتخاذ تمهیدات لازم و در راستای خلع ید از اینگونه عاصیان و غاصبان عنود معطوف نمایند و با احیاء کلیه موقوفات در سرتاسر این سرزمین پهناور، و تحصیل عواید و صرف آن در جهت انجام نیات واقفان و در بستر ایجاد اشتغال و رفع فقر و نابسامانی اجتماع مسلمانان تلاش نمایند، اعتقاد نگارنده بر آن است که تمامی موقوفه خوران بدون هیچ شک و تردید و به شرح دلایل فوق و آنچه مذکور خواهد گردید، در زمره دشمنان خدا و رسول و ائمه اطهار علیه السلام و تمامی مسلمانان هستند و اظهار جهل گروهی از آنان به حکم شریعت، رافع مسئولیت آنان نبوده و عمل حرام آنان از مصادیق بارز سرقه اموال مسلمانان محروم می‌باشد و آنان بر حکم آیه شریف قرآن که خداوند می‌فرماید... (الانسان ینظر الی طعامه و...)، موظف به حسابرسی اموال و نحوه کسب درآمد خود و انطباق آن با احکام شرع مقدس بوده و می‌باشند، آنان باید بدانند عمل خیانتکارانه آنان به منزله پایمال نمودن خون پاک شهداء اسلام و به قیمت ایجاد شرایط اضطراری برای مسلمانان محروم و نهادینه کردن فقر و فاقه برای آنان و اشاعه فحشاء و ایراد ضربات هولناک به بیکره اسلام از طریق جلوگیری از ترویج

فرهنگ و شعائر اسلامی و هدر دادن زحمات بی وقفه مسئولین نظام در جهت رفع محرومیت ها و به چالش کشیدن مساعی خادمان دلسوز، از طریق چپاول بی وقفه و مستمر اموالی است که جهت رفع موقعیت های اضطراری و بهبود وضعیت معیشتی حاد مسلمانان رنج‌دیده و مضطر و نشر فرهنگ و معارف اسلامی اختصاص یافته است و بدیهی است اظهار و ادعای جهل به موضوع و حکم شرعی آن، رافع اعمال ظالمانه آنان نخواهد بود و همچنین ادعای خرید ملک تحت عنوان سرقتی و حق کسب و پیشه یا هر عنوان شیطانی دیگر محمل شرعی نداشته و معامله آنان در حکم خرید مال غیر و اموال سرقتی بوده و مال بایست به صاحب آن یعنی سازمان اوقاف مرجوع تا اجاره به روز و عادلانه اخذ و در راه و نیت واقفان هزینه گردد.

بررسی های بعمل آمده نشان می دهد که جایگاه وقف و اهمیت اقتصادی آن بر رفع معضلات مسلمانان و توسعه فرهنگ جامعه اسلامی و ایجاد اشتغال پایدار و توسعه فرهنگ و شعائر اسلامی و...، بهیچ وجه در جامعه شناخته شده نیست و این عدم شناخت به دلیل عدم توجه لازم مبادی ذیربط، به معرفی عظمت و جایگاه رفیع وقف است، نگرش های سطحی و روشهای صوری و طرح مباحث کلی و عدم ورود به مباحث عملیاتی و اجرایی و عدم اطلاع رسانی لازم به مردم و..، جهت نجات موقوفات از مصادیق این دلیل محسوب

می گردد و لذا بر رسانه ها و مبلغان مذهبی و اندیشمندان اسلامی و...، لازم است تا رسالت خود را در تبیین جایگاه وقف و بیان اثرات عظیم آن در ایجاد اشتغال و ترویج فرهنگ با عظمت اسلامی و رفع محرومیت های مسلمانان و خوار و خفیف نمودن شخصیت پست موقوفه خواران و معرفی آثار جنایت بار آنان و ارائه طرحهای عملیاتی و اجرایی به منظور استرداد اموال موقوفه از ید غاصبانه آنان و انعقاد قراردادهای به نرخ روز و عادلانه، برای دریافت حقوق حقه موقوفات و هزینه در مسیر نیات واقفان...، به انجام برسانند، زیرا دشمنان اسلام و قرآن بخوبی دانسته اند که چگونه برای خاموش کردن انوار تابناک مجد و عظمت روز افزون اسلام، می بایست ریشه های اقتصادی آن را با بهم ریختن تدریجی احکام شرع مقدس و عقیم نمودن آثار گهربار آن در پیشرفت و رفاه و تغذیه روحی و جسمی مسلمانان، که ایراد ضربات مهلک بر پیکره حوزه های علمی و مراکز دانش اسلامی و شاخه های علمی و شعائر دینی و ایجاد فقر و فاقه و تشدید نکبت و بدبختی بیماران، ایام و محرومان از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و...، تنها گوشه ای از این موارد و نمونه هایی از مصادیق آن می باشد، هدف قرار دهند، با این دیدگاه ملاحظه می گردد که چگونه موقوفه خوران عملاً با پرداخت اجاره ناچیز املاک موقوفه و با تملک آنها به روش های خلاف شرع مقدس و برگرفته از روش های شیطانی نظام غرب که از موارث نحس و نجس رژیم قبل است با دشمنان اسلام و قرآن هماهنگ و هم‌نوا شده و اصل و اساس شریعت پاک محمدی را هدف قرار داده اند.

به ما برپس مرگ نفرین بود چو آئین این غاصبان این بود

بررسی های بعمل آمده نشان می دهد که یکی از علت های اساسی پیشرفت های علمی مسلمانان و پرورش بزرگان علم و ادب در ممالک اسلامی، بهره برداری صحیح از زیر ساخت های موثر در آموزش و فرهنگ غنی کشورهای اسلامی و در استفاده صحیح از ثمرات موقوفات بوده است، بزرگانی که هر کدام به تنهایی چراغ های هدایت و انوار تابنده در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عامل هدایت شیعیان و محبان به طریق رستگاری و نجات از ضلالت و گمراهی بوده اند و عمل قبیح و گناه نابخشودنی موقوفه خواران که از ابتداء بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد در

واقع تیشه بر ریشه اسلام و مسلمین است، و در این رابطه مهم‌تر از هر چیز بیان حرمت این عمل است که همیشه بایستی در جامعه توسط علما و دانشمندان و عرفا و مبلغان و اندیشمندان اسلامی ذکر و بیان شود، زیرا در دیدگاه شرع مقدس اسلام موقوفات به منزله امانت های الهی از سوی واقفان است که به نسل های بعدی تحویل می شود و لذا بر همه واجب است تا از قداست و اساس و اصل آن به دلیل ابدی بودن آن حراست و از تجاوز به حریم مقدس آن جلوگیری نمایند. زیرا موقوفات اساساً پس از وقف توسط واقف، از حوزه خود خارج و به حوزه ملکیت و مالکیت خداوند درآمده و پس از آن به صورت امانت های گران بها برای صرف منافع آن در راه مصلحت اسلام و مسلمین در دست نمایندگان وی قرار می گیرد.

پس بر تمامی مسئولین دلسوز و مدیران دستگاه های اجرائی واجب شرعی است که با توجه به استیلاء و وجود قوه قاهره که به آنها تفویض گردیده و برخوردار از تمامی امکانات مناسب و متناسب دولتی برای استیفاء حقوق مسلمانان بهره گیری نمایند، زیرا اگر موارد هدف وقف، بر اساس نیت واقفان رعایت نشود و موقوفات همچنان توسط یغماگران ملعون غارت شود، دیگر مردم و نسل های بعدی رغبتی به انجام وقف نخواهند داشت و ناچیز بودن درآمدهای ناشی از تصرفات غاصبان موقوفه خواران بی تقوا و عدم امانت داری متولیان و کارکنان خائن و مدیران نالایق و غیره صالح موقوفات، قهراً باعث از بین رفتن اصل موقوفات و در نهایت ذلت اسلام و مسلمین می گردد. که در این رابطه همگی مسئول خواهند بود عملکرد موقوفات نشان می دهد که چگونه ثمرات این اموال بطور مستمر و دائمی با درآمد زایی خود، رشد و شکوفایی اسلام را در طول تاریخ مدیون خود نموده و کارنامه درخشان وقف در قبل و بعد از استیلاء سلطه گران خارجی، شاهدی صادق و گواهی عادل بر این حقیقت تلخ بوده است و لذا در بزرگی گناه و عظمت قباحت عمل موقوفه خواران و کسانی که راضی به اعمال کثیف آنان می باشند قطعاً این آیات و روایات شریفه ذیل مصداق دارد:

۱- در ظلم و رضایت به عمل این ظالمان پلید این کلام خداوند: قال الله تبارک و تعالی فی القرآن الکریم (ولا ترکنوا مع الذین ظلموا فتمسکم النار...) با ظالمان قرار نگیرید که آتش ابدی خداوند شما را فرا خواهد گرفت.

۲- در خیانت این خائنین این کلام خداوند: قال الله تبارک و تعالی فی القرآن الکریم (ان الله یامرکم ان تعدوا الامانات الی اهلها...) خداوند امر می فرماید که امانات را به صاحبان آنها برگردانید.

۳- در ملعون بودن و حبط اعمال این غاصبان طبق این کلام مولای متقیان قال علی (ع) فی وقف عین ینبع (... لا تباع ولا توهب ولا تورث، فمن باعها او وهبها، فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعين، لا تقبل الله منه صرفاً ولا عدلاً).

((هرگز فروخته نمی شود، بخشیده نمی شود و ارث برده نمی شود، هر کس آن را بفروشد یا ببخشد، لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی بر او باد و خداوند هیچ عمل خیری را از او نمی پذیرد)).

۴- و در کفر این غاصبان عنود این کلام گهربار امام موسی کاظم: قال موسی بن جعفر (ع) ...، (برای هیچ مومنی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد جایز نیست که آن را بفروشد یا بخرد یا بدهد یا موارد

مشخص شده آن را تغییر دهد تا زمانی که انسان و هر چه در روی زمین است عمرش به سر آید و خداوند وارث آن شود). و...

به شهادت تمامی آیات و روایات مربوط به این بحث و به استناد تمامی احکام در این خصوص، ابدی بودن اصل موقوفات و حرمت خرید و فروش و سوء استفاده از آنها درصراحت بلاشک است زیرا وقف اصالتاً یعنی (اصل را حبس کردن و منفعتش را در راه خدا مصرف نمودن) و همانگونه که رسول مکرم اسلام فرموده است که (حبس الاصل و سبب المنفعه)، پس بر عموم مسلمانان واجب است که بر این امر مهم اهتمام ورزند و موقوفه خواران را امر به معروف و نهی از منکر نمایند و اگر از اعمال زشت خود دست برنداشته و همچنان به غارت اموال محرومان ادامه و بر گوشه ای از درآمدهای دولت اثرگذاری منفی می نمایند و با این عمل تباهاکارانه خود مانع از پیشرفت اسلام و مسلمین و تعظیم شعائر اسلامی

می شوند، دائماً آنان را لعن و نفرین نموده و در مجامع اسلامی اعم از نماز جمعه و جماعات و مجالس و...، نسبت به تحقیر شخصیت آنان اقدام نمایند و لذا شایسته است که مسلمانان به جرم خیانت به خدا و رسول و امت مظلوم محمد صلی الله علیه و آله و سلم با آنان معامله و مرادده نمایند و در تشیع جنازه آنان حاضر نشوند و اگر بیمار شدند به عیادت آنان نروند و بر آنها سلام نکنند، به این دلیل که به احکام دین محمد صلی الله علیه و آله و به آئین او در این برهه خطرناک از هجمه جهانی بر اسلام و به حقوق و اموال مسلمانان خیانت نموده اند و همچنین آنان را دائماً بدین گونه لعن و نفرین نمایند تا انشاء... به جهنم واصل شوند: (خدایا لعنت و عذاب ابدی خود و ملائکه و تمامی مردم را بر موقوفه خوران و این ستمگران به شریعت پاک محمد صلی الله علیه و آله نازل فرما و برکات و سلامتی را از آنان دریغ فرما و جهنم ابدی خود را جایگاه آنان قرار بده تا سلطنت و خدایی تو برقرار است. خدایا لعنت خود و ملائکه و همه مردم و خصوصاً محرومان از مواهب وقف یعنی قاریان قرآن، عزاداران اهل بیت عصمت و طهارات خصوصاً سید الشهداء، محرومان از تعلیم و تربیت، زندانیان در بند، برهنگان و گرسنگان محروم، دختران و پسران محروم از تزویج، بلا دیدگان، وام داران، محرومان از آموزش و بهداشت، محرومان از طلاب علوم دینی و...، را تا ابد آباد بر گروه موقوفه خوران ستمگر نازل فرما. آمین رب العالمین خداوند لعنت ابدی خود را بر موقوفه خواران یعنی این گروه ستمگر که موقوفات را تحت عنوان اجاره غصبی و حق کسب و پیشه و سرقتی غارت نموده و به ثروت اندوزی و کیفی مشغول هستند و این گنجینه های تقدیمی واقفان به محضر خداوند را ظلماً و عدواناً مصرف و نسل به نسل به وراثت فرزندان خود قرار می دهند نازل فرما آمین رب العالمین)، آنچه مسلم است این عمل ظالمانه آنان موجب گردیده تادانش پژوهان مسلمان، فرصت تمرکز یافتن بر موضوع دانش را از دست بدهند. و موقوفاتی که با تامین خوراک، پوشاک، زندگی، دانش پژوهان اسلامی، موجب می گردند که علماء، دانشمندان و اندیشمندان بسیاری در سرتاسر سرزمین های اسلامی پرورش یافته و پایه های تمدن عظیم فکری اسلامی مانند حوزه های علمیه نجف، قم، مشهد و...، که اساس تشیع را زنده نگاه داشته و بنیان گذاری نموده، تباہ نمایند آیا فراموش گردیده که اسلام و مسلمین تا چه حد مرهون و مدیون موقوفات هستند؟ و...، با توجه به آنچه مذکور گردید تمامی مسلمانان بایستی کاملاً آگاه و به آداب و احکام فقهی مرتبط مکاسب دانا گردند، تا ندانسته در منجلاب کسب حرام و باطل فرو نرفته و یا ندانسته پا در آتش نهند. آن چنانکه خداوند امر فرموده است. (قال الله تبارک و تعالی (... الانسان ينظر الی طعامه ...)) عمل

ص: ۳۷

نمایند، پس بر قلب هر مسلمان بایستی حک شود (خرید و فروش ملک وقفی حرام است و اجاره موقوفات بایستی به نرخ عادلانه روز صورت پذیرد، در غیر این صورت غاصب وقف ملعون است). و همچنین بر تمامی مبلغان، دانش پژوهان و مسئولان واجب است که علل نابودی موقوفات را معرفی و ریشه های اصلی علل عمده نابودی موقوفات یعنی بی دینی و لامذهبی و جاهل و نا آگاهی را خشک نمایند و در صورت لزوم از قوه قهریه تمسک بجویند، زیرا همانگونه که عقلاً جاهل به قانون رافع مسئولیت نیست، جاهل به احکام وقف نیز، مجوز چپاول و بیغماگری موقوفه خوران نخواهد بود، زیرا موقوفات دارای اصلی به نام اصل انتفاع ابدی هستند که موقوفه خواران خبیث این اصل را به نفع خود غصب و غارت نموده و منافع آن را چپاول و آن را در نسل خود معاویه وار به ارث گذاشته اند.

(ان الله يامرکم ان تعدوا الامانات الی اهلها و...)

(.. مهمترین مسئله در وقف، رعایت امانت است ...): مقام معظم رهبری

بیان شرح وظایف و حدود اختیارات مسئولان و مسلمانان:

اگر این امانات الهی پاسداری نشود و مراقبت های لازم برای ماندگاری و انتفاع دائمی آنها صورت نپذیرد و به نیت واقفان به هر دلیل خیانت شود و اهداف واقفان مورد توجه قرار نگیرد، موقوفات بیمار شده و در نهایت خواهند مرد و یا از همه اسف بار تر به ضد خود تبدیل می شوند یعنی این عمل خیانت کارانه موقوفه خوران موجب می گردد که سایر مردم نیکوکار از وقف کردن نا امید و این امر یعنی کراهت از وقف کردن، تبدیل به فرهنگ ضد اوقاف گردیده و باعث نابودی ریشه این درخت تنومند و بارور گردد، اگر برای ماور باشیم که محبوبترین اعمال بنا به فرمایش رسول مکرم اسلام در پیشگاه خداوند، شاد نمودن مسلمان یا سیر کردن شکم او و یا رفع غم و اندوه او و یا پرداخت بدهی های شرعی او می باشد، آیا محل هزینه موقوفات که موقوفه خواران منافع آن را به هر دلیل غارت نموده و می نمایند صرف کودکان بی سرپرست در تیم خانه ها، بیماران بیمارستانها، تامین معاش دانش اندوزان و دانش پژوهان دین و شریعت، دبستان ها و دبیرستان ها، مراکز آموزشی و محرومان و... نشده و نمی شود. آیا بر آحاد مسلمانان وظیفه شرعی نیست تا متولیان و ناظران وقف را در جهت حفظ و نگهداری موقوفات و بکارگیری درآمد وقف، در راستای اهداف وقف و به حداکثر رساندن درآمد موقوفات یاری نمایند؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر بر تمامی ارباب رسانه ها، مسئولین دستگاههای اجرایی، تمامی مسلمانان و...، برای حفظ و نگهداری و افزایش بهره وری از موقوفات و کمک به مسئولین نظام در رفع حوایج محرومان جامعه و ایجاد اشتغال سازنده و پایدار و... واجب نیست، و...، با عنایت به آنچه مذکور گردید آیا افزایش موقوفات مهم است یا حفظ منافع و ملکیت موقوفات از دزدی و سرقت موقوفه خواران، آیا اگر تهمیدات لازم جهت جلوگیری از دست اندازی منافقان مسلمان نما بعمل آید، خود بخود موقوفات حفظ و افزایش نیافته و آورده های آنان حفظ نمی شود، آیا بهتر نیست موقوفه خواران برای نجات دین و دنیای خود در قدم اول به ادارات اوقاف مراجعه و درخواست اجاره عادلانه روز را نمایند، تا ادارات اوقاف بتوانند به نیت واقفان عمل نموده و این عمل آنان در واقع مقدمه ای برای نجات آنان از ورطه لعن و نفرین خدا و ملائکه و همه مردم و نجات از آتش ابدی باشد؟!!

قال ... تبارک و تعالی (... ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجا و...)

- خاطره ای شنیدنی از عجایب آخرالزمان :

در شهرستان ساری مجموعه ای در مرکز شهر وجود داشت که وراث مالک در صدد تخریب و بازسازی ملک برای خود بودند و تمامی مستاجرین که حدود سی سال در آن مجتمع ساکن بودند برای متصرفات غاصبانه خود حقوق کسب و پیشه ای معادل سیصد تا ششصد میلیون تومان طلب می نمودند ، احد از این مستاجران بدون اینکه چنین حقوق زایدی را طلب نماید ، ملک متصرفی خود را بدون هیچ ادعا و قید و شرطی به وراث تحویل داد و در پاسخ متعجبانه وراث مبنی بر اینکه چرا آنچه که همه ادعا دارند تو ادعا نمیکنی گفت من سی سال مستاجر پدر شما بوده ام الحال که شما ملک خودتان را می خواهید من بایستی صد برابر آنچه تا بحال به شما داده ام از شما بگیرم و ملک را به شما تحویل بدهم ؟ چنین چیزی دردین و دیانت من نیست و حاضر نشد علیرغم رضایت وراث حتی یک ریال دریافت نماید آیا این شخص از مصادیق آیه فوق الذکر در روزگار ما محسوب نمی گردد ؟ ! و یا جریانی را که از احد از مراجع تقلید نقل شده است ، مبنی بر آنکه معظم له نماز ظهر را به جماعت برگزار نموده و به او خبر دادند که وقت اجاره منزل او منقضی شده است بلافاصله نماز عصر را ترک کرده به منزل آمده و تمامی اثاثیه خود را به داخل کوچه منتقل کرد و اعلام نمود از این ساعت این مکان برای من غصبی بوده و صاحب ملک سراسیمه آمده و قرارداد را تجدید کرده و ایشان اثاثیه خود را به داخل خانه برگردانید !! (ولمثل هذا فلیعمل العاملون) ، نگارنده در تمامی احکام و رساله های عملیه صاحبان شریعت و مراجع تقلید تحقیق و تفحص نموده ، اما اثری از حقوقی که موقوفه خواران بدان استناد می نمایند ، نیافته است زیرا اساساً در اسلام هیچگاه اجاره برای مستاجر (به استثناء اجاره صد ساله) ، حقوق مالکانه فراهم ننموده و براساس احکام شریعت حضرت محمد صلی ... علیه وآله و سلم و عجل فرجهم ، مستاجر بایست پس از انقضاء ایام مورد اجاره و به محض اعلام عدم رضایت موجر، مکان مورد اجاره و منافع آن را به موجر تحویل داده و ادامه تصرف بر مستاجر حرام و عمل او در حکم غضب خواهد بود و لذا صرف نظر از اینکه این امر یعنی غارت اموال مسلمانان (صاحبان ملک) ، توسط مستاجران به بهانه اجاره و اینکه فعالیت آنان در زمان اجاره موجبات بوجود آمدن حقی به نام حق کسب و پیشه شده هیچ محمل شرعی نداشته و نخواهد داشت ، این موضوع یعنی این امر غاصبانه در مبانی اقتصاد اسلامی نیز جایگاهی نداشته و نخواهد داشت ، بدیهی است با ایجاد عدم اعتماد و اطمینان از موضوع اجاره مستغلات ، نظام واگذاری و عرضه اینگونه املاک از سوی موجران سیر نزولی یافته و با افزایش تقاضا ، قیمت اجاره ها بسیار افزایش یافته و نظام عرضه و تقاضا دچار بحران و بهم ریختگی خواهد شد و... لازم به ذکر است اغلب قریب به اتفاق موقوفه خواران و وراث آنان به این امر واقف بوده اند که در زمان تنظیم اجاره چنین حق و حقوقی وجود نداشت تا اثبات ونفی آن را پس از انقضاء مدت اجاره به اجاره نامه مقید نمایند، و استناد غاصبان به اینگونه اباطیل یعنی عطف به ماسبق نمودن آنچه را که بعداً ساخته و پرداخته اند و آن را اسباب غارت قرار داده اند امری خلاف شرع است ، همانطور که اگر در کشور اسلامی العیاذ بالله حکومت الحادی برقرار شود و اعلام کنند که مستاجران ، هر محل اجاره ای را که در اجاره خود دارند می تواند مالک گردند و مالکان حقی ندارند ، آیا این دستورالعمل محمل شرعی برای غضب و غارت اموال مالکان خواهد بود ؟ بدیهی است اینگونه دستورالعملها و یا موارد مشابه آن هیچگاه محمل شرعی نداشته و نمی تواند داشته باشد و ایجاد اینگونه

ص: ۳۹

حقوق که در واقع سالب بر قصد و رضای موجر است و اساساً برخلاف احکام شرع مقدس و آئین اسلام می باشد، با عنایت به آنچه مذکور گردید مسلم و محرز است که اندک توجه به این اصل مهم و حیاتی می تواند اساس اقتصاد کشور و درآمدهای دولت را دچار تحولات عظیم و غیر قابل تصور نموده و باری سنگین را از دوش مسئولین دلسوز کشور برداشته و دغدغه های مستمر آنان را به منظور رفع مشکلات و معضلات طبقات محروم کشور مرتفع و با بکارگیری و بهینه سازی ساختار شکلی و ماهیتی آن نقش غیر قابل انکاری را در مسیر ایجاد اشتغال پایدار و توسعه فراگیر آن ایفاء نماید که در ادامه این بخش فتاوی مقام معظم رهبری و...، در رابطه با استیفای حقوق مظلومانه وقف و موارد مربوط به آن ذکر

می گردد:

۱- در فتوی شماره ۷۱۱۶: (... مسئول شرعی اداره امور موقوفه موظف است در صورت نیاز، به هر طریق قانونی اقدام به حفظ واحیاء و احقاق تمام حقوق موقوفه نماید ...).

مفهوم انتزاعی این فتوی آنست که تمامی دستگاههای اجرایی موظف به همکاری و تعامل و معاونت در این راستا می باشند.

۲- در فتوی شماره ۸۲۷۰: (... متولی شرعی و مسئول اداره موقوفه در اجاره دادن موقوفه و تعیین مبلغ اجاره بها باید لزوماً غبطه و مصلحت وقف را رعایت نماید ...).

مفهوم انتزاعی این فتوی آنست که ادارات اوقاف ملزمند که مفاد اجاره نامه ها را به نحوی تنظیم نمایند که موقوفات از دست اندازی موقوفه خواران محفوظ و نرخ عادلانه روز در آن رعایت و درآمد حاصله به نیت واقفان مصرف گردد.

۳- از (وقف بایستی در همان جهت وقف استفاده شود و اداره اوقاف حق تخفیف دادن و یا بخشش موقوفات را به بهانه یا دلیل فقر و بیچارگی مستاجرین ندارد...).

مفهوم انتزاعی این فراز آنست که نظارت تمام و کامل می بایست بر اعمال و شیوه های اجرایی و عملکرد کارکنان ادارات اوقاف صورت پذیرد تا از انجام هرگونه تبانی و خاصه خرجی ها و گذشت های بیجا و...، کارکنان این ادارات که موجبات نابودی موقوفات را فراهم می آورد جلوگیری لازم بعمل آید.

۴- (هرگونه تصرفات مستاجر از قبیل واگذاری سرقفلی در حکم غصب است)

مفهوم انتزاعی این فراز آن است که واگذاری سرقفلی و خرید و فروش آن حرام است و بر املاک استیجاری حقوق مالکانه تعلق نمی گیرد.

۵- (اجاره نشینی حقی را برای مستاجر ایجاد نمی کند که مضر به مالکیت وقفی باشد):

مفهوم انتزاعی این فراز آن است حقوق ظالمانه ای که تحت عنوان سرقفلی و حق کسب و پیشه بر اموال وقفی وارد گردیده است سالب بر قصد انتفاع اجاره از سوی واقف و موجر بوده و اینگونه حقوق برخلاف آئین و شریعت دین مبین اسلام است، زیرا اجاره نشینی

برای مستاجر اساساً حق مالکیت ایجاد نمی نماید (به استثناء اجاره صد ساله) و این امر از مواریث نحس و نجس بجا مانده رژیم قبل است .

۶- « اگر اداره اوقاف و متولی از موقوفه دفاع نکند و موقوفه را افراد خدا نشناس تصرف و یا در حال خارج کردن از وقف باشند ، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه عمومی مسلمین است . »

ص : ۴۰

مفهوم انتزاعی این فراز از فرمایشات آن است که تمامی دستگامهای اجرایی و مسئولین می بایست هم وغم خود را در راستای استیفای حقوق حقه اوقاف منظور دارند.

۷- (فروش و خرید و استملاک (املاک اوقافی) شرعاً باطل است و هرگونه تصرفات (در آن موقوفات) و استفاده و بهره برداری بدون (پرداخت) اجاره به نرخ عادلانه روز، غصب، حرام و موجب ضمان است و بر متولی احقاق حقوق موقوفه واجب است).

مفهوم انتزاعی این فراز از فرمایشات آن است که این حقایق و واقعیت‌ها می بایست از طریق رسانه‌ها به تمامی مسلمین اطلاع‌رسانی شود تا آحاد مسلمانان با آداب و مبانی خرید و فروش محل‌های کسب و...، آگاه باشند و خدای ناکرده از روی جهل و نادانی در معرض هلاکت و تحت لعنت خدا و ملائک و همه مردم قرار نگیرند، و بر متولی وقف و اداره اوقاف واجب است تا با تلاش مستمر و مساعدت بقیه مسلمین، حق را تا نیل به اهداف آن یاری نمایند.

۸- (اگر بدون اجازه از متولی شرعی یا اجازه او در مغازه (یا مالک وقفی) تصرف کنند، تصرفاتشان جایز نبوده در حکم غصب و موجب ضمان است):

مفهوم انتزاعی این فراز از فرمایشات آن است که عموم مستاجرین موقوفات ملزم به رعایت موازین شرعی در موقوفات و انجام هماهنگی با متولیان موقوفات بوده و تمامی مسئولین اوقاف ملزم به رعایت موازین جهت نیل به صرفه و صلاح موقوفات بوده و می بایست از صدور هرگونه مجوز که در آن رعایت مصلحت موقوفات نگردد اکیداً خودداری نمایند.

۹- (اشخاصی که بدون مجوز اوقاف و متولیان موقوفات اراضی (املاک) وقفی را در تصرف دارند و اوقاف به تصرفات آنان راضی نیست، فرایض دینی آنها در موقوفات باطل است).

به عبارتی اگر حق موقوفه را پرداخت نمایند، کسب در موقوفات و عبادت و انجام فرایض در آنها در حکم تصرف در ملک غصبی داشته و باطل است.

۱۰- (صرف استناد به سابقه استیجاری موجب استحقاق تخفیف نبوده و متولی شرعی موظف است در تجدید قرارداد اجاره با ملاحظه غبطه و مصلحت وقف، اجاره بها عادلانه تعیین و مطالبه نماید):

مفهوم انتزاعی این فراز از فرمایشات آن است که استناد به تصرف غاصبانه در سال‌های متمادی صرف نظر از پرداخت اجاره ناچیز، هیچ حقی را برای مستاجرین غاصب ایجاد ننموده و آنها در صورت رضایت متولی وقف موظف به پرداخت اجاره بها به نرخ عادلانه روز و اجرت المثل سال‌های قبل هستند. و بر اساس قوانین شریعت محمدی (ص)، مستاجرین پس از انقضای مدت اجاره بدون رضایت متولی نمی توانند به تصرف ادامه دهند و تصرفات آنان در حکم غصب است.

۱۱- (اداره موقوفه موظف است در صورت نیاز از طرق قانونی اقدام به حفظ و احیاء و احقاق حقوق موقوفه نماید):

مفهوم انتزاعی این فراز از فرمایشات آن است که هرگاه مستاجرین موقوفات از پرداخت حقوق وقف امتناع ورزند ادارات اوقاف

مكلف به اقدام وصول حق موقوفه بوده و در صورت لزوم دستگاههای ذیربط یعنی قوه قضائیه و نیروی انتظامی و... ، ضمن تعامل و دخالت ، اقدام لازم را معمول دارند و اقدام در حد ابلاغ ، رفع تکلیف شرعی نمی نماید.

با عنایت به آنچه مذکور گردید موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به تصرف موقوفه خواران درآمده و به این واسطه بر اساس مالکیت ابدی آنان از طریق خطوات شیطانی ایجاد سرقفلی و حق کسب و پیشه خلل وارد آمده و از سوی مستاجرین غاصب

ص: ۴۱

ملعون متمسک چپاول گردیده است محمل شرعی نداشته و بایستی به حال وقفیت خود بازگردند زیرا موقوفات اصالتاً قابل تبدیل، تغییر و واگذاری و خرید و فروش و استملاک نبوده و هیچ مستاجر غاصبی حق فروش ملک موقوفه استیجاری را تحت هیچ عنوان ندارد بلکه موقوفات به منزله امانتی هستند که بایست اساس آن حفظ و به نسل های بعدی تحویل گردد.

ب- معرفی الگوهای اجرایی:

در بخش ماضی، اهمیت و نقش باعظمت موقوفات بر درآمدهای دولت مورد بررسی قرار گرفت، در این بخش مهمترین راهکارهای عملیاتی با تکیه بر دو پارامتر تغییر بستر مدیریت های راهبردی و تشکیل کارگروه های اجرایی با هدف ایجاد تحول اساسی در نظام تشکیلاتی درون و برون سازمانی، می بایست مورد توجه قرار گیرد. و لذا با توجه به شناخت علل نارسایی به شرح آنچه مذکور گردید، به منظور جلوگیری از ادامه خسارات و بهینه سازی ساختار در آمدی دولت در این

بخش که به لحاظ ماهیتی و شکلی اشتغال زا محسوب می گردند، انجام اصلاحات در دو راستا اعلام و پیشنهاد می گردد:

- گروه اول: موقوفاتی هستند که در حال حاضر در تصرف غاصبان عنود و ملعون قرار دارند.

- گروه دوم: موقوفاتی که در حال حاضر در تصرف غاصبان عنود و ملعون قرار ندارند.

در خصوص گروه اول، این موقوفات شامل موقوفات و رقباتی هستند که در تصرف غاصبانه قرار دارند و لازم است تمهیدات لازم از سوی مبادی ذیربط و با تعامل دستگاههای اجرایی و...، به منظور برگشت موقوفات به حالت وقفیت در دستور کار تمامی مسئولین محترم قرار گیرد، به نحوی که با انجام بستر سازی های لازم و از طرفی که اعلام می گردد، موقوفات را در حصن حصین و در محکم و در شرایطی که لازمه حراست هر موقوفه است، قرار دهند که در ادامه به اهم آنها اشاره خواهد شد و اما در خصوص گروه دوم، این موقوفات شامل املاک و رقباتی هستند که به تازگی در زمره موقوفات درآمده و یا از طریق بکارگیری پروژه های عمرانی یا آزاد سازی و...، ایجاد می گردند که در خصوص این موقوفات لازم است که بالاترین در آمد جهت اجاره از طریق مزایده و تعیین مدت محدود یکساله و با اجاره نامه های صحیح و طراحی شده و منطبق بر موازین قانونی به نحوی که هیچ شیاد و کلاهبرداری نتواند به دلایل مختلف و با متمسک شدن به ترفندهای فریبکارانه و...، موقوفات را بطور ضمنی تملیک نموده و آن تصرف نماید و...، و النهایه با بکارگیری بهترین روشها، موقوفات مشمول این گروه را در حصن حصین و در پولادین خود قرارداد و موجبات جذب بهترین صرفه و صلاح و درآمد مستمر را در مسیر انجام نیات واقفین معمول دارند، در ادامه با عنایت به اینکه بعضی از این راهکارهای اجرایی بعضاً دارای وجوه مشترکی در کاربرد موارد مطروحه دارند، لذا اهم این موارد به شرح ذیل اعلام می گردد:

- راهکار اول:

- سند دار کردن اماکن تحت نظارت و ید اوقاف (اعم از رقبه، موقوفه، امامزاده، مسجد، حسینیه و...)

سند دار کردن موقوفات یکی از اساسی ترین اقدامات برای تثبیت و جلوگیری از تعرض به آنهاست، بنابراین تمامی موقوفات و حدود آنان بایستی به سرعت شناسایی، تحدید و پلاک ثبتی آنها مشخص شده و برای هر یکی از آنها پرونده های ثبتی با

مشخصات پلاک ثبتی تشکیل شود. زیرا با مشخص شدن وضعیت ثبتی این اماکن ، حقوق قانونی آنان به بهترین نحو حفظ خواهد گردید و در صورت بروز هرگونه خطر ، به راحتی بعنوان قوی ترین

ص: ۴۲

مستندات اقامه دلایل در محاکم قضایی محسوب می‌گردد و قهراً تجاوز و تعرض به حریم های قانونی آنها، با توجه به وضوح حدود اربعه و مساحت و...، ممکن نخواهد بود، بدیهی است نهادینه کردن و استمرار این روند در طول زمان، موقوفات را از دست اندازی سودجویان و سوء استفاده چپاول گران و دشمنان اسلام و مسلمین محفوظ می‌نماید.

- راهکار دوم:

بروز نمودن و عادلانه نمودن درآمد موقوفات در دو گروه:

گروه اول - در خصوص موقوفاتی در مجموعه اوقاف که مکشوفه یا جدید الوقف و یا جدید الاحداث نیستند.

گروه دوم - در خصوص موقوفاتی که در مجموعه اوقاف به تازگی آزاد شده و یا مکشوفه یا جدید الوقف و یا جدید الاحداث هستند.

توضیح گروه اول: این مجموعه که در واقع اکثریت موقوفات درآمد زا کشور را تشکیل می‌دهند، غالباً در ید غاصبانه موقوفه خوران قرار داشته و منافع آن تحت عناوین شیطانی سرقفلی و حق کسب و پیشه و...، غارت می‌گردند، با عنایت به آنچه مذکور گردیده است، به منظور رفع این معضل حاد و بدبختی و نکستی که از سوی شیطان و شیطان صفتان گریبانگیر امت اسلامی گردیده است، می‌بایست چند امر مهم در دستور کار جمعی مسلمانان عموماً و کارگزاران و مسئولین دلسوز اوقاف خصوصاً بعنوان امری عبادی و شرعی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرد:

۱- اطلاع رسانی.

۲- اتخاذ تمهیدات لازم قانونی جهت در تنگنا قراردادن متصرفین غاصب.

۳- آزاد سازی موقوفات.

۴- مرحله مهم و اساسی انعقاد قراردادهای کلیشه ای طراحی شده و با ویژگی های خاص.

۱: اطلاع رسانی:

در این رابطه رسانه ها و ارباب جراید و مجلات و روزنامه ها و محققین و صاحبان قلم و همچنین ائمه جمعه و جماعات و...، در یک تعامل جمعی نسبت به اطلاع رسانی و شناخت این معضل اجتماعی و مصیبت اسلامی که این غاصبان برای امت اسلامی و مسئولین محترم نظام و ملت مسلمان و در مسیر رشد و شکوفائی و رفاه ملت رنج دیده فراهم نموده و آثار مخرب آن بر درآمدهای دولت و موضوع اشتغالزایی و...، اطلاع رسانی نمایند و حقوق و تکالیف شرعی مسلمانان را در رابطه با موقوفات بیان نمایند و سوء عاقبت و بدفرجامی این اعمال موقوفه خواران را به آنان گوشزد نمایند و...،

۲: اتخاذ تمهیدات لازم قانونی جهت در تنگنا قراردادن غاصبان عنود:

در این مرحله لازم است مسئولین اوقاف براساس وظایف شرعی واداری خود از تمامی ابزارهای قانونی اعم از عدم اجازه ساخت و یا تعمیر و...، ضمن تعامل با شهرداری ها وسایر مبادی ذیربط در مبارزه با متصرفین

ص : ۴۳

غاصب با سعی در جلوگیری از اعطاء جواز کسب فعالیت یا سایر مجوزها برای امتیازات قانونی جهت ادامه فعالیت های اقتصادی و... ، بهره گیری نمایند و با مساعدت دستگاه قضایی و بهره گیری از قوه قهریه نیروی انتظامی و... ، نسبت به اخراج غاصبان و خلع ید از این متصرفان اقدامات لازم را معمول دارند و... .

۳: آزاد سازی موقوفات :

در این مرحله پس از انجام امور به شرحی که گذشت ، آزاد سازی موقوفات به میل و رغبت موقوفه خواران و یا به اجبار قانون واحکام مراجع قضایی و... ، صورت خواهد پذیرفت ، بدیهی است با آزاد سازی از طریق اختیاری ، مراتب تقدیر و قدردانی از این عمل شرافت مندانه متصرفین که در راستای احیاء حقوق موقوفات معمول گردیده است توسط مسئولین نظام و ارباب جراید و... ، جهت معرفی و تجلیلی از این عمل خداپسندانه و نهادینه نمودن این فرهنگ در آزاد سازی موقوفات تبلیغ خواهد گردید.

۴: انعقاد قراردادها براساس فرم های کلیشه ای و...

در این مرحله مهم و اساسی که در واقع حساسترین و مهمترین وظیفه ادارات اوقاف است ، می بایست قراردادها در قالب فرم های کلیشه ای و با ویژگی های خاص صورت پذیرد ، از خصایص این قراردادها آن است که بایستی جامع شرایط و کامل به لحاظ پیش بینی تمامی موارد برای جلوگیری از دست اندازی غاصبان و چپاولگران و با اخذ بهترین و سنگین ترین وثیقه ها و ضمانت های قانونی برای تخلیه و تحویل بموقع موقوفه پس از انقضاء مدت زمان اجاره و در زمانهای کوتاه حداکثر یکساله منعقد گردد و پیشانی هر فرم قرارداد به کلیشه ای عبارات جاودانی اتخاذ شده مولای متقیان علی (ع) با هدف هشدار به غاصبان مزین شود :

(لا تباع ، لا توهب ، لا تورث ، فمن باعها او وهبها ، فعليه لعنة اله والملائكة والناس اجمعين ولا تقبل الله منه صرفاً ولا عدلاً) :

(فروخته نمی شود ، بخشیده نمی شود ، به وراثت قرار داده نمی شود ، پس کسی که بفروشد یا ببخشد ، بر اوست لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم و خداوند هیچ عمل خیری را از او نمی پذیرد.)

بنابراین می بایست تمامی تمهیدات و بستر سازی ها برای جلوگیری از ایجاد کوچکترین روزنه و خطر برای موقوفات بعمل آمده به نحوی که بهیچ وجه امکان غصب یا حدوث هرگونه خطر در راستای تصرف موقوفات توسط مستاجرین فراهم نیاید ، بدیهی است در صورت تخلف ماموران و مسئولان اوقاف از موازین اعلامی برخورد شدید قانونی به اتهام تبانی آنان برای حیف و میل موقوفات و جبران خسارات بعمل خواهد آمد.

ب- موقوفاتی که در مجموعه اوقاف مکشوفه یا از ید غاصبانه موقوفه خوران آزاد و یا جدید الوقف و یا جدید الاحداث می باشند:

در این گروه از موقوفات مسئولین ادارات اوقاف بایستی با حساسیت و وسواس و قدرت تمام از حیات موقوفات واصل ابدی بودن آنان دفاع نمایند و با خائنین از کارکنان خود که به هر ترتیب در صدد تبانی با مستاجرین پلید و غصب موقوفات هستند برخورد قانونی نمایند، به گونه ای که در مدیریت های بعدی

ادارات اوقاف (بحث غصب موقوفات و تجاوز به حریم آن) و تصور آن نیز به زباله دان تاریخ افکنده و فرهنگ سازی به نحوی بستر سازی گردد که فکر تصرف موقوفات از فکر و ذهن مردم پاک شود و امور مربوط به اداره تمامی موقوفات کاملاً شفاف سازی و در اختیار رسانه ها و مردم قرار داده شود تا با عظمت وقف و آثار گهربار آن در رفع نیاز های اساسی مردم و همچنین بعنوان بخشی از درآمدهای عظیم غیرمستقیم دولت در مسیر ایجاد رفاه و اشتغال زایی و ... آشنا گردند و به شرحی که در بخش قبل بیان گردید مهمترین و اساسی ترین و خطرناکترین وظیفه مسئولان محترم اوقاف ، اتخاذ تمهیدات لازم به نحوی است که این امانات الهی صحیح و سالم و در وضعیت های بهینه سازی شده بدون احتمال بروز هرگونه گزند و آسیب به نسل بعد تحویل داده شود. و در این راستا یعنی حفظ موقوفات تمامی آحاد موظف به همکاری و تعامل با مسئولین اوقاف و النهایه حفظ و حراست از قداست و ابدیت اصل آن هستند ، بدیهی است با توجه به وضعیت اضطراری اسلام و مسلمین در عصر حاضر ، هیچگونه سهل انگاری و اهمال و تحت هیچ عنوان نسبت به آن قابل بخشایش نخواهد بود. و در پیشگاه خداوند و نسل آینده هیچ توجیهی در رابطه با قرار گرفتن موقوفات در ورطه غصب غاصبان ستمگر و ملعون و پلید ، قابل پذیرش نخواهد بود .

- راهکار سوم : تدوین و تصویب قوانین لازم به منظور حفظ و حراست از موقوفات و از بین بردن قوانینی که ریشه در احکام موضوع اجاره در شریعت اسلامی نداشته (از قبیل ایجاد حق کسب و پیشه یا سرقفلی و...) .

لازم است مراجع ذیربط ضمن تعامل با مراجع قضایی و همکاری با تمامی دستگاه های اجرایی مرتبط و در راستای یاری کردن مسئولین اوقاف به منظور پیگیری مطالبات ، کمک همه جانبه برای شناسائی و انجام مراحل ثبتی (تا مرحله اخذاسناد مالکیت) ، نظارت ، حمایت و پشتیبانی از تعمیر ، بازسازی موقوفات و رقبات ، کمک به تعیین تکلیف موقوفات تحت تصرف غاصبان اعم از حقیقی و حقوقی ، خروج سریع و بدون قید شرط ادارات و دستگاه های اجرای موقوفات تحت تصرف به منظور بهینه سازی موقوفات و اجرای طرح های عمرانی و حرکت به سوی ایجاد بالاترین بهره وری در اخذ اجاره های قانونی و به حداکثر رساندن سود رسانی تمامی موقوفات تحت نظارت ، کمک همه جانبه به دعاوی حقوقی موقوفات ، نصب تابلو های بزرگ و چشمگیر در محل موقوفات و خصوصاً سر درب موقوفات در مراکز تجاری و اطلاع رسانی به عموم در آن به عنوان محل موقوفه و اعلام نحوه صرف هزینه های آن طبق نظر واقف ، باز نویسی اسناد ، جمع آوری اسناد ارزشمند و تکثیر و بایگانی نمودن آنها در محل محفوظ ، اجرای برنامه های فرهنگی و برگزاری

همایش های مختلف و در راستای تبیین مظلومیت وارده به موقوفات و راهکارهای نجات آن با هدف اطلاع رسانی به مردم ، الزام متصرفین به انعقاد قرارداد در وضعیت های اعلام شده جدید ، تعمیر و مرمت و تکمیل واحداث عملیات عمرانی و بهینه سازی موقوفات و ایجاد حداکثر درآمد از موقوفات ، جلوگیری از هجمه به موقوفات از طریق پیگیری قانون ابطال ، احیاء اسناد و مدارک وقف و حفظ آنان از طریق تکثیر رونوشت و باز نویسی اسناد مربوطه و نگهداری در محلهای مناسب ، تعامل با اداره ثبت وقوه قضائیه و ارسال اطلاعات مربوط به موقوفات برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی برای اخذ اسناد ملکیت برای موقوفات ، تشویق و تقدیر از مدیرانی که موفق به احیاء و کشف موقوفات شده اند ، اهداء جوایز و تقدیر نامه به کسانی که بهترین راهکارها را برای حفظ و حراست موقوفات ارائه نموده و یا برای

نجات آنان از یدغاصبانه موقوفه خواران اقدام نموده اند، طرح و برنامه برای انجام سرمایه گذاری های جدید و خرید رقبات و یا تبدیل به احسن نمودن موقوفات و افزایش بهره وری موقوفات بنام واقفان اولیه و کسانی که در پروژه های جدید نقش داشته اند ضمن اعلام شرح وضعیت در سوابق موقوفات ، برگزاری مراسم علمی و تحقیقی و پژوهشی در راستای احیاء وقف و اتخاذ بهترین سازکارها برای افزایش بهره وری از موقوفات ، انجام پروژه های سازنده و مفید ، تعامل و درخواست همکاری با سایر دستگاهها و ارگانها برای اخذ مساعدت و کمک برای احیاء موقوفات ، اعمال نظارت مطلقه و گسترش مدیریت در موقوفات از طریق قوه قضائیه ، تشکیل شعب تخصصی و با قضاوت قضات قاطع و مومن در کوتاه ترین زمان ممکن ، رسیدگی به تظلمات وارده به موقوفات و برخورد قاطع و قانونی با کارکنانی که اسباب و وسایل نابودی موقوفات را ضمن تبانی با موقوفه خواران فراهم آورده ویا می آورند و اتخاذ تمهیدات لازم جهت جبران خسارت وارده . با این تاکید که مال وقفی در اجاره ، به منزله تحویل امانت به مستاجر است و عدم استرداد در زمان انقضاء به منزله خیانت در امانت تلقی و با توجه به اینکه مستاجر برخلاف رضای مالک در مال امانتی تصرف می نماید عمل او از مصادیق بزه و جرم خیانت در امانت بوده و می بایست متحمل کیفر آن باشد ، زیرا این امر بر اساس موازین قانونی، تصاحب و یا از بین بردن مال امانتی تلقی و عملی مجرمانه بوده و بر اساس موازین شرعی حرام و موجب ضمان خواهد بود و اظهار ادعای حق کسب و پیشه و یا سرقتی در اجاره موقوفات و عدم استرداد آنها در زمان انقضاء قرارداد از مصادیق تصاحب (یعنی تصرف مالکانه در مال امانتی) و تلف (یعنی از بین بردن آن و...) محسوب می گردد. لازم به ذکر است با عنایت به اینکه اساساً مشکلات گریبانگیر موقوفات ، در نهایت برای رسیدگی به مراجع قضایی احاله و در حال حاضر اداره امور موقوفات به عهده قوه قضائیه نمی باشد ، ضروری است تا تمهیدات لازم اتخاذ و امور موقوفات تحت نظر خاص و با توجه کامل قوه قضائیه اداره و به تظلمات وارده به آن با ویژه گی خاص و حساسیت بیشتر رسیدگی گردد و برای کسانی که به حدود موقوفات تعدی و تجاوز می نمایند و آن گروه از کارکنان موقوفات که با موقوفه خواران به هردلیل تبانی می نمایند مجازات سخت اعمال شود ، توجه کارگزاران نظام به تظلمات وارده به موقوفات ، جلوگیری از مدیریت های غلط و یا رها شده در موقوفات ، پیگیری حقوق و احیاء موقوفات ، عدم انعقاد قراردادهای اجاره با زمان طولانی ، رعایت مصلحت و غبطه موقوفات ، عدم سوء استفاده از اجازه استبدال موقوفات ، ایجاد سیستم های آماري و بایگانی و دقیق برای حفظ اسناد ، و اتخاذ تمهیدات لازم در حفاظت و جلوگیری از جعل و مخدوش نمودن اسناد موقوفات ، ترویج و تشویق فرهنگ وقف (که می تواند از طریق معرفی و ارائه خدمات خاص فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی و انجام تقدیرها از واقفان از سوی اوقاف و یا از سوی سایر دستگاه های اجرایی صورت پذیرد) ، شناسایی موقوفات ، اصلاح وضعیت درآمد موقوفات ، اتخاذ تمهیدات لازم جهت الزام موقوفه خواران به انعقاد قراردادهای جدید و بر اساس فرمهای جدید و کلیشه ای (یعنی فرم هایی که با مفاد مستقل و محکم قانونی و طرح ضمانت های لازم به سوی صرفه و صلاح موقوفات و در راستای خلع یدغاصبانه موقوفه خواران تنظیم شده است) ، سعی و تلاش در جهت گسترش و شناساندن مظلومیت وارده به موقوفات ، ایجاد سامانه وبانک اطلاعاتی ، اطلاع رسانی مبلغان دینی و حوزه های علمیه در خصوص حفظ اساس موقوفات و حرمت چپاول موقوفات در مناسبت های مختلف خصوصاً ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و... به مسلمانان ، و مومنین (به منظور ادای رسالت

برای نجات موقوفات و تامین معاش برای مبلغانی که در آینده می آیند و می بایست براساس نیت واقفان از ثمرات موقوفات خصوصاً از رقبات حوزه های علمیه بهره مندو در نشراسلام و تبلیغ و ترویج فرهنگ غنی آن بکوشند) ، اعمال سیاست های اجرایی و عملیاتی از سوی مدیران در راستای آزاد سازی موقوفات از تصرفات غاصبانه و حفظ و حراست اصل موقوفات پس از آزادی آنها و قرارداد دادن در حلقه فولادین حراست شده و انعقاد اجاره نامه ها براساس قراردادهای جدید و حفظ اصل موقوفات و درآمدهای عادلانه آنها از شرارت موقوفه خواران ، تعامل با ادارات های ذیربط و مرتبط نظیر شهرداری ها و عدم اجازه انجام تغییرات و تعمیرات و بازسازی ، بعنوان مالک و انجام بازرسی های مستمر و برخورد با بازرسان خاطی در صورت عدم ارسال گزارش تعمیرات و تغییرات در موقوفات از سوی موقوفه خواران و... ، با هدف درتنگنا قرارداد دادن موقوفه خواران جهت سوق دادن آنان به سوی انعقاد قرارداد براساس ضوابط کلیشه ای جدید

و... ، بهره گیری از تکنیک های جدید مدیریتی در اداره اموال عظیم موقوفات و ایجاد رشد و توسعه در وضعیت وقف ، برگزاری همایش ارائه راهکارهای نجات موقوفات ، نحوه تجدید اجارات عادلانه ، تشکیل جلسات توجیهی با مدیران و کارکنان دراهمیت وظایف ، دریافت نظرات و پیشنهادات جهت هدایت متصرفین گمراه و...، انجام هماهنگی برای عدم همکاری ادارات و سایر مبادی ذیربط با موقوفه خواران به دلیل نداشتن اجاره نامه عادلانه روز از مالک (یعنی اداره اوقاف) ، جهت پاسخ به استعلام ها (بدیهی است چنانچه غاصب مدعی سرقفلی و یا حق کسب و پیشه شود ، ادعای او و کسی که این ادعا را با فروش فرضی آن ایجاد نموده به دلیل استناد به عدم اجازه مالک مردود خواهد بود. و موقوفه خواران علیرغم هرگونه ادعاها ملزم به انجام قرارداد جدید با ادارات اوقاف (که مالک محسوب می شوند) ، شده و ارائه هرگونه پاسخ ها و استعلام به مکاتبات اداری منوط به ارائه اجاره نامه به روز ، از سوی مالک باشد ، مضافاً به اینکه غاصبان حق انجام هیچگونه تعمیر و یا تغییر و بازسازی و... ، را ندارند و برای موقوفه خوارانی که داوطلبانه به ادارات مراجعه و درخواست اجاره عادلانه روز را می نمایند تسهیلات و تخفیفات لازم به عنوان تشویق لحاظ گردد، سوق دادن در آمد موقوفات به انجام هزینه های عمرانی نظیر خرید رقبات و احداث و بازسازی و کاهش هزینه های جاری اوقاف و سوق دادن درآمدهای حاصله به انجام

هزینه های عمرانی نظیر خرید رقبات و اجرای پروژه های عمرانی واحداث مجتمع های تجاری و مسکونی و ایجاد درآمد براساس قراردادهای جدید و... ، کاهش هزینه های جاری غیر ضروری و یا عدم ارائه هرگونه کمک های بلاعوض در غیر نیت واقفین و... ، استفاده بهینه و بهره مندی از اراضی متروکه و فضاها و املاک غیر فعال وقفی و...

- ارائه الگوهای عملیاتی :

همانگونه که مذکور گردید موقوفات در وضعیت فعلی در دو گروه کلی قرار دارند گروه اول موقوفاتی که درید غاصبانه موقوفه خواران پدید و خبیث قرار دارند و در تحت لوای نیاز و بدبختی و یا حق کسب و پیشه و سرقفلی و یا ... ، به چپاول و یغمای آن مشغول بوده و هستند و دائماً در مقابل هرگونه عکس العمل ادارات اوقاف و مسئولین آن مواضع خصمانه اتخاذ نموده و یا به سرعت با کارکنان خائن و یا نادان ادارات ارتباط برقرار کرده ، و با لطائف الحیل موقعیت غاصبانه خود را به ترفندهای مختلف از قبیل تشبث به فقر و بدبختی و... ، تثبیت می نمایند ، بدیهی است برای آزاد سازی موقوفات گروه اول ، ازید غاصبانه اینگونه جرثومه های فساد و تباهی ، نیاز به توجیه و ارشاد اولاً کارکنان ادارات اوقاف و ثانیاً این

غاصبان عنود می باشد و اما در ارشاد و موعظه کارکنان ، این گروه باید بدانند که تحت هیچ عنوان نمی توانند و نباید غبطه و مصلحت موقوفات را با ایجاد روابط خلاف شرع با موقوفه خواران تباہ و نابود نمایند و مدیران باید دائماً مهمترین وظیفه آنان (که آزاد سازی موقوفات و دریافت بالاترین اجرت المثل و اجاره در بهترین وضعیت و انجام هزینه در راستای نیت واقفین) را به آنان گوشزد نمایند ، زیرا آنان در واقع نمایندگان نسل گذشته و حال و آینده مردم مسلمان ، در آن دستگاه اجرایی جهت احیاء و حفظ و استمرار بهره وری موقوفات می باشند و همچنین موظفند که آنها را از هر گونه گزند و آسیب و... ، حفظ نموده و به نسل آینده تحویل دهند. وثائقی در خصوص ارشاد غاصبان موقوفات که در اثر اغوای شیطان لعین گمراه و در سپاه او قرار گرفته اند ، می بایست خباثت عمل وزشتی آن توسط هادیان شریعت یعنی علماء عظام و ائمه جمعه و جماعات ، اندیشمندان و متفکرین و مسئولین دلسوز و تمامی مومنین و مومنات با امر به معروف و نهی از منکر به آنان گوشزد گردد و با ارشاد و موعظه دائمی قباح و سوء عاقبت کار (دنیوی و اخروی) ، به آنان یاد آوری گردد و سعی تمام معمول شود تا از طروق مختلف اعم از بکارگیری رسانه ها و ارباب جراید و... ، آنان را مجاب نمایند تا خود را از ورطه هلاکت و منجلاب نکبت و بدبختی نجات دهند که قطعاً به غیر از تعداد اندکی ، از مابقی این افراد خبیث ، جز لجاجت ، سماجت ، خشنونت و مقاومت و... ، که از خصائص ذاتی اینگونه کلاهبرداران است ، انتظار دیگری نخواهد بود و در چنین حالتی امت حزب ... و در راس آنان مسئولین محترم اوقاف با کمک کارگزاران و مسئولین دستگاه های اجرایی یا حتی بدون کمک آنها می بایست تمهیدات لازم در خلع ید و آزاد سازی موقوفات از این گروه را اتخاذ نمایند و در این بستر ، تفرقه افکنی در جبهه باطل آنان می بایست در دستور کار قرار گیرد و بدو مسئولین و کارشناسان می بایست موقوفاتی را شناسائی کنند که موقوفه خواران بدون اذن و اجازه مالک یعنی ادارات اوقاف مورد بازسازی ، احداث بنا و تغییر و تحول و... ، قرارداد داده و با توجه به اینکه انجام اینگونه امور بر اساس موازین قانونی بدون اذن مالک تعدی و تفریط تلقی و جرم محسوب می گردد ، صرف نظر از اینکه بزه انتسابی از مصادیق جرم خیانت در امانت و یا دخل و تصرف در اموال غیر می باشد بر اساس قوانین مدنی از مصادیق تخلیه ملک نیز محسوب می گردد ، بنابراین ضمن تعامل با مراجع قضایی تعقیب کیفری اینگونه موقوفه خوران در دستور کار قرار گرفته و نسبت به خلع ید و واگذاری موقوفات آزاد شده به شخص حقیقی یا حقوقی و اجد شرایط و بر اساس قراردادهای جدید کلیشه ای و تخلیه در انقضای مدت قرارداد و ... اقدامات لازم معمول گردد. در خصوص سایر گروه های دیگر نیز می توان همین روش را به استناد مرگ غاصبان طرف قرارداد و عدم اجازه واگذاری به غیر و... ، مستند خلع ید و تخلیه موقوفه قرار گیرد ، بدیهی است کارشناسان حقوقی و وکلاً زبده ادارات اوقاف می بایست با قوت و شدت و با اتکا بر خداوند متعال ، شر اینگونه غاصبان خبیث ملعون را از املاک موقوفه ، کم و کوتاه نمایند به نحوی که با گذشت زمان ، کلیه املاک موقوفی به ادارات اوقاف تحویل و تا آن زمان کلیه دستگاه های اجرایی از همکاری و تعامل با اینگونه موقوفه خواران تا مرحله انعقاد قراردادهای جدید خودداری نمایند و اما نکته بسیار مهم در خصوص گروه دوم از املاک موقوفه که آزاد گردیده و یا مکشوفه و یا از طریق احداث بنا و اجرای پروژه های عمرانی و... که آماده واگذاری می باشند ، و می بایست ضمن رعایت صرفه و صلاح موقوفات و اخذ اجاره عادلانه بر اساس قراردادهای جدید و دریافت ضمانت های لازم جهت تخلیه ملک پس از انقضای زمان قرارداد اجاره و... ، اقدام شوند ، و قطعاً چنانچه اینگونه موقوفات به

ص : ۴۸

هر دلیل به سرنوشت موقوفات گروه اول دچار شوند ، این امر گناهی نابخشودنی و تخلفی محرز برای مسئولین محسوب می گردد و لذا واحدهای حقوقی و ادارات اوقاف می بایست به دلیل احتمال تبانی کارکنان و... ، ضمن تعقیب قضایی نسبت به عزل آنان اقدام و همزمان نسبت به آزادسازی در اسرع وقت اقدام نمایند ، یعنی در این گروه موکداً بهیچ وجه و تحت هیچ شرایطی نمی بایست موقوفات با تصرف غاصبانه موقوفه خواران پلید تباه شده و از بین رفته و براصل ابدی بودن و ایجاد بهترین بهره وری آنان خللی وارد گردد.

- نمونه های الگوهای اجرایی :

بررسی های بعمل آمده نشان می دهد که تلاش مسئولین اوقاف در راستای کشف موقوفات واحداث پروژه های عمرانی و انعقاد قراردادهای جدید که موید ایجاد موقوفات جدید و آزاد سازی رقبات و... ، می باشد معمول گردیده است که این امر به منزله بشارتی برای نسل حاضر و آینده کشور و به منزله استحقاق قدردانی از زحمات این تلاشگران می باشد اما نکته بسیار مهمتر ادامه این تلاش و حفظ این دستاورد ها و حراست آنها از گزند موقوفه خواران مسلمان نما است و همچنین اگر تلاش های مجدانه این مجاهدان در کوتاه مدت با عزم ملی و تعامل دستگاه های اجرایی همراه نشد دلسرد نگردیده و بدانند این امر رسالتی است که بر عهده کلیه مسئولین اوقاف خواهد بود و آنها در اجرای این رسالت هیچگاه نمی بایست اقدامات خود را منوط و مشروط به همگامی و همراهی مبادی دیگر نمایند بلکه با عزمی راسخ و مستقلاً می باید در راستای رفع مظلومیت از موقوفات و احیاء حقوق تضییع شده آن جهاد نمایند و اجر مجاهدت های مقدس خود را از خداوند طلب نمایند کما قال تبارک و تعالی (... فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً...)

- نمونه الگوی اول در ایجاد درآمد بیشتر :

- ایجاد موزه اسناد و اشیاء موقوفه :

بر اساس بررسی های بعمل آمده ، بسیاری از اشیاء و اسناد و مدارک باستانی که مربوط به موقوفات کشور است، در وضعیت نامطلوبی بسر می برد ، بنابراین متمرکز ساختن این اموال و اشیاء با هماهنگی مسئولین میراث فرهنگی و با هدف حفظ و حراست و ایجاد درآمدهای ارزی و ریالی برای موقوفات کشور ، امری مطلوب و گزینه ای صحیح می باشد و لذا پیش بینی می گردد که این مجتمع ها که در واقع به منزله نمایشگاه میراث فرهنگی و برگزیده اسناد و آثار و اموال منقول مربوط به موقوفات می باشد ، جایگاه مهمی را در بین موزه های کشور باز نماید و مضافاً به اینکه بسیاری از اسناد و مدارک از وضعیت نامطلوب بایگانی ها خارج و پس از تکثیر و تهیه میکروفیلم و حفظ در سوابق مورد مرمت و بازسازی و در محلهای مناسب با تعامل قوای نظامی و انتظامی حفظ خواهد گردید. و این اشیاء و اموال به لحاظ قرار گرفتن در این بستر ، ضمن حفظ و حراست ، موجبات ایجاد درآمد برای موقوفات کشور را نیز فراهم خواهد نمود ، بدیهی است تمامی آثار ارزشمند و تاریخی و عتیقه که از میراث فرهنگی موقوفات بوده و هم اکنون در شرایط بسیار نامطلوب و نامناسب و در معرض خطرات جدی و گوناگونی بسر می برند گردآوری و بصورت متمرکز و بصورت کاملاً علمی حفظ و حراست گردیده و در ضمن به بهترین روش ایجاد درآمد خواهند نمود.

ص : ۴۹

- نمونه الگوی دوم در ایجاد درآمد :

در مجموعه قوانین و مقررات اوقافی ذیل ماده ۱۱، تبصره ای وجود دارد مبنی بر اینکه (اراضی موقوفه ای که برای ساختمان واحدهای تجاری اعم از پاساژ و غیره مناسب است، می بایست توسط متصدیان امر وقف نسبت به احداث آنها راساً اقدام و سپس از طریق نشر آگهی به اجاره واگذار شود...).

این تبصره که موید دستورالعمل لازم الاجرا موضوع شرح وظایف و اختیارات قانونی و تشکیلاتی مسئولین اوقاف است، موجبات افزایش مجموعه موقوفات را به لحاظ کمی و کیفی فراهم خواهد نمود و بر مسئولین دلسوز است تا آنها را به لحاظ شکلی و ماهیتی حفظ و حراست نمایند و تمهیدات لازم را با انعقاد اجاره نامه های کاملاً کلیشه ای و مستحکم از دست اندازی موقوفه خواران خبیث و ملعون محفوظ دارند.

- نمونه ای عملیاتی از الگوهای اجرایی :

در پشت بازار یکی از شهرهای بزرگ، زمین موقوفه ای وجود داشت که سال ها با درآمد ناچیز رها شده بود و راهی به بازار نداشت، مدیر توانا و فهیم اوقاف شهر مذکور با خرید چند باب مغازه که مجاور زمین موقوفه بوده است، زمین مذکور را به بازار وصل می کند سپس با تعامل شهرداری و مذاکره و اخذ مساعدت، موفق به اخذ جواز تجاری پروژه پاساژ و ایجاد حدود ۷۰ باب مغازه می گردد و پس از احداث ۷۰ باب مغازه، تمامی آنها را از طریق مزایده به قیمت عادلانه روز و تنظیم اجاره نامه های محکم و قانونی و اخذ تضمین های لازم به مستاجرین واگذار می نماید سوال اینست آیا اینگونه مدیریت ها مفهوم احیاء اموات را تداعی نمی نماید؟ آیا اینگونه مدیران عملیاتی شایسته تقدیر و تشکر و تفویض اختیارات بیشتر نیستند تا در تمامی کشور، طرحها و برنامه های خود را از مرحله شناسائی (اینگونه اماکن که تعداد آنها کم نیست) تا انعقاد قرارداد مدیریت نمایند؟ آیا اینگونه مدیران توانا و دانا، تا انقضای عالم در ثواب اخروی ثمرات درآمدی این موقوفات سهم نیستند؟ آیا جایگاه این مدیران به پاس این مدیریت ارزشمند، در بهشت عنبر سرشت و در جوار محمد و آل محمد علیهم السلام و عجل فرجهم نخواهد بود؟

(اللهم افرغ علينا صبراً وثبت اقدامنا و النصرنا علی القوم الکافرین ...)

۲-۲- الف : انتخاب نمونه دوم از مجموعه انفال (میراث فرهنگی) :

انتخاب نمونه دوم از مجموعه انفال در موضوع میراث فرهنگی، از مبحث اصلاح و بهینه سازی ساختارهای درآمدی در بخش های ریالی و ارزی دولت و تقویت مبانی محور دوم و از سرفصل درآمدها انتخاب شده که تولیت آن در زمان غیبت امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف با دولت اسلامی است. و با توجه به آنچه بیان گردید، تقویت و اصلاح ساختارهای موارد مربوطه، عموماً و مباحث منتخب خصوصاً در راستای ایجاد اشتغال پایدار و موثر کشور به لحاظ وجود اصالت و دلایل ذاتی در ماهیت اشتغالزایی و ایجاد درآمدهای ارزی و

ص : ۵۰

ریالی لازم و اثرات آن، غیرقابل انکار است، دلایل بسیار فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد دشمنان اسلام و قرآن، لبه تیغ عداوت‌های خود را متوجه ریشه‌های درخت تنومند و بارور اقتصاد کشور عزیزمان ایران نموده‌اند که تباهی موقوفات کشور و غارت از چپ و راست میراث فرهنگی و سوق دادن ارز آوری این گنجینه‌های غنی بجای احداث موزه‌های بین‌المللی و...، به سوی موزه‌های مردم‌شناسی و معرفی لباسهای محلی و حیوانات خشک شده (تاکسیدرمی) و خلاصه نمودن جاذبه‌های گردشگری در گذران اوقات در طبیعت نمک‌آبرود و خرید از صنایع دستی محلی اعم از سبد و جاجیم و گلیم و...، از آن جمله

می‌باشد، با نهایت تاسف علاوه بر این مصائب، مصیبت جمع نمودن تمامی مساعی پژوهشگران جهت تقویت مبانی صادرات کالاهای غیر نفتی، اعم از پرتقال و کیوی نیز مزید بر علت است، اگر فرض نمائیم درآمدهای ارزی ناچیز حاصل از واردی که ذکر گردید، نتواند هزینه‌های بعمل آمده دولت اعم از ستادی و اجرایی را پوشش دهد و تمامی این درآمدها و ارقام، میزان قلیلی از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده و نسبت آن به ارزش صادرات نفت بسیار کم باشد و اگر فرض نمائیم درآمد کشور ترکیه در بخش گردشگری و میراث فرهنگی پنج برابر درآمد نفت ما باشد، آیا بازهم چرخش مدیریتی از مواضع موجود به مواضع پیشنهادی لازم به نظر نمی‌رسد؟ آیا وقت آن نرسیده است که الگوی ایجاد درآمد ارزی از کشورهای مثل اسپانیا، فرانسه، اتریش هند و...، اخذ و سپس درآمدهای حاصله در بخشهای سرمایه‌ای کشور و در مسیرهای ایجاد اشتغال پایدار تزریق گردد، آیا هیچ طرحی و برنامه‌ای ارزنده در این مسیرها، علیرغم اهمیت غیر قابل انکار آن وجود دارد؟ آیا حقیقت دارد که خودرو حامل نمایندگان سازمان ملل که برای تعیین میزان امنیت گردشگری در ایران حضور یافته بودند را هدف گلوله‌های آرپی جی هفت قرار داده‌اند؟ آیا حقیقت دارد که دارندگان فلزیاب که تبلیغات وسیع انواع آن در سرتاسر کشور رواج دارد به دنبال قوطی کنسرو نبوده‌اند و احیاناً چنانچه به گنجینه‌های زیرزمینی میراث فرهنگی برخورد نمایند، آنها را به موزه‌های کشور تقدیم نخواهند نمود؟، آیا حقیقت دارد که پس از سرقت لوح‌های زرین و سیمین داریوش ویا کتیبه‌های سنگی ویا آتش سوزی‌های موزه‌های کشور و...، این گنجینه‌های میراث فرهنگی بعضاً از حراج‌های اروپا سربر می‌آورند؟ آیا اگر این موارد حقیقت دارد خسارت آنها به اقتصاد کشور زیانبارتر است یا از بین رفتن نیمی از چاه‌های نفت کشور؟ استمرار ارز آوری کدام گروه دائمی تر و کدام موقتی تر می‌باشد؟ آیا حقیقت دارد که صدمات وارده در ده سال اخیر بر میراث فرهنگی کشور بنا به اظهارات مسئولین در صد سال اخیر بی سابقه بوده است؟ و...، اگر قطعات مختلف این پازل را کنار هم بگذاریم چه تصویری نمایان می‌گردد، آیا چهره کریه دشمنان اسلام و قرآن و هجمه بی‌امان آنان بر شریان‌های حیاتی اقتصاد کشور در این تصویر نمایان نخواهد شد، آیا تقویت مبانی اعلام شده در راستای شکوفایی منابع ارزآوری کشور موجبات رفع بحران‌های مالی و پولی دولت نگردیده و با تزریق آن در بخش‌های سرمایه‌ای ارکان ایجاد اشتغال پایدار و...، برای سربلندی ایران اسلامی پایه‌گذاری نخواهد شد؟ بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهد که همه کشورهای جهان در رقابتی تنگاتنگ در پی بهره‌گیری و دریافت سهم بیشتر از مزایای اقتصادی این بخش (به عنوان بالاترین پدیده اقتصادی، که دارای درآمد ارزی چشمگیر و اهرمی قوی برای ایجاد اشتغال و...، است) می‌باشند، اما با

ص: ۵۱

نهایت تاسف گردشگری در ایران به سمت بازدید ایرانیان از دریا، غار و جنگل و چشمه های آب گرم و سرد و...، آن هم در داخل کشور متمرکز شده و سهم درآمد ارزی ایران در این بخش بسیار ناچیز است و این وضعیت در حالی وجود دارد که اهمیت این صنعت در جهان روز به روز و اثرات آن لحظه به لحظه بر توسعه و گسترش زمینه اشتغال و...، بیشتر می شود، لازم به ذکر است بنا به دلایل بسیاری، از جمله نیازه توسعه و تجهیز عوامل زیربنایی و عوامل حمایت کننده از قبیل ایجاد امنیت، اطلاع رسانی، حمل و نقل و ارتباط با سیستم های جهانی و...، توسعه این بخش تنها در گرو حمایت ها و اقدامات سیاسی دولتی و حضور پررنگ آن است و اعتقاد نگارنده بر آن است که دخالت بخش خصوصی (جز در خدمات رسانی عمومی و فرعی)، به دلایل مختلف کاملاً مخرب و امر نظارت و حفاظت و اتخاذ تمهیدات لازم جهت توسعه در این بخش فقط و فقط از وظایف دولت و بخش های وابسته به آن محسوب می گردد.

- راهکارهای اجرایی:

همانگونه که ذکر گردید در بسیاری از کشورها، این بخش (صنعت گردشگری)، منبع اصلی درآمد دولت و توسعه پایدار اشتغال و عامل اصلی رشد اقتصادی و توسعه ساختارهای زیربنایی و...، محسوب می گردد، بررسی های بعمل آمده بر ساختار عوامل موثر بر رشد و توسعه آن یعنی اطلاع رسانی، گسترش حمل و نقل، ایجاد امنیت و هماهنگی با سازمان ها و...، همگی حکایت از ماهیت پارادوکسی و معماگونه این بخش ها دارد، زیرا هر کدام از این پدیده های خاص، بعنوان پارامترهای موثر، حالتی متفاوت را در وضعیت عادی و تعریف شده با وضعیت های خاص دیگر دارند که من حیث المجموع موید لزوم ارائه یک راه حل عملیاتی برای خروج این بخش ها از این وضعیت (پارادوکسی) خواهد بود، به عبارت دیگر با توجه به اینکه عناصر تشکیل دهنده موضوع، همگی دارای پیچیدگی های خاص خود بوده و عرصه عملیات حاکی از عدم وجود مدیریت های متمرکز و یا به ظاهر موجود ولی رها شده در آنها می باشد، بنابراین بهترین الگو برای ارائه راهکارهای اجرایی، ارائه وضعیتی است که بتواند تمامی این معضلات را بطور ساده و روان و بطور یکجا در خود جمع و حل و فصل نماید که به نمونه ای از آنها اشاره خواهد شد، زیرا اصل موضوع یعنی ارز آوری از این محل بعنوان بهترین و مهمترین راهکار خروج از بحران های ناشی از عدم بکارگیری و بهره مندی از موضوع اشتغال مطرح می باشد و به عبارتی دیگر با توجه به اینکه ایجاد درآمد از این بخش قادر است تا به راحتی بسیاری از معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را که گریبانگیر جوانان بیکار، زنان محروم و گرسنه، خانواده های مستاصل و گرفتار و...، را مرتفع و اقشار مبتلا به فقر را از منجلاب فحشاء، اعتیاد و بحران های فزاینده خانوادگی و...، و بطور کل هر آنچه که ریشه در فقر اقتصادی دارد نجات و رهایی بخشد، اتخاذ تمهیدات لازم و توجه خاص جهت بکارگیری تمامی عوامل موثر، در راستای بستر سازی در آنچه که در الگوی اجرایی پیشنهاد می گردد مورد توصیه و تاکید خاص نگارنده می باشد.

- ارائه الگوی اجرایی:

بر اساس آنچه که تاکنون مذکور گردید، بهره برداری از این بخش با توجه به دلایل بسیاری که به بعضی از آنها اشاره شده است، در راستای تقویت محور درآمدی دولت از اهمیت ویژه ای برخوردار و با توجه به وضعیت اضطراری و حاد حاکم بر اقتصاد جهان عموماً و ایران اسلامی خصوصاً، نیازمند توجه خاص می باشد و همچنین در خصوص ماهیت

پارادوکسی عوامل موثر بر روند رو به رشد این متغیر اقتصادی، که اثرات آن بر اشتغال و توسعه پایدار و توسعه ساختارهای زیربنایی آن غیرقابل تصور می باشد، نکته ای بسیار مهم عنوان می گردد و آن اینکه در الگوی اجرایی و عملیاتی می بایست سازوکار و تمهیدات لازم بگونه ای طراحی گردد که روابط مجموعه تاثیرگذار بر این متغیر اقتصادی، از ساختار معماگونه یا پیچیدگی های خاص خود خارج و تمامی مولفه ها مرتبط در هر یک از این مجموعه های تاثیرگذار، بدون ظهور و بروز آثار سوء و نامطلوب آن، بهترین بهره وری را بر روند روبه رشد این متغیر اقتصادی، یعنی ارز آوری از محل میراث فرهنگی و در راستای تقویت وضعیت گردشگری کشور حاصل نمایند، بررسی های میدانی بعمل آمده از سوی نگارنده نشان می دهد که نیل به اهداف مورد نظر در این راستا، در زمان اجراء، عملاً در منجلابی از دستورالعمل های بازدارنده و سایر عوامل کاهنده، درون و بین سازمانی و سایر عوامل اصلی و فرعی تعیین کننده دیگر فرورفته و نه تنها حرکت آن عملاً متوقف و یا به چالش کشیده شده است، بلکه با انحراف از معیارهای اولیه و با از دست دادن ماهیت خود بطور کلی محو و نابود شده است و همچنین علیرغم شناخت همگانی از عظمت موضوع، حل آن بنا به دلایلی که عنوان گردید، تلاش تلاشگران و سعی وافر آنان را عقیم قرار داده و نیل به اهداف از پیش تعیین شده مسئولین را، به شکست و ناکامی منتهی نموده است، موانع فرهنگی، مشکلات و معضلات موجود در اطلاع رسانی داخل و خارج کشور، فقر مواصلاتی و فقدان نظم و انضباط لازم در حمل و نقل، عدم وجود امنیت، عدم هماهنگی درون و بین سازمانی و...، که من حیث المجموع بیانگر رویکردها و چالش های مختلف در نیل به اهداف تعیین شده، به دلیل وجود همین تنگناها و موانع اجرایی، قهراً وجود مدیریت های اثر بخشی که بتواند هم راهنما، هم هدایت گر و هم پاسخگو و هم مسئول باشد را منتفی نموده است و لذا در الگوی اجرایی پیشنهادی نگارنده، تمامی اثرات منفی گردشگری با تکیه بر محور تاریخی آن (یعنی یکی از محورهای گردشگری)، محو خواهد شد و با توجه به مزایا و بهره مندی حاصله از آن، می تواند ادعا نمود که الگوی پیشنهادی خواهد توانست بعنوان بهترین راهکار عملیاتی، ضمن رفع آثار و اثرات منفی پیش بینی شده آن، تمامی انتظارات دوستداران حفظ میراث فرهنگی کشور و بازدید کنندگان داخلی و خارجی را فراهم آورده و با برقراری ارتباط صحیح و منطقی بین المللی، ضمن تبلیغ و معرفی اسلام واقعی، منابع ارز آور کشور را تقویت و سود حاصله را بسوی تولید و اشتغال پایدار رهنمون سازد.

- نمونه الگوی اجرایی و عملیاتی، تاسیس شهرک های تاریخی گردشگری:

مهمترین عامل موثر در ساخت و تاسیس این شهرک ها، که متعاقباً به خصائص و ویژگی های آنان اشاره خواهد شد، موضوع مکان یابی و محل احداث مجموعه های مربوط به این شهرکها خواهد بود، این شهرکها که با هدف متمرکز نمودن قوی ترین جاذبه های توریستی در میراث فرهنگی و مربوط به تمامی ادوار تاریخی ایران اسلامی طراحی می گردد، می بایست با توجه به محرومیت های موجود به این بخش در سطح بسیار بسیار گسترده و فوق العاده مجهز و با استقرار کلیه امکانات لازم، برای پذیرائی از گردشگران خارجی و ایرانی آماده و همانگونه که مذکور گردید، مهمترین اصل در این رابطه موضوع مکان یابی مناسب برای این شهرک ها خواهد بود که می تواند بر دو پارامتر نزدیکی به مناطق تاریخی مانند تخت جمشید و یا فرودگاه های بین المللی پایه ریزی گردد، زیرا معمولاً در اطراف این مناطق فضای مناسب برای احداث

این گونه شهرک ها وجود دارد که قادر خواهد بود تمامی ویژگی های خاص و لازم مربوط به این شهرکها را در خود جای دهد.

- ویژگی های لازم برای ایجاد شهرک ها تاریخی :

- ویژگی اول ، پربار بودن و غنای فوق تصور در به نمایش قراردادن عظمت تاریخ ایران از طریق ارائه با شکوه مجموعه های میراث فرهنگی :

بخش مهم اصلی این شهرک ها به معرفی مجموعه های نفیس میراث فرهنگی تمامی ادوار تاریخی که معرف تاریخ با عظمت ایران اسلامی و به تفکیک دوره ها می باشد اختصاص خواهد یافت ، بدیهی است اخذ الگوی مناسب از

موزه های پرطرفدار جهانی مانند لوور می بایست بر جاذبه های اینگونه شهرک ها بیفزاید ، بدیهی است خروج اشیاء باستانی نفیس (به لحاظ کمی و کیفی) ، از بایگانی و انبار موزه های ایران و نمایش باشکوه و پر عظمت آنان ، می بایست با حفظ مقتدرانه و حراست همه جانبه از این گنجینه های بی همتا قرین باشد و هماهنگی این دو عامل قطعاً خود بالاترین جاذبه را برای گردشگران ایجاد خواهد نمود ، بدیهی است اضافه نمودن هر گونه کشفیات و الحاق آن به مجموعه های استقرار یافته ، لحظه به لحظه بر شکوه و عظمت این مجموعه های گردشگری خواهد افزود و ... ، آنچه مسلم است محور اصلی این شهرک ها را ، همین مجموعه های عظیم اشیاء و اموال باستانی تشکیل خواهند داد و قطعاً انجام هر گونه هزینه در رابطه ایجاد و توسعه با بخش هایی که مذکور خواهد گردید ، علیرغم ظاهر هزینه ای خود ، دارای ماهیت درآمدی خواهند بود ، بدیهی است ایجاد این شهرک ها می بایست در اذهان عمومی ایجاد پروژه-های عظیم ملی را تداعی نماید ، پروژه هایی که اقتدار کشور اسلامی را از طریق ارز آوری مستمر در کوتاه مدت و بلند مدت ، تضمین نماید ، در این مجموعه ها نمایش میراث فرهنگی کشور بصورت نمایش چند فقره سکه و یا نیزه و ... ، نخواهد بود ، بلکه بطور مثال با نمایش قرار دادن هزاران سکه در هر غرفه شگفت انگیزترین جاذبه ها را برای معرفی هر دوره تاریخی به همراه تمامی آثار فرهنگی و ادوات جنگی و لباس ها ملی و بومی و ... فراهم نماید ، به نحوی که عظمت کمی و کیفی این آثار خود به یکی از جاذبه های مهم این مجموعه بی بدیل و بی نظیر تبدیل گردد.

- ویژگی دوم ، ویژگی های محورهای فرعی :

ویژگی دوم در محورهای فرعی این شهرک ها ، بر معرفی سایر جاذبه های توریستی کشور مانند پوشش اقوام مختلف ایرانی در تمدنهای حاکم ، صنایع دستی مربوط به اقصاء نقاط کشور برای معرفی سابقه تاریخی ایران ، معرفی فرهنگ و هنر و سابقه شعر و ادب و ... ، استوار خواهد بود ، بدیهی است گستردگی این محورها بایستی در حدی از وسعت باشد که تمام اوقات گردشگران را به لحاظ بازدید فیزیکی و جذب جلوه های معنوی پر نماید و سالن های مختلف جوابگوی سوالات و ارائه پاسخ لازم به گردشگران و ... ، باشند ، وسعت و تنوع این مجموعه های بی نظیر و بی مانند می بایست بگونه ای طراحی گردد که گردشگران مجبور باشند زمان بسیاری را صرف بازدید آن نمایند و ... ، که برای ایجاد تنوع در جاذبه های گردشگری می توان از کشورهای دیگر نیز الگوهای اجرایی اخذ نمود .

- ویژگی سوم : محورهای ارائه خدمات (بهشت گردشگران) :

در این محورها می بایست تمامی نیازها و اهداف سفر گردشگران خارجی و داخلی بطور مادی و معنوی بطور یکجا برطرف گردد ، مراحل معرفی و تبلیغ ، تبیین اهداف سفر، تهیه ملزومات سفر ، اعم از رفع مشکلات روادید و تهیه بلیط و...، انجام هماهنگی کامل برای ایجاد تسهیلات سفر از مبدا تا مقصد ، ایجاد فضای مناسب برای اقامت و اسکان در شهرک و بطور کلی ایجاد تمامی امکانات مجهز و مناسب اداری ، تجاری و تفریحی و برقراری هماهنگی برای بازگشت و تدارک مایحتاج سفر، خرید صنایع دستی و اشیاء سنتی و بومی و... ، تا مرحله خروج و... ، در این مجموعه ها تمامی عوامل از جمله همکاری های بین سازمانی ، به دلیل اختصاصی بودن ارائه خدمات ؛ از ماهیت پارادوکسی خارج و الزاماً شفاف عمل خواهند نمود ، اطلاع رسانی و ارتباط با شبکه های جهانی جهانگردی ، برقراری و انواع جاذبه های توریستی و ایجاد امنیت فوق العاده و تضمین عدم وقوع هرگونه جرم و جنایت علیه گردشگران ، استقرار نیروهای نظامی و انتظامی با آموزش های مخصوص ، بعنوان (پلیس جهانگرد) ، تهیه اسباب رفاه و امنیت کامل برای گردشگران ، با این دیدگاه که ارز آوری از این طریق ، زنان مسلمان را از منجلاب فحشاء ، فساد ، و بدبختی و نکبت و جوانان را از دام اعتیاد و خانواده ها را از سرگردانی با ایجاد اشتغال سازنده و مناسب نجات خواهد داد و درضمن شکوفایی اقتصاد کشور را نیز به دنبال خواهد داشت که این امتیاز در واقع از خصایص و ویژگی های اصلی این شهرکها خواهد بود ، زیرا در این زمان است که دولت مردان قادر خواهند بود با جذب منابع ارز آور، وقت جوانان را با علم ، کار ، درس و هنر و ورزش و... ، پر نمایند هیچ خانواده ای از گرسنگی و فقر ننالد و نگران آینده خود نباشد و لذا با این دیدگاه فرهنگ و آداب و سنت گردشگری می بایست با قداست یک آموزه شرعی آموزش داده شود ، و در این راستا لازم است مزیت های نسبی ایران اسلامی را در مقایسه با وضعیت مشابه گردشگری در کشورهای همسایه ، قدردانی و تبلیغ و بعنوان بهترین مبانی ، معیار قرار داده و آنها را نویدهای شادی بخش برای آینده این صنعت تلقی نمائیم ، مزیت هایی همچون وجود چهار فصل آب و هوایی قابل گردشگری ، همسایگی با کشورهای مسلمان منطقه ، علاقه مندی و اشتیاق ایرانیان مقیم خارج از کشور در سفر به ایران و دیدار آشنایان و... ، که همه این عوامل من حیث المجموع می تواند بهترین موقعیت و وضعیت را در موضوع این صنعت برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد ، حضور مقتدرانه و با صلابت پلیس جهانگرد و نیروهای نظامی و انتظامی ، با اقتدار تمام می بایست بالاترین ضرایب امنیتی را اولاً برای مجموعه پر ارزش و گران بها و گنجینه های عظیم جمع آوری شده و استقرار یافته در این شهرک ها و ثانیاً برای تمامی گردشگران به ارمغان آورده و همچنین تمامی گردشگران داخلی ، آموزش لازم را جهت آمادگی به منظور برخورد صحیح و منطقی و محترمانه با فرهنگ های وارداتی در این شهرک ها کسب نمایند و عملاً بهترین معرف برای تبلیغ اسلام راستین به بازدیدکنندگان و... ، خواهند بود و اگر در این برخورد فرهنگی ، آمادگی پذیرش حضور میهمانان برای عده ای کند ذهن و جاهل فراهم نیاید و نتوانند مفاهیم مثبت حضور در دهکده جهانی را پذیرا گردند ، حداقل می بایست در این محدوده از فضای گردشگری ، بعضی از مظاهر به ظاهر فساد علنی را به بهای محو مفسد غیرعلنی موجود در کشور تحمل نمایند و براین باور باشند که اسلام بالاترین فرهنگ در جهان است و قداست تمامی تفکرات و اندیشه ها را به خود جذب و متمایل نماید، و نیازی به اعمال خشونت آمیز آنگونه که دشمنان اسلام و قرآن در پی

تبلیغ آن می باشند وجود ندارد و کافی است از مسیر صحیح و با خلق خوش و نیکو، ضمن نمایش فرهنگ غنی و تمدنهای گهربار حاکم بر ایران اسلامی به معرفی فرهنگ غنی اسلام و ترویج و تبلیغ ضمنی اسلام راستین به جهانیان اقدام نمائیم و قاطعانه اجازه هیچگونه فرصت سوزی های جاهلانه و مغرضانه را به ایادی و دشمنان اسلام و قرآن، با ایجاد زمینه های از بین بردن منابع ارز آور کشور ندهیم و همچنین اجازه ندهیم که ایران اسلامی با شش هزار سال سابقه فرهنگی که می تواند با فرصت سازی های صحیح بیشترین جاذبه توریستی را در چهار فصل سال و...، و بالاترین ارزش آوری را حاصل و معضلات فقر اقتصادی و اشتغال جوانان کشور را برطرف نماید، با بی تفاوتی و بی توجهی، گمنام و ناشناخته باقی بماند و النهایه نگذاریم این نعمت های بی حدود و حصر الهی، از شمول شکرانه ما خارج و بی توجهی به آن از مصادیق کفران نعم الهی تلقی و موجب از دست رفتن آن گردد، لازم است در این شهرکها با نظارت جامع در اعمال نظم از مجرای قانون توسط دولت مقتدر بر کل مجموعه، امنیت کامل را با قاطعیت برای مجموعه و تمامی گردشگران برقرار نمود و رایحه دل انگیز محبت و دوستی را در فضای مجموعه پراکنده ساخت و احترام متقابل بعنوان بهترین مبلغ فرهنگ غنی اسلام سرمشق قرار گرفته و به آن عمل گردد و گردشگران با خاطره ای خوش و قلبی مملو از محبت از ایران خارج شده و با جمعیت بیشتری به آن بازگردند، از خصائص و ویژگی های مهم دیگر این مجموعه عظیم، بکارگیری قوانین اخلاق جهانی در گردشگری و رعایت تمامی مفاد آن از سوی پذیرائی کنندگان و گردشگران داخلی و...، و بدینگونه اثرات منفی متقابل گردشگری در این مجموعه (کاملاً کنترل شده از تمامی جهات)، عملاً به حداقل رسیده و یا به نقطه صفر متمایل می گردد. مراجع امنیتی در این مجموعه به راحتی قادر خواهند بود تمهیدات لازم را برای محافظت از گردشگران و بازدید کنندگان و متعلقات شخصی آنان فراهم نمایند و از طریق بکارگیری ابزارهای خاص اطلاعاتی امنیت و سلامت کامل را به گردشگران داخلی و خارجی هدیه نمایند در اینگونه مجموعه ها از حملات و یورش های ناگهانی، ربودن و ایراد صدمه به فرزندان خردسال گردشگران و یا خود آنان، یا هرگونه تهدید علیه آنان و بطور کلی ارتکاب هرگونه اعمال جنایی و بروز هرگونه رفتارهای نفرت انگیز یا زیان آور و...، اثر و نشانه ای نخواهد بود و در یادو خاطره های بازدید کنندگان، همیشه این مجموعه ها به عنوان بهشت گردشگران تداعی خواهند گردید و..، و هر ایرانی مسلمان که خود را ملزم به حفظ مصالح مملکت و تاریخ ملت بزرگ ایران اسلامی می داند، باید معتقد باشد که تمامی امکانات و مجموعه عظیم اموالی آن متعلق به ایرانیان و نسل آینده است و باید منافعی که جزء

اهرم های موثر اقتصادی برای اعتلای ملت و دولت است، حفظ و از این راه دولت و دولت مردان را یاری نمود زیرا ارزش آوری اینگونه اماکن برای اشتغال و تولید داخلی و سربلندی کشور اسلامی سهم مهمی را به ارمغان می آورند. (به امید موفقیت انشاء الله تعالی)

۲-۳-الف: انتخاب نمونه سوم:

- ارائه راهکارهای راهبردی ایجاد تحول در دستگاههای اجرایی در رابطه با اشتغال:

در رابطه با راهکارهای مربوط به توسعه محور دوم از درآمدهای دولت، ارائه راهکارهای راهبردی ایجاد تحول در دستگاه های اجرایی به منظور ایجاد اشتغال پایدار و تشکیل کارگروه های تخصصی تشکیل و اصلاح زیر ساختهای زمینه اشتغال و یا به عبارتی دیگر تغییر و تطبیق بسترهای مدیریتی دستگاه های اجرایی با هدف ایجاد و توسعه اشتغال از طریق تشکیل کارگروه های تخصصی مد نظر می باشد، در این راستا دستگاه های اجرایی می بایست کارگروه های

ص : ۵۶

تخصصی خود را در رابطه با ایجاد زمینه اشتغال تشکیل داده و با انجام کار مطالعاتی و بطور ضربتی طرح و برنامه های خود را ارائه و اجرا نمایند به نحوی که اجرای طرح های پیشنهادی با ویژگی های خاص و بدون صرف هزینه های دولتی و ایجاد بار مالی برای دولت قابلیت اجرا و بکارگیری را دارا باشد و در صورت نیاز به تعامل ، به سرعت این عوامل بکارگیری شده و النهایه خروجی نشست ها و جلسات ، خستگی را از وجود مسئولان و مردم شریف دور نماید. بطور مثال اگر لازم بود که یک پادگان نظامی در مرکز یک شهرستان مانند شهر ساری در مازندران به موزه بین المللی نمونه و توریستی و... ، به یکی از منابع ارز آور کشور تبدیل گردد و در این راستا تعامل دستگاه های اجرایی لازم باشد ، به سرعت تمهیدات لازم اتخاذ گردد و قبل از اینکه فرصت سازی ها تبدیل به فرصت سوزی شده اینگونه مکان ها بجای بهره گیری درست در راستای منافع ملی ، با سوء مدیریت تبدیل به واحدهای مسکونی برای بعضی از اعضاء دستگاه های اجرایی و یا و... ، گردد ، به سرعت اقدامات سازنده در راستای مصالح ملی و کشوری صورت پذیرد و یا در مثال دیگر اگر یک دستگاه اجرایی مرتبط در یک پیشنهاد سازنده ، طرح اتصال خط آهن شمال کشور (گرگان) به خراسان را ارائه نمود و در این راستا نیاز به تعامل سایر دستگاه های اجرایی مطرح گردید صدا و سیما و ارباب جرائد می بایست از مرحله اطلاع رسانی تا برگزاری نشست های مختلف ، جوشش نهادهایی مردمی و ترغیب ائمه جمعه و جماعات و... ، را در این مسیر در این مسیر بستر سازی نمایند و النهایه اینگونه طرح ها در واقع پروژه ملی را در تعامل همگانی متجلی می سازد و در این مثال ، با این توجیه که اتصال این خط آهن منافع کثیری را در زمینه اشتغال فراهم نموده و چند استان کشور را از نقطه کور مواصلاتی رهایی خواهد بخشید و... ، مراتب در دستور کار کارگروه ها قرار می گیرد و این مثال در واقع حرکت خود جوش (ملی و مذهبی) مردم و مسئولین ، اینگونه پروژه های نیمه تمام که بعضاً کار مطالعاتی آنها در زمان رژیم قبل نیز انجام گردیده به اتمام خواهد رسانید و که در این راستا اشتغال های پایدار مستقیم و غیر مستقیم ایجاد و موجبات شکوفایی اقتصادی استان و کشور به سهولت فراهم می گردد.

- ارائه الگوی اجرایی :

اعتقاد نگارنده بر آن است که کلیه دستگاههای اجرایی هر یک به نحوی در ایجاد اشتغال و حفظ و توسعه آن سهم داشته و نکته مهم آنکه ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم دستگاه های اجرایی موید میزان سهم آنان در وضعیت اشتغال نمی باشد ، به عبارتی دیگر بعضی از دستگاهها مانند صدا و سیما ممکن است دستگاه اجرایی غیر مستقیم فرض شود ولی نقش وی در ایجاد اشتغال به واسطه گستردگی سطح تشکیلاتی و شرح وظائف ، سهم بیشتری از یک دستگاه اجرایی که دارای ارتباط مستقیم با موضوع اشتغال هستند را به خود اختصاص دهد ، زیرا همانگونه که قبلاً مذکور گردید موضوع اشتغال اساساً به عکس آنچه تصور می گردد متغیر اقتصادی محسوب نمی گردد تا ایجاد حفظ و توسعه پایدار آن تابع عوامل ابزاری چون اعطاء وام و امکانات و... ، باشد ، بنابراین اهتمام تمامی دستگاههای اجرایی می بایست معطوف گسترش زمینه اشتغال بعنوان متغیر این مکانیسم باشد و لذا نگارنده نمونه اجرایی عملیاتی این بخش را از واحدهای صنفی ، انتخاب نموده و موضوع اشتغال و گسترش

ص : ۵۷

زمینه آن را بعنوان متغیر مورد بررسی قرارداد و آن را شاهی بر مدعی نگارش خود ارائه می نماید .

الگوی نمونه اجرایی و عملیاتی :

بررسی های بعمل آمده در موضوع چگونگی اشتغال در واحدهای صنفی کشور ، موید آن است که علت اصلی نارسایی در ایجاد ، حفظ و توسعه پایدار اشتغال چه به لحاظ ذاتی و چه به لحاظ تبعی در این بخش ، به دلیل عدم شناخت صحیح متغیرهای موثر بر وضعیت اشتغال در واحدهای صنفی بوده که تحت عارضه ای به نام معضل صنوف فاقد پروانه کسب ظهور و بروز نموده است ، عارضه ای که دغدغه آن کشوری بوده و عدم شناخت ریشه ای آن موجب گردیده است تا تمامی برنامه ریزی های بعمل آمده در این رابطه حتی با تشکیل کارگروه های تخصصی به چالش کشیده شده و نتواند انتظارات و رضایت مندی مسئولین دلسوز را فراهم نماید ، تحقیقات میدانی نگارنده در خصوص وضعیت اشتغال این بخش موید آن است که طالبان اشتغال و جویندگان کسب و کار ، علیرغم وجود بستری نامناسب و برنامه ریزی نشده ، در عرصه اشتغال حضور یافته ولی دائماً در معرض خطر نابودی و اضمحلال و یا ادامه ولی با کار در شرایط ترس و واهمه و پرداخت انواع و اقسام رشوه و یا با جلب حس ترحم مسئولین ذیربط و ... ، باشند صرف نظر از اینکه وجود این گروه زمینه ساز سوء استفاده افراد خاص ، سودجو و کلاهبردار و خاطی شده ، اما نکته مهم قابل اهمیت در این رابطه ، عدم شناخت حقوق قانونی ، شرعی و عرفی آنان است ، بنابراین با توجه به شرح وظائف ذاتی دستگاه اجرایی مرتبط ، شناسائی موانع و رفع معضلات آنان در واقع ، بستر ساز ایجاد زمینه اشتغال و سپس ایجاد اشتغال و گسترش و توسعه پایدار آن است ، با این تاکید خاص که ایجاد اشتغال مستمر برای هریک از این واحدهای صنفی در واقع به منزله ایجاد تمهیدات لازم برای بالفعل نمودن توان بالقوه آنان در بکارگیری نیروهای لازم و ایجاد اشتغال پایدار برای تعداد دیگری از افراد واجد شرایط کار خواهد بود ، که این امر صرف نظر از رفع معضلات و مشکلات مراجع قضایی و امنیتی و ... ، از اهمیت ویژه ای به لحاظ برقراری سلامت مادی و معنوی جامعه برخوردار می باشد .

بررسی های میدانی نگارنده نشان می دهد که اغلب نا هنجاری های مربوط به اصناف ، اعم از وقوع جرائم و یا بروز بیماری و شیوع فساد و فحشاء و ... ، غالباً از اینگونه واحدهای صنفی ، به لحاظ عدم شناسائی گردانندگان و متصدیان آنان ، توسط اداره اماکن و سایر مبادی کنترل کننده (موازین بهداشتی و امنیتی و ...) ، صورت گرفته که از دیگر آثار سوء قابل احصاء اینگونه واحدها ، می توان به موضوع برهم خوردن نظم و انضباط در عرضه و تقاضا کالا و خدمات ، و در رابطه با حمل و نقل و نگهداری و عرضه کالاهای قاچاق ، عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری ، عدم رعایت ضوابط بهداشتی ، تداخل صنفی ، فروش کالاهای خطرناک و مضر به جامعه ، احتکار ، کلاهبرداری اشاعه مسائل خلاف شرع و فساد اخلاقی ، توزیع CD تصاویر مبتذل و مستهجن ، اشاعه افکار گروههای منحرف و گمراه ، توزیع مواد مخدر ، آلائی قمار ، بکارگیری نیروهای دارای پیشینه های سوء اخلاقی و مجرمانه ، تهیه و تکثیر و چاپ کارتهای جعلی شناسائی و پایان خدمت و ... ، اشاره کرد ، بررسی وضعیت موجود این مشاغل از سوی نگارنده ، من حیث المجموع دلالت بر وضعیت خاص رسته های مختلف این صنوف دارد ، اول آنکه به لحاظ وجود شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی ، پراکندگی و رشد آنان یکسان و مساوی نبوده ، دوم آنکه درصد ظهور و بروز این رسته ها نسبت به مشاغل قانونی همان رسته ها با هم متفاوت و سوم آنکه رشد تعداد زیادی از این مشاغل بطور کاملاً غیر عادی با رسته های دیگر ، دارای تفاوت معنی دار می

باشند و چهارم آنکه شتاب ساماندهی در رشته های عنوان شده ، در

ص : ۵۸

برابر سعی در ساماندهی وقانونی نمودن آنها با یکدیگر کاملاً متفاوت بوده به نحوی که در بعضی از رسته های شغلی می توان اقرار نمود که نه تنها هیچ پیشرفتی در ساماندهی آنها حاصل نگردیده بلکه در بعضی از این رسته ها عملیات اجرایی کاملاً متوقف و با ظهور متقاضیان جدید در مسیر حرکت رو به عقب دارای پیشرفت منفی می باشند و... ، النهایه بررسی های بعمل آمده نشان می دهد که تشکیل جلسات متعدد استانی و کشوری و ابلاغ دستورالعمل ها و... ، منتهی به اتخاذ تصمیمات راهگشا نگردیده و معضل مطروحه همچنان در رابطه با موضوع ایجاد مشاغل پایدار و جدا سازی و تطبیق آنها با موازین قانونی ، همچنان در پیش روی مسئولین قرار دارد ، در نمودار (۱) چرخه ساماندهی موجود اینگونه صنوف و نمودار (۲) چرخه ساماندهی پیشنهادی نگارنده بر اساس مبانی نگارش نشان داده شده است .

« چرخه ساماندهی موجود »

شناسائی صنوف فاقد پروانه کسب

صدور اخطار پلمپ (مراحل قانونی)

صدور پروانه کسب موقت پلمپ

دائم

(نمودار یک)

ص : ۵۹

« چرخه پیشنهادی ساماندهی »

شناسائی صنوف فاقد پروانه کسب

(۱)

بررسی علل پیدایش

(۲)

شناسائی علل ظهور و بروز

تشکیل صنوف فاقد پروانه کسب

(۳)

رفع موانع صنوف شناسائی شده (۴)

(۵) اداری اجرایی (۶)

بستر سازی صدور پروانه کسب

(۷) در صنوف شناسائی شده

هدایت و صدور اخطار پلمپ

(۸)

ص: ۶۰

(طی مراحل قانونی براساس ق.ن.ص)

(۹) صدور پروانه کسب دائم پلمپ (۹)

(نمودار ۲)

بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و گزارشات موجود نشان می دهد که گروه غالب شاغلین در این رسته ها کسانی هستند که در جستجوی کار برای امرار معاش و تلاش به منظور برای بر خورداری از یک زندگی سالم و مشروع هستند و مساعی خود را برای انجام فعالیتی شرافتمندانه بکار می برند ، بدیهی است که طالبان اینگونه مشاغل بعنوان یک مسلمان هم وطن و یک شهروند ، صاحب حق برای کار و انجام فعالیت سالم و سازنده بوده و این امر یعنی بستر سازی ایجاد شغل و توسعه پایدار برای این گروه ، در واقع همان دغدغه ایجاد زمینه های کار و تلاش و اشتغالزایی محسوب می گردد ، گروهی که برای انجام کار و فعالیت نیاز به اخذ وام یا تخصیص اعتبار خاصی نداشته و به صورت خود جوش برای چیزی که مسئولین دلسوز نگران تامین آن بوده اند ، قدم به پیش گذاشته اند ، بنابراین شناخت عامل ایجاد معضل و ارائه راهکارهای اجرایی و عملیاتی برای محو آن در واقع به منزله زمینه سازی برای ایجاد اشتغال خواهد بود ، یعنی همان متغیر اقتصادی که در این مکانیسم، موضوع اشتغال در این گروه به عنوان تابع آن تعریف شده است .

- شناسایی عوامل و موانع زمینه سازی اشتغال :

قانون گذار حکیم است و قانون را براساس حکمت وضع نموده است ، ابلاغ شرح وظائف و حدود اختیارات به کمیسیون های نظارت و مجامع امور صنفی و اتحادیه ها ، تماماً براساس مفاد قانون نظام صنفی و در راستای بستر سازی ایجاد اشتغال و برقراری فضای رقابت سالم و شاداب و فراگیر برای تمامی متقاضیان انجام فعالیت های صنفی و النهایه رعایت مصالح عمومی و حفظ حقوق دیگران بوده است ، بررسی های نگارنده نشان می دهد ضوابط و مقررات تعریف شده از سوی مرکز اصناف کشور بعنوان متولی امر و ناظر بر سیاست های ابلاغی دولت و هدایت و ارشاد مبادی ذیربط در قالب دستورالعملها و بخشنامه ها و ... ، کاملاً رسا و شفاف و گویا بوده است اما عدم توجه و تفسیر نابجا و عمل به قسمتی از آئین نامه ها و واگذاری ورها نمودن قسمت های مکمل دیگر ، معضل موجود و اکثر مشکلات قهری آن را فراهم نموده است ، تحقیقات میدانی نشان می دهد که وضعیت نحوه صدور پروانه کسب در اکثر اتحادیه ها در وضعیت نامطلوب و در بعضی از اتحادیه ها در وضعیت کاملاً بحرانی قرار دارد ، به نحوی که اتحادیه های موصوف نه تنها قادر به ساماندهی و کنترل وضعیت موجود خود نیستند بلکه توانایی جلوگیری از ظهور مجدد و یا حل معضلات آنها را نیز ندارند ، بدیهی است ایجاد نارضایتی برای متقاضیان کار و اشتغال ، انجام انواع سوء استفاده های مالی و فساد اداری ، خرید و فروش پروانه های کسب با نرخهای متفاوت به بهانه واگذاری و بدور ماندن افراد واجد شرایط از اشتغال و فعالیت صحیح اقتصادی و محرومیت از انجام رقابت سالم صنفی و بروز تبعیض

ص : ۶۱

وبرهم خوردن نظم وانضباط کسی ، اجحاف واز بین رفتن بسترهای سالم اشتغال زایی و... ، از آثار مخرب و تبعات سوء اینگونه وضعیت های حاد می باشد. که موارد معنونه من حیث المجموع دلالت بر اهمیت این موضوع و بیانگر لزوم تسریع در اتخاذ تمهیدات لازم به منظور جلوگیری از رشد خطرناک این عارضه هزینه آور و تبعات ناگوار سوء اجتماعی و سیاسی و... ، آن می باشد ، بنابراین معضلات عنوان شده که در واقع به گوشه هایی از آنها اشاره شد ، به شرحی که مذکور می گردد ریشه در عدول اتحادیه های بحران زده از شرح وظائف و حدود اختیارات اعطایی و عدم توجه مراجع ناظر بر عملکرد آنها دارد .

- معرفی شاخصه های اجرایی و نظارتی :

براساس موازین قانون نظام صنفی و آئین نامه های اجرایی آن ، بستر سالم وضوابط لازم برای متقاضیان واجد شرایط اشتغال و صدور پروانه کسب برای آنان توسط اتحادیه های صنفی در شهرها وروستاها و طی مراحل زمانبندی شده برای اینگونه افراد (حقیقی و حقوقی) ، به وضوح و صراحت تمام تعریف و حدود آن با معرفی شاخصه های مربوطه اعلام گردیده است . اما با نهایت تاسف در مراحل اجرایی بنا به دلایلی که مذکور خواهد گردید ، صدور مجوز اشتغال از سوی اتحادیه های بیمار و بحران زده (از روی جهل و یا غرض ورزی) ، به صورت کابوس و معضلی حاد و لاینحل به عنوان مرجع عملیاتی (عامل درون سازمانی) بروز می نماید و رفع این معضل از سوی مراجع نظارتی ، به دلیل عدم شناخت شاخصه های ظهور و بروز این وضعیت علیرغم وضعیت حاد اضطراری آنان به عنوان مرجع نظارتی (عامل برون سازمانی) ، رها می گردد و در چنین حالتی فرصت سازی برای اشتغال به فرصت سوزی برای اشتغال تبدیل شده و متقاضیان کار و فعالیت علیرغم واجد شرایط بودن ، محکوم به خروج دائمی از چرخه کار و فعالیت ، ضمن تحمل خسارت های سنگین و یا ادامه آن ولی با پرداخت هزینه های گزاف و خرید پروانه کسب از بازار آزاد و یا پرداخت رشوه و حق حساب به ناظران و بازرسان خائن و یا ایجاد درگیری و یا درخواست ترحم از مبادی ذیربط و... ، والنهاییه انجام کار و تلاش ولی همراه با ترس و واهمه و نگرانی از آینده ای مبهم و بصورت کاملاً ناپایدار و... هستند ، اینگونه واحدهای صنفی ، حقوق شرعی و قانونی خود را بعنوان یک مسلمان و ایرانی واجد شرایط کار از این مراجع گدایی می کنند اما بازهم موفق نمی شوند ، نکته حائز اهمیت آن است که تمامی اعتراضات و نارضایتی های ابرازی متقاضیان ، علیرغم بروز پیامدهای ناگوار اجتماعی و سیاسی و امنیتی و... ، از سوی همین اتحادیه ها به کمیسیون های نظارت نسبت داده می شود و حال آنکه کمیسیون های نظارت زمانی در انجام وظایف خود مقصر خواهند بود که با درخواست صدور مجوز در قالب ساماندهی این گروه و یا با درخواست سقف صنفی که منتهی به ایجاد اشتغال برای این گروه واجد شرایط می باشد بی اعتنا بوده و برخلاف شرح وظایف خود و برخلاف سیاست اشتغال زایی دولت خدمتگزار عمل نمایند.

- شاخصه های تکلیفی قانون نظام صنفی برای تشخیص عدول مبادی درون سازمانی (عملیاتی - اتحادیه ها) و برون سازمانی (نظارتی ، کمیسیون های نظارت) در ایجاد اشتغال :

همانگونه که مذکور گردید براساس موازین قانون نظام صنفی و آئین نامه اجرایی آن، بستر سالم و ضوابط لازم برای اشتغال افراد واجد شرایط از طریق صدور پروانه کسب به وضوح تعریف و حدود آن نیز اعلام و همانگونه که مذکور گردید در عمل ملاحظه می گردد که صدور آن در اتحادیه های بحران زده و بیمار (به دلایل ضعف در مدیریت و یا غرض ورزی ها و سوء استفاده مالی و...)، به صورت کابوسی وحشتناک و معضلی لاینحل برای جویندگان کار و واجدین شرایط اشتغال بروز می نماید و موانع ایجاد شده از سوی اتحادیه ها، متقاضیان مذکور را بر سر دوراهی خروج از وضعیت اشتغال و یا ادامه فعالیت از طریق خرید جواز کسب (از بازار آزاد و یا ایادی اتحادیه به قیمت های گزاف و...) و یا پرداخت رشوه و یا جلب ترحم مبادی ذیربط و...، قرار می دهد، با نهایت تاسف در اینگونه اتحادیه ها عرضه کالا و خدمات به مصرف کنندگان برخلاف ضوابط و دستورالعمل های اعلامی اصناف کشور در انحصار تعدادی مشخص درآمده و دارا بودن پروانه کسب در اینگونه اتحادیه ها صرفاً از طروقی که اشاره گردید امکان پذیر که این امر خود دلالت بر اجحاف و تبعیض برای متقاضیان با توجه به صراحت و وضوح دستورالعمل های ابلاغی دارد. بنابراین بروز این معضل یعنی تخریب زمینه اشتغال برای افراد واجد شرایط اشتغال، بدواً ریشه در عدول اتحادیه های بحران زده و بیمار و یا مغرض از انجام شرح وظائف قانونی و استتکاف در بکارگیری ضوابط و دستورالعمل های صادره دارد، مضافاً به اینکه انحصار طلبی و تخلفات منتسبه از سوی همین اتحادیه ها علیرغم فشارها و پیامدهای ناگوار اجتماعی، سیاسی و امنیتی و...، به کمیسیون های نظارت و دستورالعمل های مربوطه نسبت داده می شود و حال آنکه حدود و بسترها و ابعاد فعالیت های لازم در این رابطه با وضوح تمام در دستورالعمل های چگونگی حدود صنفی و تعیین سقف صنفی و...، اتحادیه ها مذکور و تاکید گردیده است که محدودیت در صدور سقف و حدود صنفی منوط به عدم ایجاد انحصار و نفی زمینه خرید و فروش پروانه های کسب بعنوان شاخصه های تکلیفی قانونگذار در رابطه با شرح وظائف درون سازمانی اتحادیه ها خواهد بود، بنابراین براساس شاخصه های اعلام شده بروز نشانه های تخریب زمینه های اشتغال زایی، در واقع بیانگر این حقیقت است که جمع آوری اطلاعات و آمار لازم با وسایل مقتضی برای تعیین حدود، تعداد واحدهای صنفی متناسب با جمعیت و نیاز متقاضیان اشتغال و مصرف کنندگان کالا و خدمات با عدول از شرح وظایف و حدود اختیارات توسط اینگونه اتحادیه ها (بعنوان اهرم عملیاتی و اجرایی)، صورت پذیرفته و مصالح عمومی و حقوق متقاضیان اعم از عرضه کنندگان کالا و یا خدمات و مصرف کنندگان به هیچ وجه لحاظ نگردیده است و همچنین اصول اساسی اقتصادی در رابطه با ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا و ایجاد بستر مناسب برای اشتغال فراگیر و توزیع امکانات کار و فعالیت مشروع بطور عادلانه با هدف انجام رقابت سالم اقتصادی و صنفی و ایجاد فضای سالم تلاش و کوشش صورت پذیرفته و حدود و حریم های تعیین شده در رابطه با شاخصه های تکلیفی قانونی هم شکسته شده است؛ همانگونه که ذکر گردید اغلب اینگونه اتحادیه ها، سوء مدیریت موجود در تشکیلات اداری و یا سوء نیت و غرض ورزی و سوء استفاده های مالی و...، خود را در رابطه با عدم صدور مجوز اشتغال و فعالیت در قالب عدم وجود مجوز در سقف صنفی با ترفندهای خاص به کمیسیون های نظارت منتسب نموده و علت غایی و نهایی بروز تمامی نابسامانی و نارسایی و مشکل آفرینی ها را عدم اتخاذ تصمیم مناسب از سوی کمیسیون های نظارت اعلام می نمایند و این امر در حالی است که صدور مجوزهای سالیانه در واقع مبتنی بر اعلام

ص: ۶۳

وبراساس پیشنهادات همین اتحادیه‌ها و در رابطه با تعیین سقف صنفی شکل می‌گیرد. بنابراین براساس بررسی بعمل آمده و موضوع وضعیت موجود و جمع آوری اطلاعات صنفی هر اتحادیه به شرحی که ذکر گردید و تطبیق آن با وضعیت‌های غیر عادی و معنی دار آمار متقاضیان اشتغال، موید ارتباط مستقیم و غیر قابل انکار آن با علل ظهور و بروز گروه صنوف فاقد پروانه کسب که برای نیل به اهداف شرعی و قانونی و انسانی خود در رابطه با اشتغال تلاش می‌نمایند، می‌باشد، به عبارتی دیگر معضل فرا روی متقاضیان اشتغال در واقع نمادی از عدول خواسته و یا ناخواسته اینگونه اتحادیه‌ها از شرح وظایف قانونی و حدود اختیارات اعطایی و تجاوز از شاخصه‌ها و معیارهای قانونی و تعیین شده و تخریب بی رحمانه زمینه‌های اشتغال افراد واجد شرایط خواهد بود، شاخصه‌های تکلیفی و لازم‌الاتباع اتحادیه‌های صنفی (به عنوان مبادی درون سازمانی) می‌بایست اولاً:

۱- برای مصرف کنندگان کالا و خدمات هیچگونه مشکلاتی را از جهت تهیه کالا و خدمات مورد نیاز ایجاد ننماید.

۲- عرضه کالا و خدمات به مصرف کنندگان برای برخی از واحدهای صنفی انحصار ایجاد ننماید.

۳- موجب خرید و فروش پروانه‌های کسب که خلاف قانون و مقررات صنفی می‌باشد نگردد.

در صورتی که اینگونه اتحادیه‌ها براساس شاخصه‌های تعیین شده از حدود و مرزهای تعیین شده خود تجاوز نموده و موجبات انحصار و زمینه خرید و فروش پروانه کسب را فراهم می‌آورند که در چنین حالتی کمیسیون‌های نظارت حسب شرح وظایف ذاتی و تبعی خود، موظف به ورود در موضوع و اتخاذ تمهیدات لازم جهت رفع بحران و تنش حاصل و جلوگیری از خود کامگی و سودجویی اتحادیه‌ها و...، به شرحی که مذکور گشت بعنوان مرجع نظارتی خواهند بود، زیرا در واقع با این وصف، ایجاد زمینه اشتغال و تهیه بستر و فضای مناسب برای انجام اشتغال سالم و توسعه پایدار آن و برقراری فضای شاداب کار و تلاش به منظور بهره‌مندی افراد واجد شرایط از اشتغال سازنده و رفع محرومیت‌ها و زمینه‌سازی برای ایجاد اشتغال پایدار، جزء وظایف اصلی و قهری کمیسیون‌های نظارت بعنوان مرجع نظارتی برون سازمانی بوده و خواهد بود و با توجه به آنچه مذکور گردید اثبات می‌گردد که اجرای سیاست‌های خرد و کلان دولت خدمتگزار و اولویت‌های راهبردی برای و تسهیل شرایط و بر طرف نمودن موانع غیر قانونی از مصادیق زمینه‌سازی اشتغال و بستر سازی اشتغال پایدار در واقع در راستای شرح وظایف و حدود اختیارات کمیسیون‌های نظارت است و لذا بدیهی است شکستن حاکمیت انحصار و جلوگیری از ورود خسارت مادی و معنوی برای واجدین شرایط اشتغال و همچنین ممانعت از بروز تبعات و آسیب‌های مضر به مصالح جامعه از اولویت‌های خاص و قابل توجه کمیسیون‌های مذکور بعنوان متغیر اقتصادی برای ایجاد زمینه اشتغال در بخش اصناف خواهد بود.

گفتار پایانی:

در خاتمه همگی با امید تعامل همگانی در بکارگیری راهکارهای اجرایی و عملیاتی و در راستای اشتغال زایی در

کشور، آرزو مندیم تا به حول و قوه الهی و عنایات حضرات معصومین علیهم السلام جامعه‌ای شاداب، فعال با جوانانی کوشا و سالم و خانواده‌هایی رضایتمند و امیدوار به آینده داشته باشیم و همچنین امید است این کتاب که حاصل حدود بیست سال تجربه اداری و مطالعاتی نگارنده است مورد توجه حضرت بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن

ص : ۶۴

المهدی عج الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد و لذا این کتاب را به جهت حسن ختام ، با کلامی گهربار از حضرتش به پایان می بریم :

(خداوند ما و شما را از فتنه مصون دارد ، به ما و شما روح یقین عنایت فرماید و همه ما را از بد عاقبتی در پناه خود حفظ فرماید)

(آمین رب العالمین)

وصلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهیرین .

عبدالله عصام رودسری

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

